

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

عنوان

جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۲ شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۱۹

تاریخ: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

مشروح مذاکرات شورای نگهبان
جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۲ شورای نگهبان

ویراستار و مستندساز:

حسین امینی

بازبینان:

سید احمد حسینی پور اردگانی و محمد میثم نداف پور

ناظران علمی:

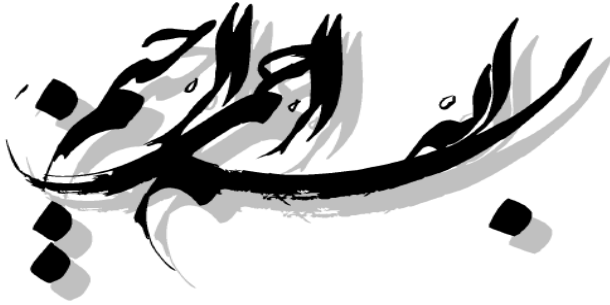
کاظم کوهی اصفهانی ، دکتر ابوالفضل درویشوند

گروه تدوین نظرات و مبانی آراء شورای نگهبان

شماره مسلسل: ۱۳۹۸۰۰۱۹

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶

پژوهشکده شورای نگهبان



جلسه مورخ ۱۳۹۵/۰۲/۲۲ شورای نگهبان

فهرست مطالب

۲مقدمه
۳ طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)
۳۱ لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)

مقدمه

بر اساس اصل (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیه مصوبات مجلس شورای اسلامی از نظر انطباق با موازین اسلام و قانون اساسی به وسیله شورای نگهبان مورد بررسی قرار می‌گیرد و در صورت مغایرت برای تجدیدنظر به مجلس بازگردانده می‌شود. همچنین به موجب اصل (۸۵) قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب اساسنامه‌ی سازمان‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را به کمیسیون‌های ذی‌ربط مجلس یا هیئت وزیران واگذار کند که در این صورت، این اساسنامه‌ها نیز باید به لحاظ عدم مغایرت با شرع و قانون اساسی به تأیید شورای نگهبان برسند. علاوه بر این، به موجب اصل (۴) قانون اساسی، کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است. تفسیر قانون اساسی نیز به موجب اصل (۹۸) قانون اساسی، بر عهده شورای نگهبان قرار گرفته است.

در راستای اجرای این اصول، کلیه مصوبات مجلس، اساسنامه‌ی سازمان‌ها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و استفسارهای مربوط به اصول قانون اساسی در جلسات شورای نگهبان مورد بررسی فقهی و حقوقی قرار گرفته و سرانجام در قالب نظریه شورای نگهبان به مراجع مربوطه اعلام می‌شود. بدین‌سان، مشروح مذاکرات جلسات شورای نگهبان به جهت محتوای علمی قابل استفاده‌ی آن برای آحاد علاقه‌مندان به این مباحث، به ویژه پژوهشگران و صاحب‌نظران حوزوی و دانشگاهی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با عنایت به تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر ضرورت انتشار مشروح مذاکرات شورای نگهبان، گروه تدوین نظرات و مبانی آرای شورای نگهبان، به‌عنوان یکی از شرح وظایف خویش در پژوهشکده شورای نگهبان، آماده‌سازی متون مذاکرات جلسات شورای نگهبان برای انتشار عمومی را در دستور کار دارد. این مهم، در چند مرحله به شرح زیر انجام می‌پذیرد: پس از پیاده‌سازی فایل‌های صوتی جلسات شورای نگهبان، این متون در اختیار کارشناسان گروه قرار می‌گیرد تا از لحاظ فنی و ادبی ویرایش شده و در صورت لزوم، اظهارات اعضای شورا مستندسازی شود. سپس متون ویرایش و مستندسازی شده از لحاظ صحت، اتقان و انطباق با محتوای متون اولیه و همچنین از جهت ویرایشی، مورد بازبینی قرار می‌گیرد. در نهایت، متون بازبینی شده بار دیگر از جهات مذکور توسط ناظران علمی پروژه، به طور دقیق، از جهت شکلی و محتوایی بررسی می‌شود و سپس منتشر می‌گردد.

پژوهشکده شورای نگهبان امیدوار است با تولید و عرضه‌ی این مجموعه، علاوه بر حرکت در جهت تحقق بخشی از منویات مقام معظم رهبری، خواسته‌ی جامعه‌ی علمی کشور و همچنین مراکز سیاست‌گذاری، تقنینی و اجرایی کشور را پاسخ گفته باشد. مسلماً انتشار و عرضه‌ی چنین آثاری می‌تواند ثمره‌ی بیش از سی سال مجاهدت و تلاش شورای نگهبان در پاسداری از شرع و قانون اساسی را در اختیار کلیه علاقه‌مندان، به ویژه محافل علمی و پژوهشی، اعم از دانشگاهی و حوزوی قرار دهد و به غنی‌تر شدن هر چه بیشتر مباحث فقهی و حقوقی در کشور کمک کند.

طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «طرح اساسنامه شرکت ملی نفت (اعاده شده از شورای نگهبان)»^(۱) ایراد اول ما به این مصوبه [در نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶] این بوده است: «۱- در ماده یک،^(۲) اطلاق عبارت «اصول و قواعد بازرگانی» چون شامل مواردی که در قانون تجارت آمده است نیز می‌گردد، نظر به اینکه برخی از مواد قانون مذکور خلاف شرع می‌باشد، اشکال شرعی دارد.» در مصوبه‌ی اصلاحی، عبارت «اصول و قواعد بازرگانی» را حذف کرده‌اند.^(۳)

آقای علیزاده - برای این مصوبه، من به کمیسیون انرژی مجلس رفتم و این ایراد را

۱. طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران که مجلس شورای اسلامی در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۴/۵/۶ با تصویب آن به صورت کمیسیونی (مطابق فراز دوم اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی) موافقت نمود، با اصلاحاتی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس به تصویب رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۸۵) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۴۵۰/۱۶۲۶۷ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۰ به شورای نگهبان ارسال شد. شورای نگهبان این مصوبه را در جلسات متعدد خود مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۱۳، ۱۳۹۴/۱۲/۱۷، ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ و ۱۳۹۴/۱۲/۲۵ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۴/۱۰۲/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. پس از آن، این مصوبه با اصلاحات مورخ ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی، مجدداً به شورای نگهبان ارسال شد که این شورا، مصوبه‌ی اصلاحی را در جلسات مورخ ۱۳۹۵/۲/۸ (عصر) و ۱۳۹۵/۲/۲۲ کرد و نظر خود مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی را طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۵ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد.

۲. ماده (۱) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱- شرکت ملی نفت ایران که به موجب قانون «طرح قانونی دائر به طرز اجرای اصل ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور» مصوب ۱۳۳۰/۲/۹ تأسیس شده است و از این پس در این اساسنامه «شرکت» نامیده می‌شود، مطابق این اساسنامه و با رعایت قوانین و مقررات حاکم بر شرکت از جمله قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن و قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت مصوب ۱۳۹۱/۲/۱۹ و مطابق اصول و قواعد بازرگانی اداره می‌شود. این شرکت از شرکت‌های اصلی تابعه وزارت نفت و دارای شخصیت حقوقی مستقل است.»

۳. اصلاحیه‌ی ماده (۱) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «در ماده (۱) عبارت «اصول و قواعد بازرگانی» حذف می‌شود.»

مطرح کردم. من گفتم کمیسیون این عبارت را حذف کند.

منشی جلسه - البته این ایراد در جلسه‌ی قبل [مورخ ۱۳۹۵/۲/۸] بحث شد که آقایان [اعضای شورای نگهبان] فرمودند که ما یک تذکر به مجلس بدهیم که این کلمه‌ی «مطابق» هم باید حذف بشود که عبارت درست بشود. فرمودید عبارت «و مطابق» باید حذف شود.

آقای مؤمن - این تذکر را مجمع مشورتی فقهی قم هم داده است.^(۱)

منشی جلسه - در این اصلاحیه، عبارت «اصول و قواعد بازرگانی» را حذف کرده‌اند، ولی باید عبارت «و مطابق اصول و قواعد بازرگانی» را حذف کنند.

آقای عزیزاده - این نکته معلوم است. ما این را تذکر می‌دهیم.

منشی جلسه - بله، تذکر است. مورد بعدی در نظر شورای نگهبان یک تذکر بوده است: «در ماده (۴)،^(۲) ظاهراً مبلغ مذکور اشتباه است که باید اصلاح گردد.»

آقای عزیزاده - ظاهراً مبلغ را درست کرده‌اند؛ درست نکرده‌اند؟

منشی جلسه - نه، مبلغ را اصلاح نکرده‌اند.

آقای عزیزاده - خیلی خب، باید این را درست بکنند.

منشی جلسه - [ایراد بعدی شورا این بود: «۲- در تبصره ماده (۴) و مواد دیگر این مصوبه، از آنجا که افزایش سرمایه توسط مراجع مذکور، تغییر در اساسنامه تلقی

۱. «لازم است عبارت «و مطابق» که قبل از عبارت حذف شده می‌باشد نیز حذف شود.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۵/ف/۱۲۹ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۹، قابل دسترسی در نشانی yon.it/8KSnV زیر:

۲. ماده (۴) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴- سرمایه شرکت در زمان تصویب این اساسنامه مبلغ هشتصد و نود و چهار میلیون و پانصد و شصت و دو هزار و ششصد و بیست (۸۹۴،۵۶۲،۶۲۰) ریال و منقسم به (۸۹،۴۵۶،۲۶۲) سهم ده میلیون ریالی بانام است که صد درصد (۱۰۰٪) آن متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران و تماماً پرداخت گردیده است.

تبصره- افزایش سرمایه موضوع مواد (۴۲)، (۶۹) و (۷۴) این اساسنامه در اختیار مجمع عمومی عادی و کاهش سرمایه موضوع ماده (۴۳) این اساسنامه در اختیار مجمع عمومی فوق‌العاده است. در سایر موارد مصوبه مجمع عمومی فوق‌العاده در خصوص تغییرات در سرمایه جهت اخذ مصوبه هیئت وزیران به وزارت نفت ارسال می‌گردد.»

می‌گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.» تبصره را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «تبصره - جز در موارد مذکور در مواد (۴۲)، (۶۹)، (۷۴) این اساسنامه، هر نوع تغییر در سرمایه شرکت پس از تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده جهت طی تشریفات قانونی به وزارت نفت ارسال می‌گردد.»

آقای علیزاده - این ایراد هم حل شد.

آقای شب‌زنده‌دار - خب معنای این عبارت چیست؟

آقای علیزاده - معنایش این است که وزارت نفت این کار را انجام می‌دهد.

آقای مدرسی یزدی - نوشته است که مصوبه‌ی مجمع عمومی را ارسال می‌کند، نگفته‌اند که تأیید بکنند. به وزارت نفت ارسال می‌کنند.

آقای علیزاده - به آنجا ارسال می‌کنند که تشریفات قانونی آن طی شود.

آقای مدرسی یزدی - اصلاحیه که این را نگفته است.

آقای سلیمی - چرا؛ همین را گفته است.

آقای علیزاده - «... جهت طی تشریفات قانونی به وزارت نفت ارسال می‌گردد.» طی تشریفات قانونی یعنی اینکه اینها [= وزارت نفت] تغییر در سرمایه را به هیئت دولت ببرند؛ معنایش این است.

منشی جلسه - «طی تشریفات قانونی» گفته است.

آقای مدرسی یزدی - [طبق این اصلاحیه،] لازم نیست به هیئت دولت ببرند.

آقای علیزاده - چرا، تغییر اساسنامه باید به هیئت دولت برود.

آقای مدرسی یزدی - مگر خود وزیر نفت نمی‌تواند اساسنامه را تصویب کند؟

آقای علیزاده - نه، نمی‌تواند. اساسنامه باید به تصویب هیئت دولت برسد. اصل (۸۵)^(۱) همین است دیگر.

۱. اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «سِمَت نمایندگی قائم به شخص است و قابل واگذاری به دیگری نیست. مجلس نمی‌تواند اختیار قانون‌گذاری را به شخص یا هیئتی واگذار کند، ولی در موارد ضروری می‌تواند اختیار وضع بعضی از قوانین را با رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های داخلی خود تفویض کند. در این صورت این قوانین در مدتی که مجلس تعیین می‌نماید به صورت آزمایشی اجرا می‌شود و تصویب نهایی آنها با مجلس خواهد بود. همچنین مجلس شورای اسلامی می‌تواند تصویب دائمی اساسنامه سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت را با

آقای مدرسی یزدی - طبق اصل (۸۵)، خود وزیر هم می‌تواند تغییر در اساسنامه را تصویب کند.

آقای عزیزاده - تصویب اساسنامه باید به هیئت دولت برود. شرکت که نمی‌تواند تغییر اساسنامه را به وزارتخانه ارجاع بدهد. اینکه می‌گوید «جهت طی تشرفات قانونی به وزارت نفت ارسال می‌گردد»، یعنی شرکت، تغییر در سرمایه را به وزارت نفت می‌فرستد تا تشریفات قانونی را طی بکند؛ یعنی وزارت نفت به هیئت دولت بفرستد.

آقای شبزنده‌دار - معنای این سه مورد ماده‌ای را که تبصره استثنا کرده است، چیست؟

آقای عزیزاده - خب، سه مورد را بخوانید. تبصره گفته است که تغییرات سرمایه در آنها طبق خود آن مواد در اساسنامه انجام شود.

آقای رهپیک - در مواد (۴۲)^(۱) و (۶۹)^(۲) و (۷۴)^(۳) هم یک اصلاحاتی انجام داده‌اند.

→

رعایت اصل هفتاد و دوم به کمیسیون‌های ذی‌ربط واگذار کند یا اجازه تصویب آنها را به دولت بدهد. در این صورت مصوبات دولت نباید با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد، تشخیص این امر به ترتیب مذکور در اصل نود و ششم با شورای نگهبان است. علاوه بر این، مصوبات دولت نباید مخالف قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت آنها با قوانین مزبور باید ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی برسد.»

۱. ماده (۴۲) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۴۲- هیئت مدیره باید هر سال یک‌دهم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی ذخیره کند تا اندوخته قانونی به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت برسد. وقتی اندوخته قانونی شرکت به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت رسید، مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته را صرف افزایش سرمایه کند که به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود. در این صورت تا زمانی که اندوخته قانونی به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه بالغ گردد، کسر یک‌دهم مذکور ادامه می‌یابد.»

۲. ماده (۶۹) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶۹- سود و زیان حاصل از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی شرکت، درآمد یا هزینه تلقی نمی‌گردد. مابه‌التفاوت حاصل از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های مذکور باید در حساب ذخیره تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی منظور شود. در صورتی که در پایان سال مالی مانده حساب ذخیره مزبور بدوکار باشد، این مبلغ به حساب سود و زیان همان سال منظور می‌شود و چنانچه مانده حساب ذخیره تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی در پایان سال مالی از مبلغ سرمایه ثبت شده شرکت تجاوز نماید، مبلغ مزاد به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود.»

۳. ماده (۷۴) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی مجلس

←

این مواد مربوط به افزایش سرمایه است.

آقای عزیزاده - بله، الآن در مصوبه‌ی جدید این مواد را اصلاح کرده‌اند. به خاطر همین، ماده (۴۲) بماند تا بعداً آن را بخوانیم.

آقای رهپیک - البته این تبصره یک ابهامی دارد.

آقای شبزنده‌دار - یعنی این سه مورد می‌خواهد بگوید دیگر لازم نیست [آنها را به وزرات نفت ارسال کنند].

منشی جلسه - تغییر سرمایه در آن موارد تشریفات خاصی دارد که در همان مواد گفته شده است.

آقای عزیزاده - حالا سراغ مواد بعدی برویم. فعلاً این ماده (۴) اصلاح شده است. سراغ مواد بعدی برویم. اگر آنجا اشکال داشت، با توجه به آن ماده به این تبصره اشکال می‌گیریم.

منشی جلسه - [ایراد بعدی شورا این بود: «۳- ماده (۶)^(۱) باید مقید به رعایت «در

→

شورای اسلامی: «ماده ۷۴- پس از تصویب صورت‌های مالی در مجمع عمومی و احراز سود قابل تقسیم، میزانی از آن که باید طبق قوانین مربوط به دولت پرداخت شود، تعیین و به خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد و مابقی به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود.»

۱. ماده (۶) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۶- وظایف و اختیارات شرکت عبارتند از:

۱- مطالعه، اکتشاف و استخراج، توسعه و تولید و بهره‌برداری صیانت‌شده از منابع نفت به موجب قرارداد منعقدشده با وزارت نفت

۲- انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی داخلی و خارجی و نیز با دولت‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات و شرکت‌های بین‌المللی در راستای انجام فعالیت‌های موضوع شرکت

۳- تجارت نفت در چهارچوب سیاست‌های وزارت نفت و به موجب قراردادهای منعقدشده با وزارت نفت

۴- خرید، اجاره، تأسیس، تکمیل، توسعه، نگهداری، تعمیر و حفاظت از خطوط لوله، دستگاه‌ها، تأسیسات و تجهیزات ارتباطات لازم از جمله برقراری سرویس‌های مخابراتی با سیم و بی‌سیم در چهارچوب قوانین و مقررات با هماهنگی و اخذ مجوز از سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی

۵- ثبت پروانه‌های اختراع، طرح‌های صنعتی و علائم و نام‌های تجاری متعلق به شرکت در مراجع مربوط و نیز خرید و تملک حق بهره‌برداری از اختراعات، طرح‌های صنعتی و دانش فنی متعلق به اشخاص ثالث در حوزه مربوط به صنعت نفت و صنایع وابسته به آن

←

چارچوب سیاست‌های کلی نظام و همچنین قوانین و مقررات مربوط» گردد؛ و آلا اشکال دارد.»

-
- ۶- کمک و حمایت از شرکت‌های ایرانی دانش‌بنیان و اشخاص ایرانی راجع به طراحی و تولید تجهیزات مورد نیاز عملیات موضوع فعالیت شرکت در داخل کشور
- ۷- مدیریت ذخیره‌سازی و انتقال نفت
- ۸- همکاری با وزارت نفت در تدوین برنامه‌های راهبردی صیانت از منابع نفت کشور
- ۹- همکاری با وزارت نفت در تدوین و به‌روزرسانی برنامه راهبردی و طرح جامع انرژی کشور در جهت بهره‌برداری بهینه از منابع انرژی
- ۱۰- سرمایه‌گذاری مستقل یا مشترک در فعالیت‌های مرتبط با موضوع شرکت در داخل و خارج کشور بر اساس سیاست‌ها و راهبردهای وزارت نفت
- ۱۱- هدایت و راهبری شرکت‌های فرعی تابعه جهت تحقق موضوع فعالیت شرکت منطبق با سیاست‌ها و راهبردهای تعیین‌شده به وسیله وزارت نفت
- ۱۲- دریافت و اعطای اعتبارات، تسهیلات و ضمانت در داخل یا خارج کشور در راستای انجام فعالیت‌های موضوع شرکت
- ۱۳- ارتقای بهره‌وری و شاخص‌های فعالیت شرکت به استانداردهای جهانی و بالاتر از آن
- ۱۴- انجام مطالعات و تحقیقات و بررسی‌های فنی، علمی، بازرگانی و اقتصادی در خصوص عملیات و فعالیت‌های مرتبط با موضوع شرکت در چهارچوب نظام جامع پژوهشی وزارت نفت با استفاده از ظرفیت‌های پژوهشی داخل و خارج صنعت نفت
- ۱۵- اجرای اصول ایمنی و پدافند غیرعامل و حفظ محیط زیست و سلامت در تمام حوزه‌های فعالیت شرکت و شرکت‌های فرعی تابعه مطابق قوانین، مقررات و استانداردهای مربوط
- ۱۶- تدوین و اصلاح ساختار و تشکیلات شرکت، شعب و نمایندگی‌های آن و شرکت‌های فرعی تابعه در راستای استفاده حداکثری و بهینه از سرمایه‌ها، تجهیزات و منابع انسانی در اختیار
- ۱۷- تأمین خدمات حمل و نقل هوایی و دریایی در مواردی که عملیات شرکت ایجاب می‌کند با اخذ مجوز از مراجع ذی‌ربط
- ۱۸- طراحی و برگزاری دوره‌های آموزشی تخصصی مرتبط با موضوع فعالیت شرکت و شرکت‌های فرعی تابعه با اولویت استفاده از ظرفیت‌های مراکز علمی و دانشگاهی
- ۱۹- واگذاری بخشی از عملیات موضوع فعالیت شرکت به اشخاص حقوقی داخلی و خارجی
- ۲۰- تأسیس، ادغام، انحلال، تجزیه و واگذاری شرکت‌های فرعی تابعه شرکت در داخل و خارج از کشور با رعایت قوانین و مقررات مربوط
- ۲۱- تهیه پیوست‌های فرهنگی، حفاظت از محیط زیست و پدافند غیرعامل در کلیه پروژه‌های مرتبط با قراردادهای مهم (با تأثیرگذاری میان‌مدت و بلندمدت) منطبق با قوانین، مقررات و استانداردهای مربوط»

آقای عزیزاده - این همان ماده‌ای است که ایرادش را در ماده (۸۴) برطرف کرده‌اند.^(۱) آنجا چه گفته‌اند؟

منشی جلسه - فکر کنم رفع این ایراد به واسطه‌ی الحاق تبصره (۲) به ماده (۸۴) است. این تبصره گفته است: «تبصره ۲- شرکت ملزم به رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام که ناظر به شرکت ملی نفت ایران است، می‌باشد.»

آقای رهپیک - خب، اگر ناظر به شرکت نفت نبود، چه می‌شود؟

آقای عزیزاده - اگر ناظر نبود؟ معلوم است دیگر.

آقای رهپیک - نه، مثلاً موردی مربوط به تشکیلات اداری است. این موارد [از تبصره (۲) ماده (۸۴)] مستثنا هستند؟ مثلاً سیاست‌های کلی نظام اداری^(۲) را می‌گویم.

آقای عزیزاده - شرکت نفت باید آنچه که در سیاست‌های کلی نظام هست، رعایت بکند دیگر. آنچه را که مربوط به وظایف این شرکت است، باید رعایت کند. برویم.

منشی جلسه - [بند بعدی ایراد شورا این بود: «۴- در ماده (۸)،^(۳) عبارت «از اجتماع نمایندگان صاحب سهام تشکیل می‌گردد» با عبارت «متعلق به دولت جمهوری اسلامی ایران» در ماده (۴) متعارض است. پس از رفع ابهام اظهار نظر

۱. اصلاحیه‌ی ماده (۶) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ایراد ماده (۶) با الحاق تبصره (۲) به ماده (۸۴) مرتفع گردید.»

۲. سیاست‌های کلی نظام اداری ابلاغی ۱۳۸۹/۱/۱۴ مقام معظم رهبری

۳. ماده (۸) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸- مجمع عمومی از اجتماع نمایندگان صاحب سهام شرکت تشکیل می‌گردد. اعضای این مجمع عبارتند از:

۱- وزیر نفت به عنوان رئیس مجمع

۲- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

۳- وزیر امور اقتصادی و دارایی

۴- وزیر نیرو

۵- وزیر صنعت، معدن و تجارت

تبصره- هیچ یک از اعضای مجمع عمومی شرکت نمی‌توانند به عنوان عضو اصلی یا علی‌البدل هیئت مدیره یا مدیرعامل شرکت یا شرکت‌های فرعی تابعه منصوب شوند. وزیر نفت از حکم این تبصره مستثنی است.»

خواهد شد.» برای اصلاح این ماده گفته‌اند: «صدر ماده (۸) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۸- مجمع عمومی از اجتماع اشخاص زیر به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران به عنوان صاحب سهام شرکت تشکیل می‌شود.»
آقای عزیزاده - این ماده یعنی این افراد نماینده‌ی دولت باشند که در نتیجه، دولت صاحب سهام شرکت باشد.

منشی جلسه - «۵- در بند یک ماده (۱۰)،^(۱) این ابهام وجود دارد که تصویب بودجه نیاز به تصویب مجلس شورای اسلامی ندارد. بنابراین مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شد. همچنین بندهای (۹) و (۱۰) این ماده باید مقید به قید رعایت سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات گردد.» این ماده را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «بند (۱) ماده (۱۰) به شرح زیر اصلاح و یک بند به آن الحاق می‌شود:

۱- بررسی و تصویب خط مشی، راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های کلان شرکت بند الحاقی- بررسی و تصویب بودجه سالانه شرکت و ارسال آن به وزارت نفت جهت طی مراحل قانونی و بررسی و تصویب ضوابط اجرایی بودجه مصوب». بعد، [جهت رفع ایراد بندهای (۹) و (۱۰) گفته‌اند: «به انتهای بندهای (۹) و (۱۰) ماده (۱۰)، عبارت «با رعایت سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مربوط» اضافه می‌شود.»

۱. ماده (۱۰) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۰- مجمع عمومی عادی در چهارچوب سیاست‌های وزارت نفت، در غیر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است، دارای صلاحیت تصمیم‌گیری در خصوص کلیه امور شرکت از جمله موارد زیر می‌باشد:

۱- بررسی و تصویب خط مشی، راهبردها، سیاست‌ها، برنامه‌های کلان و بودجه سالانه شرکت و ضوابط اجرایی آن

۲- ...

۹- تصویب سیاست‌های سرمایه‌گذاری و مشارکت شرکت

۱۰- اتخاذ تصمیم نسبت به سود شرکت و نحوه تقسیم سود

۱۱- ...»

آقای علیزاده - این بندها نیز باید با رعایت سیاست‌های کلی نظام و قوانین و مقررات مربوط باشد. آنجا در ماده (۸۴) هم به صورت کلی گفته‌اند که باید سیاست‌های کلی نظام را رعایت بکنند. در بندهای (۹) و (۱۰) هم آمده‌اند جداگانه اظهار کرده‌اند.

آقای مؤمن - تصویب این موارد [از سوی مجمع عمومی] ایراد دارد. عین عبارت [که ایراد داشتیم] را در این بند الحاقی آورده‌اند: «بررسی و تصویب بودجه سالانه شرکت و ارسال آن به وزارت نفت جهت طی مراحل قانونی و بررسی و تصویب ضوابط اجرایی بودجه مصوب»؛ یعنی تصویب خود بودجه «و» تصویب ضوابط اجرایی آن [توسط مجمع عادی تعیین می‌شود].

آقای علیزاده - بررسی و تصویب بودجه‌ی فقط شرکت را می‌گوید. بعد می‌گوید: «... ارسال آن به وزارت نفت جهت طی مراحل قانونی و بررسی و تصویب ضوابط اجرایی ...». یعنی آن را برای وزارت نفت می‌فرستند.

آقای مؤمن - گفته است باید تصویب بشود.

آقای علیزاده - مجمع عمومی، اوّلی [= تصویب بودجه سالانه‌ی شرکت] را برای طی مراحل قانونی به وزارت نفت می‌فرستند. بعد از آن، دولت ضوابط اجرایی را می‌دهد.

آقای مؤمن - بسیار خوب، این «تصویب» اینجا چیست؟

آقای علیزاده - تصویب ضوابط اجرایی نیاز به مجلس ندارد. قسمت اول است که طی مراحل قانونی برای آن لازم است. برای دومی [= تعیین ضوابط اجرایی] طی مراحل قانونی نمی‌خواهد. بودجه‌ی شرکت را که خود مجمع می‌نویسند؛ ضوابط اجرایی را خود اینها تعیین می‌کنند. الآن همه‌جا همین‌طور است.

آقای مؤمن - درست است. «... بررسی و تصویب ضوابط اجرایی بودجه مصوب».

آقای علیزاده - بله، این ضوابط طبق بودجه‌ی مصوب است؛ یعنی طبق بودجه‌ای است که در مجلس تصویب شده است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی در واقع آیین‌نامه‌ی اجرایی آن است.

آقای علیزاده - بله، به عبارتی آیین‌نامه‌ی اجرایش را می‌نویسند.

آقای مؤمن - «ضوابط اجرایی» می‌گوید!

آقای علیزاده - بله دیگر؛ یعنی وقتی بودجه تصویب می‌شود، دولت یک آیین‌نامه‌ای به عنوان ضوابط اجرایی تصویب می‌کند.

آقای رهپیک - ضوابط بودجه معمولاً جدا نوشته می‌شود. اینجا هم «ضوابط بودجه» نوشته است.

آقای علیزاده - ضوابط بودجه است. الآن گفته است قسمت اول بند الحاقی طی مراحل قانونی انجام شود؛ یعنی جهت تصویب به مجلس برود. قسمت دوم [= تعیین ضوابط اجرایی بودجه‌ی مصوب] را خود اینها [= مجمع عمومی] انجام می‌دهند. معنای این بند، این است. دیگر لازم نیست که مجلس ضوابط اجرایی را تصویب کند.

منشی جلسه - «۶- بند (۲) ماده (۱۱)،^(۱) مبنیاً به ایراد معموله در تبصره ماده (۴) واجد اشکال است.» در مصوبه‌ی اصلاحی گفته‌اند: «با اصلاح تبصره ماده (۴)، ایراد وارده به بند (۲) ماده (۱۱) نیز مرتفع گردید.»

آقای مدرسی یزدی - بسیار خوب.

منشی جلسه - «۷- ماده (۱۸)،^(۲) مبنیاً بر ایراد بند یک ماده (۱۰) واجد ایراد می‌باشد.» این ایراد همان بحث بودجه است. [در اصلاح این ماده گفته‌اند: «در ماده (۱۸)، بعد از عبارت «بودجه شرکت»، عبارت «و ارائه آن به وزارت نفت جهت طی مراحل قانونی» اضافه می‌شود.»

آقای مؤمن - اصلاح شده یا نشده است؟

آقای علیزاده - باید بودجه‌ی شرکت طی مراحل قانونی برود دیگر. یعنی به مجلس برود.

۱. بند (۲) ماده (۱۱) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۱- صلاحیت‌های مجمع عمومی فوق‌العاده به شرح زیر است:

۱- ...

۲- اتخاذ تصمیم درباره افزایش یا کاهش سرمایه شرکت با رعایت مفاد اساسنامه

۳- ...

۴. ماده (۱۸) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۱۸- مجمع عمومی عادی هر سال حداقل دو بار، یک بار حداکثر تا پانزدهم مهرماه برای بررسی صورت‌های مالی سال قبل و تصویب آن و بررسی گزارش هیئت مدیره و حسابرس مستقل و بازرس قانونی و سایر امور مالی و یک بار حداکثر تا پانزدهم آبان‌ماه به منظور بررسی و تصویب بودجه شرکت تشکیل می‌شود. مجمع عمومی عادی می‌تواند با رعایت مقررات این اساسنامه به طور فوق‌العاده نیز تشکیل شود.»

منشی جلسه - «۸- در ماده (۲۹)،^(۱) باید اعضای هیئت مدیره دارای شرط اسلام، وثاقت و امانت باشند؛ و آلا اشکال دارد. همچنین در این ماده، باید موازین عمومی مربوط به گزینش که حسب فرمان حضرت امام علیه‌الرحمه^(۲) تشکیل و با تأکید مقام معظم رهبری مدظله‌العالی استمرار دارد، رعایت گردد؛ و آلا مغایر اصل (۵۷) قانون اساسی است.» در اصلاحیه‌ی این ماده گفته‌اند: «در صدر ماده (۲۹)، بعد از عبارت «اعضای هیئت مدیره»، عبارت «علاوه بر شرایط اسلام، وثاقت و امانت و نیز سایر شرایط مقرر در قوانین و مقررات مربوط» اضافه می‌شود.»

آقای مؤمن - این ایراد درست شد. ذیل ماده هم تغییر کرده است.

آقای عزیزاده - بقیه‌ی ماده مثل قبل است. غیر از این اصلاح چیزی ندارد.

آقای مؤمن - ماده (۲۹) دو تا ایراد داشت.

آقای عزیزاده - ایراد دومش را هم گفتیم دیگر. گفتیم بگویید: «با رعایت مقررات مربوط به گزینش». نمایندگان هم گفتند: «و نیز سایر شرایط مقرر در قوانین و مقررات مربوط».

منشی جلسه - مورد بعدی همان ماده (۴۲) است که [در تبصره‌ی ماده (۴)] به آن استناد کرده بودند: «در راستای رفع ایراد تبصره ماده (۴)،^(۳) ماده (۴۲) به شرح زیر

۱. ماده (۲۹) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۹- اعضای هیئت مدیره باید شرایط مقرر در قانون تجارت را داشته باشند. علاوه بر این، حداقل دوسوم از مجموع اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیره باید واجد شرایط زیر نیز باشند: الف) دارا بودن مدرک حداقل کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های مدیریت، مالی، حقوق، اقتصاد یا مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های تخصصی فنی و مهندسی

ب) دارا بودن حداقل پانزده سال سابقه کار در صنعت نفت که باید حداقل پنج سال آن در سمت‌های مدیریتی باشد.

تبصره- ترکیب اعضای هیئت مدیره باید به گونه‌ای باشد که تنوع تخصص‌های مذکور در بند «الف» رعایت شده باشد.»

۲. در این خصوص، بنگرید به: حکم امام خمینی(ره) در مورد انحلال هیئت‌های گزینش در سراسر کشور و تأسیس هیئت‌های دارای صلاحیت، مورخ ۱۳۶۱/۱۰/۱۵، مندرج در: موسوی خمینی، سیدروح‌الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)، ج ۵، ۱۳۸۹، ص ۲۱۹؛ قابل دسترسی در نشانی زیر:

۳. بند (۲) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ شورای نگهبان: «۲- در تبصره ماده (۴) و

اصلاح می‌شود:

ماده ۴۲- هیئت مدیره باید هر سال یک‌دهم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی ذخیره کند تا اندوخته قانونی به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت برسد. وقتی اندوخته قانونی شرکت به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت رسید، مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته را صرف افزایش سرمایه کند که به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود. در این صورت، تا زمانی که اندوخته قانونی به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه بالغ گردد، کسر یک‌دهم مذکور ادامه می‌یابد.»

آقای علیزاده - الان خود نمایندگان در این ماده گفته‌اند که سرمایه اضافه بشود. یعنی الان خود این مصوبه گفته است که این مقدار از اندوخته‌ی قانونی را جزء سرمایه قرار دهید. این موضوع را قانونی کرده‌اند. در تبصره‌ی ماده (۴) گفته بودند به جز موارد مذکور در ماده (۴۲) [و مواد (۶۹) و (۷۲)]، تغییر سرمایه باید تشریفات قانونی را طی کند. الان مجلس در این ماده (۴۲) می‌گوید خود ما می‌گوییم که این مقدار برای افزایش سرمایه مشخص شود.

منشی جلسه - در این ماده آمده است: «ماده ۴۲- وقتی اندوخته قانونی شرکت به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت رسید، مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته را صرف افزایش سرمایه کند.»

آقای علیزاده - این ماده قبل از اصلاحیه این بود: «ماده ۴۲- هیئت مدیره باید هر سال یک‌دهم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی ذخیره کند تا اندوخته قانونی به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت برسد. وقتی اندوخته قانونی شرکت به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت رسید، مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته را صرف افزایش سرمایه کند. در این صورت تا زمانی که اندوخته قانونی به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه بالغ گردد،

→

مواد دیگر این مصوبه، از آنجا که افزایش سرمایه توسط مراجع مذکور تغییر در اساسنامه تلقی می‌گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

کسر یک دهم مذکور ادامه می‌یابد.» حالا در اصلاحیه‌ی این ماده گفته‌اند که خود اضافه‌ی اندوخته‌ی قانونی خودبه‌خود به سرمایه‌ی شرکت اضافه می‌شود.

آقای مدرسی یزدی - حالا اگر اینها خواستند که مثلاً به جای «یک دهم»، «دو دهم» به سرمایه‌ی شرکت اضافه کنند، چه می‌شود؟

آقای علیزاده - چه کسی این را بگوید؟

آقای مدرسی یزدی - هیئت دولت بخواهد تصمیم بگیرد.

آقای علیزاده - هیئت دولت نمی‌تواند چنین چیزی را بگوید.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ هیئت دولت می‌تواند. فقط مجلس می‌تواند چنین چیزی را بگوید؟

آقای علیزاده - مجلس باید این را بگوید. ما [در بند (۲) نظرم‌ان در مرحله‌ی قبل] گفتیم اینکه شما گفتید که مجمع عمومی می‌تواند تا پنجاه درصد (۵۰٪) افزایش سرمایه بدهد، اشکال دارد. الآن خود کمیسیون مجلس آمده است می‌گوید خود ما می‌گوییم که این مبلغ به عنوان سرمایه اضافه بشود.

آقای مؤمن - به عنوان افزایش سرمایه اضافه می‌شود.

آقای علیزاده - بله، افزایش سرمایه صورت می‌پذیرد. این اشکالی ندارد.

آقای سوادکوهی - «باید» آمده است دیگر؛ درست است؟

آقای رهپیک - کلمه‌ی «می‌تواند» را که برای مجمع عمومی شرکت گفته بود، در این اصلاحیه حذف نکرده‌اند. در ماده‌ی اصلاحی گفته‌اند: «... مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته را صرف افزایش سرمایه کند که به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود. ...»

آقای علیزاده - این ماده، اشکال عبارتی دارد.

آقای رهپیک - اگر آن کلمه‌ی «می‌تواند» را حذف می‌کردند، خوب بود.

آقای علیزاده - ولی این عبارت غلط است.

آقای مؤمن - گفته است «مجمع عمومی» باید افزایش سرمایه بدهد.

آقای رهپیک - این ماده گفته است مجمع می‌تواند سرمایه را افزایش دهد و هم گفته است [خودبه‌خود به سرمایه‌ی شرکت افزوده می‌شود].

آقای علیزاده - نه، نمایندگان در این مورد اشتباه کرده‌اند. باید این کلمه‌ی «می‌تواند»

را حذف می‌کردند.

آقای شب‌زنده‌دار - به خصوص با توجه به آنکه تبصره‌ی ماده (۴) گفته است به جز [در موارد مذکور در مواد (۴۲)، (۶۹) و (۷۴) تغییر در سرمایه باید تشریفات قانونی را طی کند؛] یعنی در این مواد لازم نیست.

آقای رهپیک - بله، آن تبصره این مواد را استثنا کرده است.

آقای عزیزاده - بله، حالا شما بفرمایید که صدر و ذیل این ماده با این وضعیت با هم تناقض دارند.

آقای اسماعیلی - بگویید این ایراد را با تذکر درست کنند.

آقای عزیزاده - بله، باید این عبارت «می‌تواند» را حذف می‌کردند. باید می‌گفتند پنجاه درصد (۵۰٪) به سرمایه‌ی شرکت اضافه می‌شود.

آقای رهپیک - بله.

آقای اسماعیلی - یادشان رفته است.

آقای عزیزاده - بله.

آقای مؤمن - پس این ایراد را در نظر شورا درست بنویسید. همین الآن بنویسید.

آقای عزیزاده - بله، جواب بدهید و بگویید شما آن عبارت را به این ماده اضافه کردید، ولی باید در قسمت اول آن، کلمه‌ی «می‌تواند» را حذف می‌کردید که نکرده‌اید. بنابراین باید آن قسمت طوری بشود که خودبه‌خود به سرمایه‌ی شرکت اضافه شود. نمایندگان هم می‌خواستند همین کار را بکنند؛ منتها اشتباه کرده‌اند.

آقای مؤمن - بالاخره عبارت ایرادمان چه می‌شود؟

آقای عزیزاده - عبارت باید این بشود؛ این طور بنویسید که اشکال ماده (۴۲) به نحوی که اصلاح شده یا علی‌رغم اصلاح انجام‌شده، رفع نشده است.

آقای مؤمن - خب، چطور باید اصلاح کنند؟

آقای عزیزاده - اصلاح این ماده این طوری است که باید عبارت «مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند» را بعد از این عبارت «وقتی اندوخته قانونی شرکت به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت رسید»، حذف کنند. یعنی باید بگویند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته به عنوان سرمایه‌ی شرکت منظور می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - اگر هم خواستند میزان افزایش را کم یا زیاد بکنند، باید از طریق

قانونی اقدام کنند.

آقای عزیزاده - بله دیگر؛ همین طور است. بگویید: «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، عبارتی که آمده است، رافع اشکال نیست.»

آقای مؤمن - عبارت باید چطور بشود؟

آقای عزیزاده - عبارت باید به این صورت اصلاح بشود که عبارت «مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند» حذف بشود. بعد از آن بگویند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته به عنوان افزایش سرمایه‌ی دولت در سرمایه‌ی شرکت منظور می‌شود. عبارت باید این‌طور بشود. عبارت درست، همین است.

آقای مؤمن - خب، حالا این ماده این‌طوری درست می‌شود؟ عبارتتان را درست بکنید.

آقای اسماعیلی - بله، الآن هم همین معنا را دارد دیگر.

آقای رهپیک - نه، الآن این ماده گفته است که مجمع عمومی عادی شرکت «می‌تواند» الآن عبارت اصلاحیه این است: «... مجمع عمومی عادی شرکت می‌تواند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته را صرف افزایش سرمایه کند...». باید این کلمه‌ی «می‌تواند» را حذف کنند.

آقای عزیزاده - باید «می‌تواند» را بردارند.

آقای مؤمن - «ماده ۴۲- هیئت مدیره باید هر سال یک‌دهم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی ذخیره کند ...»

آقای عزیزاده - تا اینجا‌ی ماده درست است. این موارد اشکال ندارد. اشکالش کجاست؟

آقای مؤمن - «... تا اندوخته قانونی به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت برسد.»

آقای عزیزاده - ... تا اینجا اشکال ندارد. از این به بعد مهم است که باید متن ماده این‌طور بشود: «وقتی اندوخته قانونی شرکت به صد درصد (۱۰۰٪) سرمایه شرکت رسید، پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود.» عبارت این‌طوری می‌شود. باید بگوییم این عبارت به این صورت اصلاح بشود.

آقای رهپیک - این‌طوری درست می‌شود.

آقای مؤمن - پس بنویسید که کجا عبارت «باید» اضافه بشود.

منشی جلسه - عبارت «مجمع عمومی عادی شرکت می تواند» حذف می شود.

آقای علیزاده - کلمه‌ی «می تواند» باید حذف شود. باید عبارت از اینجا [= «مجمع عمومی عادی شرکت می تواند»] تا عبارت «منظور می شود»، به این صورت اصلاح بشود: «... پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می شود.» عبارت باید این طوری بشود. آن عبارت ابتدایی هم حذف بشود.

آقای مؤمن - پس این عبارت را در ایرادات بنویسید.

آقای مدرسی یزدی - حالا این مطلب هم هست که شاید شرکت نمی خواهد افزایش سرمایه بدهد. می خواهند بگویند شرکت می تواند افزایش سرمایه بدهد. مثلاً شرکت می خواهد این اندوخته را برای یک کار دیگری نگه دارد و نمی خواهد فوری سرمایه گذاری کند. خوب، چه لزومی دارد که حتماً سرمایه افزایش پیدا کند؟

آقای مؤمن - قانون باید شرکت را الزام بکند دیگر.

آقای مدرسی یزدی - شرکت نمی خواهد الزام شود. مجلس می خواهد اختیارش را به شرکت بدهد. اگر شرکت خواست، افزایش سرمایه بدهد، اگر نخواست، سرمایه‌ی دولت را پس بدهد.

آقای مؤمن - نه، مجلس می خواهد این اختیار را به شرکت ندهد.

آقای رهپیک - نه دیگر، مصوبه می خواهد بگوید اگر می خواهید سرمایه‌ی شرکت را افزایش بدهید، باید با مصوبه‌ی مجلس باشد.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد. سرمایه حتماً با مصوبه‌ی مجلس افزایش می یابد؛ منتها الآن این مصوبه به شرکت گفته است که تو می توانی سرمایه‌ی شرکت را افزایش بدهی. این طوری اجازه داده است که تو می توانی پنجاه درصد (۵۰٪) [اندوخته‌ی قانونی را صرف افزایش سرمایه کنی]. این چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - بله، این چه اشکالی دارد؟ اگر قانون بگوید دولت می تواند افزایش سرمایه بدهد، ایراد نگیریم. اگر بگوید دولت می تواند پنجاه درصد (۵۰٪) اندوخته را برای افزایش سرمایه در نظر بگیرد که آن هم جزء سرمایه می شود و بگوید همین الآن من این اجازه را به دولت دادم، اشکال دارد؟ یک وقتی هست که مجمع عمومی واقعاً نمی خواهد سرمایه را افزایش بدهد. این ماده گفته است اگر مجمع عمومی شرکت خواست سرمایه را افزایش دهد، من قانون گذار همین الآن مجوز آن را تصویب

می‌کنم. این ماده اشکال ندارد. اشکال رفع شده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، یک وقت هست که من مجمع عمومی شرکت نمی‌خواهم این مقدار را برای افزایش سرمایه بدهم. این موضوع ایرادی ندارد؛ چون خود قانون این را می‌گوید.

آقای هاشمی شاهرودی - متنها مجمع عمومی بیشتر از پنجاه درصد (۵۰٪) نمی‌تواند سرمایه را افزایش دهد.

آقای علیزاده - بله، بیشتر از این مقدار نمی‌تواند.

آقای هاشمی شاهرودی - پس نمی‌خواهد این ایراد را بنویسید.

آقای علیزاده - بله، این ماده اجازه است دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - طبق این ماده، مجلس تا پنجاه درصد (۵۰٪) اجازه‌ی افزایش سرمایه را به مجمع عمومی می‌دهد.

آقای مؤمن - متن این ایراد درست شد؟

منشی جلسه - حاج آقای مؤمن، می‌گویند اشکال ندارد. حاج آقای مؤمن می‌گویند متنش چه شد.

آقای علیزاده - نه، اشکال ندارد.

آقای مدرسی یزدی - بله، اصلاً اشکالی ندارد. چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - قبلاً در ماده (۴۲) گفته بودند که اگر دولت بخواهد سرمایه‌ی شرکت را اضافه می‌کند، آن کار را بکنند. اما این ماده (۴۲) اصلاحی می‌گوید اگر دولت بخواهد سرمایه را افزایش دهد، خود من مجلس اجازه می‌دهم تا مجمع عمومی پنجاه درصد (۵۰٪) اضافه کند. تا پنجاه درصد (۵۰٪) را اجازه می‌دهم. این مطلب که اشکال ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - تا پنجاه درصد (۵۰٪) می‌تواند سرمایه‌ی شرکت را اضافه کند. باید افزایش سرمایه را تا پنجاه درصد (۵۰٪) محدود کند.

منشی جلسه - [بند (۹) ایراد مرحله‌ی قبل این بود:] «۹- در ماده (۵۵)،^(۱) باید برای

۱. ماده (۵۵) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۵۵- حسابرس مستقل و بازرس قانونی با رعایت قوانین و مقررات مربوط از طرف مجمع عمومی به مدت یک سال انتخاب می‌شود و انتخاب مجدد ولی بلامانع است.»

حسابرس مستقل و بازرس قانونی، شرط وثاقت و امانت قید گردد؛ و الاً خلاف موازین شرع می‌باشد.» همین شرایط را در اصلاح این ماده ذکر کرده‌اند.^(۱)

آقای علیزاده - در کمیسیون مجلس خیلی بر سر آن شرطِ اسلام با من چانه زدند. من به کمیسیون گفتم نظر آقایان فقها این است که شرط اسلام هم نباشد، مهم نیست، ولی وثاقت باید داشته باشد.

منشی جلسه - [ایراد بعدی را این‌طور اصلاح کردند: «در راستای رفع ایراد تبصره ماده (۴)،^(۲) در ماده (۶۹) عبارت «پس از تصویب مجمع عمومی عادی» حذف می‌شود.»

آقای علیزاده - [ماده (۶۹) قبلاً این‌طور بود: «ماده ۶۹- سود و زیان حاصل از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی شرکت، درآمد یا هزینه تلقی نمی‌گردد. مابه‌التفاوت حاصل از تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های مذکور باید در حساب ذخیره تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی منظور شود. در صورتی که در پایان سال مالی، مانده حساب ذخیره مزبور بدهکار باشد، این مبلغ به حساب سود و زیان همان سال منظور می‌شود و چنانچه مانده حساب ذخیره تسعیر دارایی‌ها و بدهی‌های ارزی در پایان سال مالی از مبلغ سرمایه ثبت شده شرکت تجاوز نماید، مبلغ مازاد پس از تصویب مجمع عمومی عادی به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود.» در این ماده با حذف عبارت «پس از تصویب مجمع عمومی» گفته‌اند که ما خودبه‌خود این سرمایه را به شرکت اضافه می‌کنیم.

آقای مؤمن - پس یعنی در این ماده نمی‌خواهد به شرکت اختیار بدهیم.

آقای علیزاده - بله، نمی‌خواهد این اجازه را بدهد. این اصلاحیه می‌گوید خودمان سرمایه‌ی شرکت را اضافه می‌کنیم.

۱. اصلاحیه‌ی ماده (۵۵) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۵/۱/۲۳ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «در ماده (۵۵) بعد از عبارت «بازرسی قانونی»، عبارت «که باید واجد ویژگی وثاقت و امانت باشد»، اضافه می‌شود.»

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۶۰۲۰ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۶ شورای نگهبان: «۲- در تبصره ماده (۴) و مواد دیگر این مصوبه، از آنجا که افزایش سرمایه توسط مراجع مذکور تغییر در اساسنامه تلقی می‌گردد، مغایر اصل (۸۵) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای مؤمن - حالا این ماده با آن کلمه‌ی «می‌تواند» که در ماده (۴۲) گفته بود، جور درمی‌آید؟ الان شما در ماده (۴۲) فرمودید «می‌تواند» سرمایه را افزایش دهد.

آقای عزیزاده - نه، این ماده دیگر تعبیر «می‌تواند» ندارد؛ می‌گوید باید افزایش پیدا کند.

آقای مؤمن - وقتی افزایش سرمایه در این ماده «باید» است، خب آن تعبیر «می‌تواند» [در ماده (۴۲)] با این «باید» در این ماده منافات ندارد؟

آقای عزیزاده - نه، موضوع آن ماده یک چیز دیگری است. موضوع آن ماده دارایی‌های غیر ارزی است؛ ولی موضوع این ماده دارایی‌های ارزی است.

آقای مؤمن - بسیار خب، این اصلاحیه رافع ایراد است.

آقای عزیزاده - برویم.

منشی جلسه - [ماده (۷۴) این‌گونه اصلاح شده است:] «در راستای رفع ایراد تبصره ماده (۴)، در ماده (۷۴)^(۱) عبارت «به حساب اندوخته سرمایه‌ای منظور و با تصویب مجمع عمومی عادی» حذف می‌شود.»

آقای عزیزاده - این ماده هم در مورد همین بحث است. بسیار خب، برویم.

منشی جلسه - ماده (۸۲)^(۲) کلاً حذف شده است. ایراد شورای نگهبان هم این بود: «۱۰- در ماده (۸۲)، چون قانون منع احداث بنا و ساختمان در طرفین خطوط لوله

۱. ماده (۷۴) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۴- پس از تصویب صورت‌های مالی در مجمع عمومی و احراز سود قابل تقسیم، میزانی از آن که باید طبق قوانین مربوط به دولت پرداخت شود، تعیین و به خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد و مابقی به حساب اندوخته سرمایه‌ای منظور و با تصویب مجمع عمومی عادی به عنوان افزایش سرمایه دولت در شرکت منظور می‌شود.»

۲. ماده (۸۲) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۲- میزان و نحوه احتیاج شرکت به اراضی متعلق به دولت یا غیر برای اجرای موضوع شرکت و همچنین میزان اراضی و املاک مورد نیاز برای مسیر و حریم اختصاصی و ایمنی لوله‌های انتقال نفت و مشتقات و فرآورده‌ها و ایجاد شبکه زمینی و هوایی، مخابراتی و برق طبق آیین‌نامه‌ای است که با رعایت مفاد قانون منع احداث بنا و ساختمان در طرفین خطوط لوله انتقال گاز و الزامات رعایت حریم پدافند غیرعامل ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این اساسنامه به وسیله وزارت نفت و با پیشنهاد شرکت تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

انتقال گاز^(۱) در زمان طاغوت تصویب و مواردی از آن مشتمل بر عدم رعایت حقوق شرعی و قانونی اشخاص می‌باشد، بنابراین تصویب آیین‌نامه بر اساس آن خلاف موازین شرع شناخته شد.» کلاً این ماده را حذف کرده‌اند. [بند بعدی نظر شورای نگهبان این بود]: «۱۱- در ماده (۸۴)،^(۲) چون قانون تجارت در برخی موارد مشتمل بر امور خلاف شرع می‌باشد، معتبر دانستن احکام قانون مزبور ایراد دارد. همچنین در تبصره یک این ماده، چون مشخص نیست آیا عبارت قوانین و مقررات عمومی شامل سیاست‌های کلی نظام و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز می‌گردد یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام اظهار نظر خواهد شد.» در اصلاح این ماده گفته‌اند: «در صدر ماده (۸۴)، بعد از عبارت «قانون تجارت»، عبارت «با رعایت اصل چهارم (۴) قانون اساسی» اضافه می‌شود.» [تبصره (۱) را هم این‌طور اصلاح کرده‌اند]: «یک تبصره به عنوان تبصره (۲) به شرح زیر به ماده (۸۴) الحاق و شماره تبصره (۲) قبلی به (۳) تغییر می‌یابد:

تبصره ۲- شرکت ملزم به رعایت سیاست‌های کلی نظام و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام که ناظر به شرکت ملی نفت ایران است، می‌باشد.»

آقای علیزاده - این ماده را قبلاً خواندیم. قسمت دوم اصلاحیه‌ی این ماده را قبلاً خواندیم.

۱. قانون منع احداث بنا و ساختمان در طرفین خطوط لوله انتقال گاز مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۱ مجلس شورای ملی است.

۲. ماده (۸۴) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۴- در مواردی که احکامی در این اساسنامه در خصوص شرکت مقرر نشده باشد، قانون تجارت معتبر خواهد بود.

تبصره ۱- شرکت در غیر موارد زیر از شمول قوانین و مقررات عمومی مربوط به دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی مستثنی است.

الف) قوانین و مقرراتی که نام شرکت در آن ذکر شده و یا به آن تصریح گردیده یا مقرر شده است، آن قانون یا مقرر شامل دستگاه‌های اجرایی است که شمول قانون یا مقرر بر آنها مستلزم تصریح یا ذکر نام است.

ب) مواردی که در این اساسنامه تابع قوانین و مقررات مربوط قرار داده شده است.

تبصره ۲- ...»

آقای جنتی - این اصلاحیه، اشکال را ظاهراً حل نمی‌کند.

آقای علیزاده - چرا؟ شما ایراد خود را طبق اصل (۴) مطرح کردید. اینها هم آن اصل را قید کرده‌اند.

آقای جنتی - مرجع تشخیص خلاف شرع بودن در ماده (۸۴) چه کسی است؟

آقای علیزاده - مگر ایراد شما این بود که مرجع تشخیص مغایرت با شرع را در این ماده چه کسی قرار داده است؟ اینجا هم طبق اصل (۴) قانون اساسی گفته است شورای نگهبان باید خلاف شرع بودن را تشخیص دهد.

آقای سلیمی - اصل (۴) را گفته است؟

آقای علیزاده - بله دیگر.

آقای جنتی - شرکت نفت که آن موارد خلاف شرع را به شورای نگهبان نمی‌فرستد.

آقای اسماعیلی - چرا دیگر؛ این اصلاحیه قید رعایت اصل (۴) را دارد؛ یعنی گفته‌اند فقهای شورای نگهبان مرجع تشخیص خلاف شرع هستند.

آقای علیزاده - هر جا که شما فرمودید بر اساس اصل (۴) خلاف شرع است، به آن عمل نمی‌شود.

آقای جنتی - این کلاه سر قانون گذاشتن است.

آقای شبزنده‌دار - نظر مجمع مشورتی فقهی قم را لطف کنید بخوانید.

آقای علیزاده - در نظر مجمع مشورتی فقهی قم نوشته است: «اصلاح انجام‌شده رافع ایراد شورای محترم نگهبان نمی‌باشد. ((۵) رأی از (۹) رأی)

توضیح اینکه رعایت اصل چهارم قانون اساسی این نیست که فقهای محترم شورای نگهبان موارد خلاف شرع را ملاحظه نموده‌اند تا رعایت نمودن این اصل رافع اشکال بر موارد خلاف شرع باشد، بلکه مفاد اصل چهارم آن است که فقهای شورای محترم نگهبان لازم است موارد خلاف شرع را بررسی نمایند و مجرد تکلیف به بررسی، مستلزم بررسی و اظهار نظر نیست.

در مقابل، نظر بعضی از اعضا این بود که قانون‌گذار جهت بیان احکام اساسنامه چاره ندارد که در بعضی موارد ارجاع به قانون تجارت دهد و ایراد شرعی قانون تجارت را نیز با اصلاح انجام‌شده در صدد رفع آن درآمده است.

البته ممکن است گفته شود که اگر عبارت «پس از استعلام از فقهای محترم شورای

نگهبان» نیز اضافه گردد، ایراد رفع می‌شود و با این اضافه شدن چاره‌جویی می‌شود.^(۱) شما در مورد قانون تجارت اظهار نظر نمی‌کنید؟ چون شما در مورد آن قانون اظهار نظر نمی‌کنید، آنها قانون را اجرا نکنند؟!

آقای مؤمن - باید [در مورد شرعی بودن یا نبودن مواد قانون تجارت از شورای نگهبان] بپرسند. باید از شورای نگهبان استعلام کنند. اگر نپرسند که درست نیست.

آقای عزیزاده - الآن همه‌ی قوانین مملکت را که مصوب قبل از انقلاب است، دارند اجرا می‌کنند. مگر برای اجرای آنها از شورای نگهبان می‌پرسند؟! شورای نگهبان هر جایی را که دید خلاف شرع است، باید اعلام کند. قبلاً هم مصوبه‌ی دیگری در مورد بانک‌ها آمد که آن را همین‌طوری اصلاح کردند و گفتند تشخیص شرعی بودن یا نبودن آن بر عهده‌ی شورای نگهبان است. حالا این ماده بر اساس اصل (۴) اجرا می‌شود دیگر.

آقای مدرسی یزدی - در اول اصل (۴) هم آمده است که کلیه‌ی قوانین و مقررات باید مطابق اسلام باشد. تشخیص مغایرت با شرع هم به‌عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است.

آقای عزیزاده - بله، قوانین و مقررات باید مطابق اسلام باشد. تشخیص آن هم به‌عهده‌ی فقهای شورا است. قدیم که [به مصوباتی که به قوانین پیش از انقلاب ارجاع می‌دادند] ایراد می‌گرفتید، می‌گفتید مصوبه‌ی مجلس نگفته است که چه کسی مرجع تشخیص خلاف شرع بودن آن است. این اصلاحیه در این ماده گفته که مرجع تشخیص مغایرت با شرع کیست؛ گفته است مرجع تشخیص، شورای نگهبان است.

آقای مؤمن - این ماده باید بگوید شرعی یا غیر شرعی بودن آن قانون را باید از شورای نگهبان بپرسند.

آقای عزیزاده - طبق اصل (۴) آمده است دیگر. چرا بپرسند؟ مگر باید تمام قوانین مصوب پیش از انقلاب را بپرسند؟! خود شما به عنوان شورای نگهبان قبلاً در این زمینه نظر داده‌اید. آقایان اعضای شورای عالی قضایی از شما سؤال کردند که اگر

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی فقهی شورای نگهبان، شماره ۹۵/ف/۱۲۹ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۹، قابل مشاهده در نشانی زیر: yon.ir/8KSnV

قاضی بفهمد قوانین خلاف شرع است، به آن قانون عمل نکند. شما فرمودید آن قوانین سابق را اجرا بکنند، مگر آنجایی که شورای نگهبان بگوید که خلاف شرع است.^(۱)

آقای مؤمن - نه، این طوری که گفته نشده است. [اصل (۱۷۰)] قانون اساسی در مورد خود قاضی این طوری گفته است. اتفاقاً آنجا دارد می گوید که وقتی خود قاضی غیر شرعی بودن چیزی را فهمید، همان فهم برای او حجت است.

آقای علیزاده - آن اصل در مورد آیین نامه است. قانون را قاضی نمی تواند بگوید خلاف شرع است. آنچه که شما از اصل (۱۷۰) می گوید، مربوط به آیین نامه است. آن اصل می گوید که قضات نباید به تصویب نامه ها و آیین نامه های دولت که خلاف شرع است، عمل کنند.

آقای مؤمن - اگر خلاف شرع می بیند، نباید به آن عمل کند.

آقای علیزاده - آن عمل نکردن قاضی درباره ی تشخیص موردی است؛ اما به صورت کلی گفته است ابطال این تصویب نامه ها و آیین نامه ها با دیوان عدالت اداری است. همچنین آن اصل مربوط به قوانین نیست؛ بلکه مربوط به آیین نامه ها و تصویب نامه ها است. الآن این ماده هم دارد می گوید که قانون تجارت را اجرا کنند، ولی هر جایی که

۱. شورای عالی قضایی در نامه ی شماره ۱/۱۱۴۳/۱ مورخ ۱۳۶۰/۱/۲۵ به شورای نگهبان این گونه استفسار کرده است: «اجرای قوانین و تصویب نامه ها و آیین نامه های گذشته که بر خلاف موازین اسلامی است و صدور حکم بر طبق آنها در محاکم، به خصوص با توجه به اصل چهارم و اصل یکصد و هفتادم قانون اساسی به هیچ عنوان موجه نیست.

این نظر به شورای عالی قضایی پیشنهاد شده که با توجه به این دو اصل، همه قوانین و تصویب نامه ها و آیین نامه های خلاف اسلام منسوخ و محاکم موظفند طبق اصل یکصد و شصت و هفتم بر طبق موازین اسلام رأی دهند و این موازین به وسیله شورای عالی قضایی طبق فتوای امام استخراج و به دادرها و دادگاه های انقلاب و دادرها و دادگاه های دیگر ابلاغ گردد و به این ترتیب تا تصویب لوایح قانونی در مجلس شورای اسلامی، جلوی اجرای احکام خلاف اسلامی گرفته شود. خواهشمند است نظر آن شورا را کتباً اعلام فرمایید.»

شورای نگهبان در نظر شماره ۱۹۸۳ مورخ ۱۳۶۰/۲/۸ این گونه پاسخ می دهد: «مستفاد از اصل چهارم قانون اساسی این است که به طور اطلاق کلیه قوانین و مقررات در تمام زمینه ها باید مطابق موازین اسلامی باشد و تشخیص این امر به عهده فقهای شورای نگهبان است. بنابراین، قوانین و مقرراتی را که در مراجع قضایی اجرا می گردد و شورای عالی قضایی آنها را مخالف موازین اسلامی می داند، جهت بررسی و تشخیص مطابقت یا مخالفت با موازین اسلامی برای فقهای شورای نگهبان ارسال دارید.»

آقایان فقهای شورای نگهبان فرمودند خلاف شرع است، عمل نکنند. شما می‌گویید همه‌ی قانون تجارت را برای شما بفرستند؟!

آقای مؤمن - اینکه درست نیست؛ اینکه می‌گویید هر جا فقهای شورای نگهبان گفتند خلاف شرع است، مجریان عمل نمی‌کنند یا هر جا تشخیص آنها خلاف شرع باشد، عمل نمی‌کنند.

آقای عزیزاده - شما می‌گویید تشخیص خلاف شرع با مجری نیست.

آقای مؤمن - هنوز شورای نگهبان تشخیص نداده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره اشکال این مصوبه با این قید خلاف شرع نبودن رفع شده است دیگر. حالا اینکه در عمل چه کار می‌کنند، ما چه کار داریم. اشکال آن از لحاظ شرعی رفع شده است.

آقای عزیزاده - بله دیگر.

آقای مؤمن - اشکال برطرف نشده است. اگر شورای نگهبان در مورد آن مواد خلاف شرع اعلام نظر نکرده است، [مجریان نمی‌توانند آن را اجرا کنند].

آقای عزیزاده - شورای نگهبان باید به وظیفه‌اش عمل کند. شما دارید به آنها می‌گویید که بیایید از ما پرسید که این خلاف شرع است یا نیست!

آقای هاشمی شاهرودی - این ماده، کیفیت اجرای قوانین را گفته است. خود قانون که دیگر خلاف شرع نیست.

آقای عزیزاده - بله، این ماده در مورد اجرای آن قانون است. این قانون تجارت حالا واقعاً خلاف شرع نیست. قبلاً آمدند در [طرح الحاق یک تبصره به ماده (۳۹) قانون پولی و بانکی کشور] مصوب ۱۳۹۴/۴/۳۰ مجلس شورای اسلامی] گفتند که هر جا قانون تجارت خلاف شرع است، به آن عمل نکنند. شما [در نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۲۱۳۴ مورخ ۱۳۹۴/۵/۱۰ به مصوبه‌ی مجلس] ایراد گرفتید که دارید اختیار را به مجری می‌دهید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، آن مصوبه اشکال داشت.

آقای عزیزاده - به آن مصوبه اشکال گرفتید و به مجلس برگشت. الآن آن قانون گفته است که تشخیص خلاف شرع بودن یا نبودن آن به عهده‌ی فقهای شورای نگهبان است. این ماده هم عین همین را گفته است. به اصل (۴) استناد کرده است.

آقای مؤمن - خب، شورای نگهبان [در مرحله‌ی اول این مصوبه] به همین دلیل ایراد گرفت.

آقای عزیزاده - نه، این ایراد را نگرفت. نگفتید که تشخیص خلاف شرع بودن قانون تجارت با چه کسی باشد.

آقای مؤمن - خب، شورای نگهبان به این ماده ایراد گرفت دیگر. پس چرا ایراد گرفته بود؟

آقای عزیزاده - نه، شما به این موضوع ایراد نگرفتید.

آقای مؤمن - «۱۱- در ماده (۸۴)، چون قانون تجارت در برخی موارد مشتمل بر امور خلاف شرع می‌باشد، معتبر دانستن احکام قانون مزبور ایراد دارد. ...»

آقای عزیزاده - شورای نگهبان در ایراد خود نگفته است که تشخیص خلاف شرع بودن قانون تجارت با چه کسی است.

آقای مؤمن - ما به ماده (۸۴) ایراد گرفتیم دیگر. پس چرا ایراد گرفتیم؟

آقای عزیزاده - آن ایراد درست بود.

آقای هاشمی شاهرودی - شکل اول آن ماده درست بود. آن ماده، اول درست بود.

آقای مؤمن - پس چرا شورای نگهبان ایراد گرفت؟

آقای عزیزاده - نه، ماده (۸۴) سابق این را نگفته بود. آن ماده گفته بود کل قانون تجارت را [در موارد سکوت این اساسنامه] اجرا بکنند. اما اگر در آن ماده این‌طور می‌آمد که موادی از آن را که خلاف شرع نیست عمل بکنند، شما قبلاً ایراد می‌گرفتید. چون می‌گفتید تشخیص خلاف شرع بودن را به عهده‌ی مجریان می‌گذارد. ولی الآن این ماده آن را به اختیار مجریان نگذاشته است؛ گفته است که آقایان فقهای شورای نگهبان طبق اصل (۴) عمل بکنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، طبق اصل (۴) عمل بشود.

آقای مؤمن - کجا این را نوشته است؟

آقای عزیزاده - من آن قانون [= قانون الحاق یک تبصره به ماده (۳۹) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۹۴/۷/۷ مجلس شورای اسلامی] را می‌گویم. این مصوبه چه گفته است؟ در مرحله‌ی اول گفته بود به قانون تجارت عمل بکنند. شما در نظر قبلی خود فرمودید که بعضی از مواد قانون تجارت خلاف شرع است؛ پس این ایراد را

درست کنید. در این مرحله آمده‌اند گفته‌اند در مواردی که خلاف شرع است، طبق اصل (۴) عمل بشود.

آقای مؤمن - خب، آن ایراد را اصلاح نکرده‌اند. چطور اصلاح شده است؟

آقای علیزاده - اصلاح کرده‌اند دیگر؛ همان‌طوری که مجری نمی‌تواند بگوید یک موردی خلاف شرع است، نمی‌تواند بگوید که چه مواردی را از شورای نگهبان استعلام بکنم. برای اینکه مجری مرجع این کار نیست. چه بگوید؟ چه می‌داند کجای آن قانون خلاف شرع است تا از شما استعلام بکند! پس معلوم است که باید کل قانون تجارت را برای شما بفرستد.

آقای شبزنده‌دار - نه، لازم نیست مجری بداند که خلاف شرع است.

آقای سلیمی - در آن مورد باید از فقهای شورا استعلام بکند.

آقای جنتی - یک شورای نگهبان هم باید در شرکت ملی نفت درست کنند!

آقای هاشمی شاهرودی - نه، در این اصلاحیه نوشته است که قانون تجارت با رعایت اصل (۴) اجرا می‌شود. یعنی هر جایش [ایراد دارد، شورای نگهبان تشخیص می‌دهد].

آقای علیزاده - چه کسی احتمال خلاف شرع بودن را می‌دهد که از شورای نگهبان سؤال بکند؟

آقای جنتی - مجری قانون از کجا بفهمد که باید در چه مواردی بر اساس اصل (۴) به فقهای شورای نگهبان مراجعه کند؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، هر جا که شورای نگهبان وارد شود، باید از آن تبعیت کند.

آقای جنتی - مجری، این مسائل را نمی‌داند و نمی‌فهمد.

آقای علیزاده - هر جا شورای نگهبان وارد شود، مجری باید تابع باشد. اگر وارد نشد، کل قانون مملکت باید ارسال بشود؟!

آقای هاشمی شاهرودی - بله، هر جا که شورای نگهبان وارد شد، مجری باید تبعیت کند.

آقای جنتی - آنها نمی‌دانند باید در چه مواردی به فقهای شورای نگهبان مراجعه کنند.

آقای یزدی - مجریان که نمی‌دانند بالاخره موارد خلاف شرع چیست. این اشکال که

شما مدام در نظرات شورا می‌گویید قانون تجارت موارد خلاف شرع دارد،^(۱) چیست؟!
خب اگر خلاف شرع دارد، موارد خلاف شرع آن را اصلاح کنید. فردی که مجری
قانون است، چه کار می‌تواند بکند؟!!

آقای علیزاده - بله، موارد خلاف شرع را مشخص کنید دیگر. آن بیچاره‌ها آنجا چه
کار بکنند؟!!

آقای یزدی - مجری ناچار است که به این قانون عمل کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، چاره‌ای غیر از این ندارد. با این اصلاحیه، این ماده از
خلاف شرع بودن بیرون می‌آید.

آقای شبزنده‌دار - می‌دانم؛ حالا اگر ما به وظیفه‌ی خود عمل نکردیم، آیا می‌توانیم
بگوییم شما [به آن قانون خلاف شرع عمل کن]؟!!

آقای علیزاده - آن مجری بیچاره می‌گوید من هر چه قانون در این مملکت هست،
اعمال می‌کنم. می‌گوید حضرات آقایان فقها در شورای نگهبان تشریف دارند و بر
قوانین ناظرند، ناظر امور شرعیند. من در هر جا که گفتند خلاف شرع است، عمل
نمی‌کنم.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای مؤمن - باید خلاف شرع را استعلام کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - نمی‌توانند استعلام کنند. از چه کسی استعلام کنند؟

آقای علیزاده - حالا ما هم کاری نداریم. هر چه نظر شما [فقها] است، همان است.

۱. شورای نگهبان تا کنون در موارد متعدد، ارجاع به قانون تجارت را به دلیل مغایرت برخی از مواد آن
با موازین شرعی، مغایر شرع تشخیص داده است. به عنوان نمونه، در بند (۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۳۱۰۳ مورخ
مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۲۴ شورای نگهبان در خصوص لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب
۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۷- نظر به اینکه در ماده (۱۵)* و تبصره آن به قانون
تجارت ارجاع داده شده است و از آنجا که بعضی از مواد قانون مزبور بر خلاف موازین شرع می‌باشد،
مواد مورد استناد مشخص تا اظهار نظر گردد.»

* ماده (۱۵) لایحه نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۲/۱۰/۳۰ مجلس شورای اسلامی:
«ماده ۱۵- دادخواست اعسار از تجار و اشخاص حقوقی پذیرفته نمی‌شود. این اشخاص در صورتی که
مدعی اعسار باشند، باید مطابق مقررات قانون تجارت، رسیدگی به امر ورشکستگی خود را درخواست
کنند.»

حضرات آقایانی که با این اصلاح به عمل آمده، ایراد جدید دارند یا ایراد را به قوت خودشان باقی می‌دانند، رأی بدهند.

آقای جنتی - من رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - این رأی نیارود. سراغ مورد بعدی برویم. تبصره (۲) ماده (۸۴) را که قبلاً خواندیم و تمام شد.

منشی جلسه - «۱۲- در ماده (۸۵)،^(۱) با توجه به نظریات سابق این شورا^(۲) از تاریخ تصویب لایحه قانونی تأسیس وزارت نفت مصوب ۱۳۵۸/۷/۸، اساسنامه شرکت‌های مذکور در آن از جمله قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران منسوخ شده، نسخ مجدد آن از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون اشکال دارد.» در اصلاحیه ی این ماده گفته‌اند: «در ماده (۸۵)، عبارت «از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این اساسنامه، قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶/۳/۱۷ نسخ می‌شود» حذف می‌گردد.»

آقای مؤمن - تعبیر «نسخ می‌شود» از آن حذف شد؛ گفته است این عبارت حذف می‌گردد.

آقای علیزاده - بله، ظاهراً این ایراد برطرف شده است ان‌شاءالله. بررسی این اساسنامه هم تمام شد.^(۳)

۱. ماده (۸۵) طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۹۴/۹/۱۵ کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸۵- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این اساسنامه، قانون اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب ۱۳۵۶/۳/۱۷ نسخ می‌شود. آیین‌نامه‌های اجرایی پیش‌بینی شده در این اساسنامه حداکثر ظرف مدت شش ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن آن، تدوین و به تصویب مراجع پیش‌بینی شده در این قانون می‌رسند.»

۲. به عنوان نمونه می‌توان به بند (۱) نظر شماره ۹۱/۳۰/۴۶۷۶۳ مورخ ۱۳۹۱/۲/۲۸ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۲۸ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد: «۱- لایحه دارای همان ابهام معموله در خصوص نبود اساسنامه شرکت ملی نفت ایران و شرکت ملی گاز ایران از جمله در بند (الف) جزء ۱-۱ و بندهای (پ) و (س) است.»

۳. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۵ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۴۵۰/۵۶۱۱ مورخ ۱۳۹۵/۲/۴ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۰/۴۵۵ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۵، طرح اساسنامه شرکت ملی نفت ایران که با اصلاحاتی در جلسه مورخ بیست و سوم فروردین ماه یک هزار و سیصد و نود و پنج، مطابق فراز دوم اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی به تصویب کمیسیون انرژی مجلس شورای اسلامی رسیده

لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)

منشی جلسه - «لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور (اعاده شده از شورای نگهبان)»^(۱)

[بند (۱) نظر شماره ۹۵/۱۰۰/۴۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۲ شورای نگهبان]: «۱- در تبصره (۱)،

۱-۱- در بند (ب)^(۲)

→

است، در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.

تذکر:

- در ماده (۱)، با اصلاح به عمل آمده، عبارت «و مطابق» زائد است و باید حذف گردد.»

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور پس از تصویب در هیئت وزیران و ارسال آن به مجلس شورای اسلامی، نهایتاً در تاریخ ۱۳۹۵/۱/۳۱ به تصویب نمایندگان رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۶۴۶/۵۷۵۸ مورخ ۱۳۹۵/۲/۵ به شورای نگهبان ارسال شد. این مصوبه، در مجموع، سه مرحله بین شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی رفت و برگشت داشته است. شورای نگهبان این مصوبه را در مرحله‌ی اول رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۸ (صبح و عصر) و در مرحله‌ی دوم در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ بررسی کرد و نظر خود مبنی بر مغایرت برخی از مواد این مصوبه با موازین شرع و قانون اساسی را به ترتیب طی نامه‌های شماره ۹۵/۱۰۰/۴۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۲ و ۹۵/۱۰۲/۵۲۶ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ به مجلس شورای اسلامی اعلام کرد. در نهایت، با اصلاحات مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۷ مجلس، این مصوبه در مرحله‌ی سوم رسیدگی، در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۵/۱۰۲/۵۹۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۹ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

۲. بند (ب) تبصره (۱) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۱- ...

ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات گاز طبیعی پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبلغ واریزی موضوع فراز دوم بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق

←

۱-۱-۱- بر اساس بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی،^(۱) باید سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت، سالانه افزایش یابد. از آنجا که مشخص نیست عدم افزایش سهم صندوق نسبت به سال گذشته با مجوز بوده یا خیر ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای علیزاده - گفته بودیم مجوز [شما برای عدم افزایش سهم صندوق توسعه ملی] کجاست؟ الآن نوشته‌اند: «بند (ب) تبصره (۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود و با توجه به اخذ مجوز لازم، ایراد شورای نگهبان در مورد این بند مرتفع شده است.

ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰٪) منابع حاصل از ارزش صادرات نفت و گاز طبیعی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبالغ مذکور به صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - مجوز را کجا آورده‌اند؟

آقای علیزاده - ابتدای متن اصلاحی بند (ب) نوشته‌اند دیگر.

منشی جلسه - نوشته‌اند: «بند (ب) تبصره (۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود و با توجه به اخذ مجوز لازم، ایراد شورای نگهبان در مورد این بند مرتفع شده است.»

آقای علیزاده - این مجوز را چه کسی گرفته است؟

آقای رهپیک - اخذ مجوز چیست؟

آقای علیزاده - مثل اینکه شما جلسه‌ی کمیسیون مجلس را تشریف برده‌اید. توضیح بفرمایید.

آقای سوادکوهی - بله، من در جلسه‌ی کمیسیون شرکت کردم. این تذکر هم به

→

موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.»

۱. بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابلاغی ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ مقام معظم رهبری: «۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.»

نمایندگان داده شد. آقایان گفتند که آقای دکتر لاریجانی [رئیس مجلس شورای اسلامی] این مجوز را گرفته‌اند.

آقای علیزاده - یعنی با «آقا» [= مقام معظم رهبری] صحبت فرموده‌اند؟
آقای اسماعیلی - بله.

آقای سوادکوهی - بله، بعد هم گفتند که نهایتاً ما می‌گوییم خود آقای دکتر لاریجانی مسئله را ضمن همین نامه‌ای که می‌خواهد به شورا داده بشود، تبیین کنند.
آقای رهپیک - این کار را نکرده‌اند.

آقای سوادکوهی - الان من با آقای دکتر نادران که رئیس کمیسیون برنامه، بودجه و محاسبات است، صحبت کردم. گفتم این مجوز در این نامه ذکر نشده است. آقای دکتر نادران که از جانبازان و از عزیزان بسیار مؤثر در مجلس در امر اقتصادی است، تعجب کرد. گفت بنا بود آقای دکتر لاریجانی این مجوز را بنویسد.

آقای علیزاده - متها به نظر من عجله کرده‌اند. الان بگویید یک زنگ بزنند و بگویند که این مجوز چگونه است.

آقای سوادکوهی - الان آقای دکتر نادران گفتند من با آقای دکتر لاریجانی تماس می‌گیرم که این مجوز را به شورای نگهبان اعلام کنند؛ یعنی همین مسئله را که از مقام معظم رهبری مجوز داشته‌اند، به شورا اعلام کنند. می‌خواهید منتظر باشیم؟ شاید تا آخر جلسه این گواهی از طریقی به ما برسد. آقای دکتر نادران تعجب کرد؛ گفت بنا بود این کار انجام شود. حالا گفت من با رئیس مجلس تماس می‌گیرم که این انجام شود.

آقای علیزاده - نه، الان بگویید یک زنگ به مجلس بزنند. اگر اجازه گرفته‌اند، خوب بنویسند.

آقای اسماعیلی - این اجازه شفاهی است یا کتبی است؟

آقای سوادکوهی - نه، اجازه گرفته‌اند. اجازه هست.

آقای سلیمی - اجازه گرفته‌اند دیگر؛ این اجازه را در این بند نوشته‌اند؛ مگر این را در این اصلاحیه نوشته‌اند؟

آقای علیزاده - بله، بالای جدول این اجازه را نوشته‌اند.

آقای ابراهیمیان - نه، کجا آن را نوشته‌اند؟

آقای سوادکوهی - حالا آن اجازه که قطعاً هست، ولی تأییدیه‌ای باید به همراه این نامه می‌نوشتند.

آقای رهپیک - خب، اصلاً باید چه چیزی را بنویسند؟ از چیزهای عجیب این اصلاحیه این است که در آن توضیح نوشته‌اند. ذیل یکی دو تا اصلاحیه‌ی تبصره‌ها نوشته‌اند که چون ردیف ندارد، بنابراین نمی‌شود برای آن سقفی در نظر گرفت.

آقای عزیزاده - به آن موارد که رسیدیم، در مورد آن حرف می‌زنیم که ببینیم چه شده است. حالا ابهام ما با توجه به این نوشته‌ای که در بالا [مبنی بر اخذ مجوز لازم] آورده‌اند، رفع نمی‌شود؟

آقای رهپیک - آخر آن مجوز، چه مجوزی است؟

آقای سوادکوهی - نه، مجوز را می‌فرستند. گفتند برای شورای نگهبان می‌فرستیم.

آقای سلیمی - آن روز [= جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۸ شورای نگهبان] هم مطرح بود که مجلس آن اجازه را دارد؛ یعنی آن روز هم این مطرح بود که مجلس اجازه داشته است که این کار را بکند.

آقای رهپیک - خب، اگر مجلس مجوز را فرستاد، ابهامی نیست.

آقای سوادکوهی - گفتند تا ظهر می‌فرستیم.

آقای مدرسی یزدی - باید آن اجازه، مفاد و مقدار آن مشخص باشد تا ما آن را تطبیق بکنیم. این‌طوری به صورت کلی مسئله حل نمی‌شود. باید مشخص شود که تا چه مقدار به آنها اجازه داده‌اند؟

آقای سلیمی - اگر شفاهی هم از طرف «آقا» [= مقام معظم رهبری] گفتند، قبول است.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، متن فرمایش «آقا» را باید بنویسند و به ما بدهند.

آقای رهپیک - ما قبلاً هم در این باره نمونه داشته‌ایم.

آقای جنتی - کجا؟

آقای رهپیک - در آن لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست این‌طور بود که در آن نامه‌ی اصلی مربوط به مصوبه نوشتند [این امور با اذن مقام

معظم رهبری است؛^(۱) ولی ما اشکال قبلیمان^(۲) را همچنان وارد دانستیم.^(۳)

آقای علیزاده - حالا می‌گوییم این اذن از مقام معظم رهبری را بنویسند. اگر نوشتند، چشم، اشکال می‌گیریم. این ایراد بماند تا بعد در مورد این نظر می‌دهیم. سراغ ماده‌ی بعد برویم. الآن ما این را به مجلس جواب نمی‌دهیم. الآن می‌گوییم یک زنگ به دفتر آقای رئیس مجلس بزنید. در مورد بند (ب) تبصره (۱) لایحه‌ی بودجه که می‌گویند جناب آقای دکتر لاریجانی به محضر «آقا» این را عرض کرده‌اند و «آقا» فرموده‌اند که اجازه می‌دهند و مجوزش را داده‌اند، بگویید که آقای لاریجانی مجوز آن را در نامه‌ای بنویسد که آن مجوز چگونه بوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - مجوزی که در مورد عدم افزایش سهم واریزی به صندوق صندوق توسعه ملی است.

آقای علیزاده - بله، مجوز مربوط به بند (ب) تبصره (۱) ماده واحده، درباره‌ی سهم صندوق توسعه ملی است.

آقای جنتی - چرا به رئیس مجلس پیام می‌دهید؟ خب، مثل همیشه در نظرتان این ایراد را بنویسید.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، ایشان [= آقای لاریجانی] می‌نویسند دیگر. می‌خواهد الآن بنویسد.

۱. اصلاح ماده (۱) لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده (۱) به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۱- سرپرستی کودکان و نوجوانان فاقد سرپرست به منظور تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان با اذن مقام معظم رهبری و مطابق مقررات این قانون صورت می‌گیرد.»

۲. نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۶۳۷۴ مورخ ۱۳۸۸/۸/۱۱ شورای نگهبان: «علاوه بر اینکه این مصوبه در موارد متعدد دارای اشکال شرعی و قانون اساسی می‌باشد، با توجه به اینکه امر سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و یا بدسرپرست شرعاً به عهده ولیّ امر است و همچنین برای سرپرست آنان از نظر شرعی خصوصیاتى در نظر گرفته شده که در بسیاری از موارد در این لایحه رعایت نگردیده است، لازم است مجلس محترم شورای اسلامی مشخص کند که اقدام مجلس در تعیین نهاد و افرادی که این مسئولیت را به عهده آنان گذارده است، با اذن مقام معظم ولیّ امر مد ظله‌العالی بوده است یا نه. پس از تعیین این جهت اظهار نظر خواهد شد.»

۳. نظر شماره ۸۸/۳۰/۳۷۷۵۷ مورخ ۱۳۸۸/۱۲/۲۶ شورای نگهبان: «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال این شورا کماکان به قوت خود باقی است.»

آقای عزیزاده - نه، نامه بنویسند این را بگویند. به او بگویید که الآن نامه را بنویسد.
آقای سوادکوهی - آقای دکتر نادران گفت من صحبت می‌کنم که بفرستند. حالا شما تأکیداً بگویید که نامه را بفرستند.

آقای عزیزاده - رئیس مجلس این مجوز را بنویسد و بفرستد. چرا دوباره مصوبه را رد کنیم و به مجلس بفرستیم؟

آقای مدرسی یزدی - اگر گفتند آن اجازه شفاهی بوده است، بگویید باید متن اجازه را هم بدهند.

آقای عزیزاده - بله، باید مشخص شود که عبارت «آقا» دقیقاً چه بوده است و چه فرموده‌اند؟

آقای هاشمی شاهرودی - باید بنویسند و بفرستند.

آقای عزیزاده - باید آن اجازه را به ما بدهند و آن را کتبی بنویسند. یک جای دیگری رئیس مجلس فرمودند که من خدمت «آقا» بودم؛ «آقا» فرمودند که آقای روحانی، رئیس جمهور، آمدند و به من این‌طوری گفتند؛ نظر شما چیست؟ ایشان گفت که من به «آقا» گفتم بالاخره به نظر من هم الآن با توجه به وضعیتی که هست، این مسئله به مصلحت است. «آقا» فرمودند پس اینها را در قانون بودجه رعایت کنید. من به رئیس مجلس گفتم عین همین عبارت را برای من بنویسید. یک مورد دیگر هم در مورد آب تحت فشار بود، نمی‌دانم چه بود؛ «آقا» در آن مورد به رئیس مجلس اجازه فرمودند. من به رئیس مجلس گفتم شما هر دوی اینها را همان طوری که هست، بنویسید و به آقایان بدهید. ایشان هم گفت: چشم. الآن هم یک نامه‌ای به تاریخ امروز، به شورای نگهبان نوشته‌اند: «شورای محترم نگهبان

با سلام و عرض تبریک میلاد مسعود حضرت ابوالفضل (ع) به استحضار می‌رساند:

در ملاقاتی که حقیر با رهبر معظم انقلاب اسلامی داشتم، درباره بررسی بودجه گزارش تقدیم شد. ایشان با توجه به تنگناهای بودجه سال ۹۵ و درخواست آقای رئیس جمهور فرمودند درباره سهم صندوق موضوع بند (ب) تبصره (۱) که بیست درصد در نظر گرفته شده، اذن می‌دهم و بر همین اساس در کمیسیون تلفیق و مجلس مصوب گردید.»

آقای هاشمی شاهرودی - بسیار خوب.

آقای سوادکوهی - بسیار خوب.

آقای علیزاده - مجلس گفته است اصل آن را هم می‌فرستیم. الآن این نامه را فاکس کرده است؛ گفته است اصل نامه را هم می‌فرستیم.

آقای مؤمن - پس بند (ب) تبصره (۱) اشکال ندارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی یزدی - با این اجازه، فقط بیست درصد (۲۰٪) مربوط به واریز به صندوق توسعه ملی را حل کرده‌اند. غیر از این، چیز دیگری را اسم نبرده است؟

آقای علیزاده - نه، ایراد ما هم، همین بوده است. فعلاً همین است. جلوتر برویم.

منشی جلسه - بند بعدی ایراد شورای نگهبان این بود: «۱-۱-۲- به موجب بند (۱)-۲۲ سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه^(۱)، واریز سالانه حداقل (۲۰٪) درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی به صورت مطلق ذکر گردیده است. از آنجا که مشخص نیست آیا در این بند^(۲)

۱. بند (۱)-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۷/۱۰/۲۱ مقام معظم رهبری: «الف- رشد مناسب اقتصادی با تأکید بر: ... ۲۱-»

۲۲- تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، از منبع تأمین بودجه عمومی به «منابع و سرمایه‌های زاینده اقتصادی» و ایجاد صندوق توسعه ملی با تصویب اساسنامه آن در مجلس شورای اسلامی در سال اول برنامه پنجم و برنامه‌ریزی برای استفاده از مزیت نسبی نفت و گاز در زنجیره صنعتی و خدماتی و پایین‌دستی وابسته بدان با رعایت:

۱-۲۲- واریز سالانه حداقل (۲۰) درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی.»

۲. بند (ب) تبصره (۱) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۱- ...»

ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات گاز طبیعی پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبلغ واریزی موضوع فراز دوم بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.»

کسر ارزش واردات گاز از ارزش صادرات آن، شامل مواردی غیر از معاوضه صادرات و واردات (سوآپ) نیز می‌گردد یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای رهپیک - واردات را در این اصلاحیه حذف کرده‌اند.

آقای عزیزاده - آن مطالب را حذف کرده‌اند. عبارت را هم این‌طوری کرده‌اند: «ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰٪) منابع حاصل از ارزش صادرات نفت و گاز طبیعی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبالغ مذکور به صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.»

آقای مدرسی یزدی - باز، این بند ابهام دارد. خلاصه این صادرات چقدر است؟ حتی شامل صادراتی که در ازای سوآپ است، می‌شود یا نه؟

آقای عزیزاده - حالا که دیگر ابهام ندارد.

آقای اسماعیلی - الآن این بند شامل همه‌ی انواع صادرات می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - ایراد حل شده است دیگر.

آقای رهپیک - این بند، شامل همه‌ی انواع صادرات می‌شود دیگر.

آقای اسماعیلی - بله، این شامل همه‌ی انواع صادرات می‌شود.

آقای عزیزاده - مطلق صادرات را در این بند آورده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - این بند، مطلق گفته است؛ ولی آنچه در مقابل واردات است که اصلاً صادرات نیست.

آقای اسماعیلی - نه دیگر، الآن موضوع این بند، همه‌ی انواع صادرات است.

آقای رهپیک - بله، این اصلاحیه خوب است. الآن عبارت این بند، عین عبارت سیاست‌های کلی شد.

آقای عزیزاده - بله، عین عبارت سیاست کلی را آورده‌اند دیگر. اشکال ندارد.

آقای مدرسی یزدی - به نظرم هنوز مشکل دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - ما در نظرمان گفتیم که فرآورده‌های نفتی را هم باید در این

بند بیاورند.

آقای رهپیک - این ایراد، بند بعدی نظر شورا است، اشکال بعدی است.

منشی جلسه - این مربوط به بند بعدی است.

آقای سوادکوهی - آن ایراد، برای بند بعدی است؛ مربوط به این ایراد نیست.

آقای مؤمن - این اصلاح خوب است. درست است.

منشی جلسه - بند بعدی نظر شورای نگهبان این است: «۱-۱-۳- از آنجا که بند (۱)-

(۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، واریز سالانه حداقل (۲۰٪) درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی به صندوق توسعه ملی را مقرر نموده است، حذف واریز منابع حاصل از «صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی» واجد اشکال بوده و مغایر بند یک اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.» در اصلاحیه گفته‌اند: «ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰٪) منابع حاصل از ارزش صادرات نفت و گاز طبیعی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبالغ مذکور به صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.» ظاهراً فرآورده‌های نفتی در این اصلاحیه ذکر نشده است.

آقای رهپیک - دوباره فرآورده‌ها را در اصلاحیه نوشته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - حتماً می‌گویند برای این مورد هم مجوز گرفته‌ایم.

آقای رهپیک - نه، برای این مورد که دیگر مجوز نمی‌دهند.

آقای علیزاده - نه، مگر این ایراد را در بند (ه) تبصره نگرفتید؟ شما به کجا ایراد گرفتید؟

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال کماکان باقی است.

آقای رهپیک - در مصوبه‌ی قبلی فقط درآمد حاصل از صادرات گاز طبیعی را گفته بودند. قرار شد چون در بند (۲۲-۱) سیاست‌های کلی برنامه پنجم، نفت و گاز و فرآورده‌های نفتی هم بوده است، این موارد را هم به اینجا اضافه کنند. الآن فقط نفت را اضافه کرده‌اند؛ ولی فرآورده‌ها را اضافه نکرده‌اند.

آقای سوادکوهی - این موضوع را در کمیسیون مجلس سؤال کردیم، گفتند که در بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی،^(۱) فقط همین موارد را ذکر کرده است.

آقای علیزاده - آنجا «گاز» را هم گفته است؟

آقای سوادکوهی - ظاهراً در سیاست‌های کلی، فرآورده‌های نفتی را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - خب، نگفته باشد.

آقای هاشمی شاهرودی - بسیار خب؛ در سیاست‌های کلی برنامه پنجم که بوده است.

آقای سوادکوهی - نه، در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که اخیر بوده، نیامده است.

آقای هاشمی شاهرودی - باشد؛ در سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم که بوده است.

آقای سوادکوهی - خب باشد؛ ولی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اخیر است.

می‌گویند با توجه به اینکه در سیاست‌های اخیر، فقط این‌طور آمده [است، ما هم این‌طوری اصلاح کرده‌ایم].

آقای مدرسی یزدی - سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی که ناسخ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم نیست. به اصطلاح، این دو سیاست، مُثَبِّتین هستند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این سیاست‌ها که سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم را فید زده است.

آقای سوادکوهی - خب، به هر حال ذکر نشده است دیگر. مجلس می‌گوید با توجه به سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، این متن درست است.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای سوادکوهی - حالا اگر شما می‌خواهید با توجه به سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم ایراد بگیرید، حرف دیگری است؛ ولی به هر صورت دفاع مجلس این است که سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مؤخر بر سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم است.

آقای هاشمی شاهرودی - سیاست‌های کلی برنامه پنجم که با سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نسخ نشده است.

آقای سوادکوهی - خب، الآن با این حرف شما، تکلیف سیاست‌های کلی اقتصاد

۱. بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی ۱۳۹۲/۱۱/۲۹ مقام معظم رهبری: «۱۸. افزایش سالانه سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.»

مقاومتی چیست؟

آقای هاشمی شاهرودی - سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی این مقدار را گفته است؛ سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم هم موارد دیگری را اضافه کرده است. مجلس باید هر دو را بیاورد.

آقای سوادکوهی - خب، آن سیاست‌ها «قبلاً» این موارد را گفته بود.

آقای علیزاده - قبلاً آن موارد را گفته بودند؛ بعداً در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده‌اند فقط دو مورد را گفته‌اند.

آقای سوادکوهی - خب، آخر این ابلاغیه، جدید است.

آقای هاشمی شاهرودی - ولی ابلاغیه‌ی قبلی را که نسخ نکرده است.

آقای سوادکوهی - نه، نسخ نکرده است؛ ولی به هر صورت...

آقای ابراهیمیان - ...تعارض دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - تعارض که ندارد؛ چون آن سیاست‌های قبلی را نفی نکرده است. مفهوم مخالف هم ندارد.

آقای سوادکوهی - خب، پس چرا در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی موارد دیگر را نگفته است؟

آقای هاشمی شاهرودی - به خاطر اینکه به همان متن قبلی اکتفا کرده است. مثل خیلی از چیزهای دیگر که نگفته است. همه چیز که در این سیاست‌ها منحصر نشده است.

آقای سوادکوهی - به هر صورت، بند (۱۸) [سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، «فرآورده‌ها» را ندارد].

آقای رهپیک - اصلاً سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی در مقام بیان این موضوع نبوده است.

آقای سوادکوهی - پس لااقل ما باید این مسئله را حل کنیم. الان ما باید این را بگوییم که حتی این هم که در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ذکر شده است، تأمین‌کننده‌ی نظر ما نیست. ما باید بگوییم این را هم اصلاح کنند.

آقای رهپیک - نه.

آقای علیزاده - نه، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی چه گفته است؟

آقای سوادکوهی - حالا می‌خواهید بند (۱۸) آن را بخوانیم.

آقای علیزاده - سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هم، سیاست کلی است. در اولی، نفت و فرآورده‌های نفت و گاز را ذکر کرده است؛ ولی در دومی فقط نفت و گاز را ذکر کرده است.

آقای سوادکوهی - بله دیگر، درست است.

آقای علیزاده - شما می‌گویید این دومی مفاد اولی را از بین نمی‌برد؟

آقای رهپیک - نه.

آقای علیزاده - به نظر من از بین می‌برد.

آقای سوادکوهی - به هر صورت، این اصلاحیه، مخالف سیاست‌ها نیست.

آقای رهپیک - ظاهراً در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی میزان سهم را تعیین نکرده است.

آقای علیزاده - وقتی اصلاً همه‌ی موارد را ندارد، میزان سهم آنها را هم ندارد.

آقای رهپیک - نه، سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی را بیاورید.

آقای سوادکوهی - بند (۱۸) آن را ببینید: «۱۸- افزایش سالانه سهم صندوق توسعه از منابع حاصل از صادرات نفت و گاز تا قطع وابستگی بودجه به نفت.» بند (۱۸)، فرآورده‌های نفتی را نگفته است.

آقای مدرسی یزدی - خب، این بند اعم است.

آقای سوادکوهی - نه، اعم که نیست. اگر این‌طور باشد که شما می‌گویید، این هم، همین‌طور صدق می‌کند.

آقای اسماعیلی - نه، این عبارت، عبارت سیاست‌های کلی برنامه پنجم را نفی نمی‌کند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این متن دوم، آن متن اول را نفی نمی‌کند.

آقای سوادکوهی - نه، نفی نمی‌کند؛ ولی اگر این متن هم ملاک باشد، [اصلاحیه‌ی مجلس درست است].

آقای هاشمی شاهرودی - این متن در واقع اشاره به همان متن سیاست‌های کلی برنامه‌ی پنجم دارد.

آقای علیزاده - ببینید جناب آقای دکتر، اگر اینجا می‌گفت سهم صندوق توسعه ملی از منابع حاصل از صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی و گاز فلان مقدار است، باز ما می‌گفتیم این یک حرفی است؛ اما الآن این متن که نیامده است متن سیاست‌های کلی را نفی نکند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای رهپیک - در بند (۱۸) به طور کلی گفته است سهم نفت و گاز افزایش پیدا کند؛ یعنی همان چیزی که ما قبلاً می‌گفتیم که مجلس باید سالانه میزان واریزی به صندوق را افزایش بدهد.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - احسنت؛ طبق همان چیزی که در قانون برنامه‌ی پنجم هم آمده است.

آقای سوادکوهی - آخر این دو متن به هم نمی‌خورد.

آقای علیزاده - حالا اگر در بند (۱۸) یکی از فرآورده‌ها را می‌گفت، باز آدم یک شکمی می‌کرد؛ ولی هیچ کدام از فرآورده‌ها را نگفته است.

آقای سوادکوهی - پس در مورد این مصوبه‌ی بودجه هم، همین کار را بکنید؛ یعنی بگویید چون صادرات نفت و گاز طبیعی را گفته‌اید، شامل فرآورده‌های آنها هم می‌شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه، این دو تا متن با هم فرق می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - در بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، قید «طبیعی» را ندارد؛ ولی در این متن اصلاحی قانون بودجه، قید «طبیعی» را دارد.

آقای سوادکوهی - خوب باشد.

آقای مدرسی یزدی - قید «طبیعی»، «فرآورده‌ها» را نفی می‌کند؛ در حالی که «فرآورده‌ها» جزء «منابع حاصل از صادرات نفت و گاز» است.

آقای علیزاده - بله، «منابع حاصل از صادرات نفت و گاز» اعم از منابع طبیعی و فرآورده‌هاست.

آقای رهپیک - بله.

آقای مدرسی یزدی - بند (۱۸) دارد به صورت کلی می‌گوید.

آقای سوادکوهی - خوب، اگر این طوری عام باشد، پس باید بگوییم قید «طبیعی» را در متن اصلاحی حذف کنند.

آقای مدرسی یزدی - ولی باز هم درست نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره قانون باید شفاف باشد.

آقای سوادکوهی - خب، الان شفاف است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، بگوئید همان متن سیاست‌ها را اینجا بیاورند؛ چون در سیاست‌ها این‌طور آمده است.

آقای سوادکوهی - بله، در سیاست‌ها این‌طور آمده است.

آقای عزیزاده - بفرمایید علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق شورا....

منشی جلسه - ...اشکال سابق در خصوص فرآورده‌های نفتی؟

آقای عزیزاده - اشکال سابق در خصوص فرآورده‌های نفت و گاز، به قوت خود باقی است.

منشی جلسه - نه، «گاز» را در متن اصلاحی اضافه کرده‌اند.

آقای رهپیک - نه، «گاز» از اول بوده است.

آقای عزیزاده - اشکال مورد بحث، بند (۱-۱-۳) شورا است.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال مربوط به گاز، مربوط به بند (۱-۱-۲) نظر شورای نگهبان است. اشکال مربوط به فرآورده‌های نفتی، مربوط به بند (۱-۱-۳) است.

آقای رهپیک - ما باید همان اشکال مربوط به «فرآورده‌های نفتی» را اینجا بنویسیم.

آقای عزیزاده - بنویسید فرآورده‌های نفتی هم باید ذکر شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بند (۱-۱-۳) فقط مربوط به فرآورده‌های نفتی بود.

آقای مؤمن - باید با آن چه کار بکنند؟

آقای سلیمی - فرآورده‌های نفتی را باید به این بند اضافه کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اضافه کنند.

آقای رهپیک - بله، اضافه کنند.

آقای سوادکوهی - این را هم تفسیر بکنید و بگوئید استناد به متن مذکور در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی هم، رافع این ایراد نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، مثل سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه است.

آقای عزیزاده - این را هم بفرمایید که بند (۱۸) سیاست‌های مربوط به اقتصاد مقاومتی نسخ سیاست‌های کلی برنامه پنجم در مورد نفت و گاز و فرآورده‌های آنها نیست.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اینها با هم منافات ندارد و این سیاست‌ها متن قبلی را

نفی نمی‌کند.

منشی جلسه - فقط آنجا بیست درصد (۲۰٪) را گفته است؛ ولی اینجا نگفته است.

آقای عزیزاده - خب بله دیگر.

آقای هاشمی شاهرودی - بله دیگر، این متن اشاره به همان متن است و معنایش همان است که آنجا آمده است.

آقای عزیزاده - همین دیگر. حالا بگویید عبارت ایراد چه شد؟

منشی جلسه - «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا در خصوص فرآورده‌های نفتی باقی است.»

آقای عزیزاده - کماکان به قوت خود باقی است.

آقای مؤمن - خب، الان این ایراد چطور حل می‌شود؟

آقای عزیزاده - باید آن عبارت را هم بیاورند دیگر.

آقای مؤمن - کجا بیاورند؟

آقای عزیزاده - مگر ما باید بگوییم کجا بیاورند؟

آقای مؤمن - صادرات نفت و گاز طبیعی را که آورده‌اند.

منشی جلسه - باید فرآورده‌ها را به این بند اضافه کنند.

آقای عزیزاده - باید «صادرات نفت و فرآورده‌های نفتی و گاز طبیعی» را اضافه کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - عین آن چیزی که در سیاست‌های برنامه‌ی پنجم آمده است.

منشی جلسه - در ادامه‌ی متن ایراد می‌نویسیم: «بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ناسخ بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه...»

آقای عزیزاده - ... در خصوص مورد، نیست.» بله. آقایانی که به این رأی می‌دهند،

رأی بدهند. حضرت آیت‌الله جنتی که رأی نمی‌دهد، آقایان هم که رأی نمی‌دهند.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ رأی می‌دهند.

آقای عزیزاده - رأی آورد؟

منشی جلسه - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، بیشتر از میزان مورد نیاز هم رأی آورد.^(۱)

۱. بند (۱) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۶ مورخ ۲۲/۰۲/۱۳۹۵ شورای نگهبان: «۱- در بند (ب) تبصره (۱)،

منشی جلسه - [بند بعدی نظر شماره ۹۵/۱۰۰/۴۲۳ مورخ ۹۵/۲/۱۲ شورای نگهبان در خصوص بند (ب)^(۱) تبصره (۱)]: «۱-۱-۴- از این حیث که مشخص نیست واریز مبالغ به حساب صندوق توسعه ملی نیز از ماه یازدهم انجام می‌شود یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

آقای عزیزاده - خب، در اصلاحیه^(۲) چه کار کرده‌اند؟ حالا عبارت را اصلاح کرده‌اند دیگر.

منشی جلسه - نه، در این خصوص هم تغییری ایجاد نشده است.

آقای مؤمن - چرا دیگر.

آقای رهپیک - چرا.

آقای عزیزاده - چرا دیگر.

آقای رهپیک - گفته است مبالغ را به صورت ماهانه می‌ریزند.

آقای عزیزاده - بله، گفته است ماهانه بریزند دیگر.

آقای سلیمی - گفته است که تسویه‌اش، از ماه یازدهم است. «... مبالغ مذکور به

→

علی‌رغم اصلاح به‌عمل آمده، اشکال (۱-۳) این شورا در خصوص فرآورده‌های نفتی کماکان به قوت خود باقی است. لازم به توضیح می‌باشد که بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نسخ بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، در خصوص مورد نیست.»

۱. بند (ب) تبصره (۱) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۱- ...»

ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰٪) ارزش صادرات گاز طبیعی پس از کسر ارزش گاز طبیعی وارداتی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبلغ واریزی موضوع فراز دوم بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.»

۲. اصلاحیه‌ی مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی در خصوص بند (ب) تبصره (۱) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور: «ب- سهم صندوق توسعه ملی موضوع بند (ب) ماده (۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲)، بیست درصد (۲۰٪) تعیین می‌شود. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است بیست درصد (۲۰٪) منابع حاصل از ارزش صادرات نفت و گاز طبیعی را به حساب صندوق توسعه ملی واریز کند. مبالغ مذکور به صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.»

صورت ماهانه واریز و از ماه یازدهم سال محاسبه و تسویه می‌شود.»

آقای عزیزاده - بله، ایرادهای بند (ب) تمام شد. اشکال دیگری نداریم. جلوتر برویم.

منشی جلسه - «۱-۲- در بند (ه)،^(۱) با عنایت به اینکه شرکت مذکور فاقد اساسنامه مصوب مجلس شورای اسلامی یا هیئت وزیران است، شناسایی و اعطای صلاحیت به شرکت مذکور دارای ابهام معموله^(۲) شورای نگهبان می‌باشد.» این بند را این‌طور

۱. بند (ه) تبصره (۱) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۱- ...

ه- شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران مکلف است نسبت به نوسازی و توسعه شبکه خطوط لوله انتقال نفت خام و میعانات گازی و فرآورده‌های نفتی و تأمین منابع مالی سهم دولت در توسعه پالایشگاه‌ها و زیرساخت‌های تأمین، ذخیره‌سازی و توزیع فرآورده اقدام کند و منابع مورد نیاز را از محل افزایش پنج درصد (۵٪) به قیمت هر لیتر فرآورده‌های نفتی شامل بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره، گاز مایع و سوخت هواپیما تأمین و پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور تا سقف پانزده هزار میلیارد (۱۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به مصرف برساند. این منابع جزء درآمد شرکت محسوب نمی‌شود و مشمول مالیات با نرخ صفر می‌باشد.»

۲. ماده (۴) قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ مجلس شورای اسلامی مقرر می‌دارد: «وزارت نفت برای انجام عملیات نفتی و بهره‌برداری در سراسر کشور و فلات قاره و دریاها می‌تواند شرکت‌هایی تأسیس نماید. اساسنامه‌های شرکت‌های نفت و گاز و پتروشیمی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به مورد اجراء گذارده خواهد شد. تصویب اساسنامه‌های سایر شرکت‌ها با هیئت وزیران خواهد بود.

تبصره- وزارت نفت مکلف است از تاریخ تصویب این قانون، اساسنامه‌های شرکت‌های نفت، گاز و پتروشیمی را ظرف مدت یک سال، جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.»

با توجه به قانون فوق، شورای نگهبان در موارد متعدد، به دلیل عدم تصویب اساسنامه برای شرکت‌های ملی نفت، گاز و صنایع پتروشیمی، نسبت به ذکر نام این شرکت‌ها در مصوبات مجلس، به آن مصوبه ابهام وارد کرده است. به عنوان نمونه، می‌توان به بند (۴) نظر شماره ۸۶/۳۰/۲۳۱۰۷ مورخ ۱۳۸۶/۸/۱۶ شورای نگهبان در خصوص «لایحه اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجراء سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی» مصوب ۱۳۸۶/۷/۲۲ اشاره کرد که طی آن مقرر شده است: «۴- در بند (۴) ماده (۲) و ماده (۸۷) از جهت ذکر عنوان «شرکت ملی نفت ایران» به دلیل فقدان اساسنامه، ابهام قبلی را دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» بند (۴) ماده (۲) مصوبه‌ی مزبور بیان می‌داشت: «ماده ۲- فعالیت‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران شامل تولید، خرید و یا فروش کالاها و یا خدمات به سه گروه زیر تقسیم می‌شوند: گروه یک- ... گروه سه- فعالیت‌های مؤسسات و شرکت‌های مشمول این گروه عبارتند از: ۱... (۴) شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های استخراج و تولید نفت خام و گاز.» همچنین ماده (۸۷) این مصوبه بیان می‌داشت: «ماده ۸۷- کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسه‌های دولتی و شرکت‌های دولتی موضوع

اصلاح کرده‌اند: «در بند (ه) تبصره (۱)، عبارت «وزارت نفت از طریق شرکت تابعه ذی‌ربط» جایگزین عبارت «شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران» می‌شود.»

آقای عزیزاده - همان عبارت سابق را آورده‌اند. تمام شد. جلوتر برویم. حالا ان شاء الله اساسنامه‌ی این شرکت هم تصویب می‌شود. این اشکال هم رفع شد.

منشی جلسه - «۲- در تبصره (۲)،

۱-۲- در بند (الف)،^(۱) از آنجا که جدول شماره (۱۸)^(۲) مشتمل بر مواردی است که مغایر مصارف مذکور در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴)^(۳)

→ ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و همچنین کلیه دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌های دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام آنها است، از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته به آن، سایر شرکت‌های وابسته به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آن، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و شرکت‌های تابعه آن، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و شرکت‌های تابعه آن، سازمان در حال تصفیه صنایع ملی ایران و شرکت‌های تابعه آن، مرکز تهیه و توزیع کالا و همچنین سهام متعلق به دستگاه‌ها، سازمان‌ها و شرکت‌های فوق‌الذکر در شرکت‌های غیر دولتی و شرکت‌هایی که تابع قانون خاص می‌باشند و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، در فعالیت‌های اقتصادی مشمول مقررات این قانون خواهند بود.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ جلد سوم (اصول ۷۶ تا ۱۱۲ قانون اساسی)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، ذیل اصل (۸۵)، صص ۱۶۹-۲۳۴.

۱. بند (الف) تبصره (۲) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۲-

الف- به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۵ بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیر دولتی با اولویت سازمان تأمین اجتماعی را با رعایت بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون پرداخت کند.»

۲. جدول شماره (۱۸) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور، با عنوان «توزیع اعتبارات موضوع واگذاری سهام و سهم‌الشرکه دولت».

۳. جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ابلاغی ۱۳۸۴/۳/۱ مقام معظم رهبری: «د- سیاست‌های کلی واگذاری:

قانون اساسی است، لذا مغایر بند یک اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.» این را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «بند (الف) تبصره (۲) به شرح زیر اصلاح می‌شود: الف- به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۵ مصارف مربوط به واگذاری بنگاه‌های دولتی موضوع جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را از طریق جدول شماره (۱۳) این قانون^(۱) و بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی را از محل واگذاری سهام و سهم‌الشرکه متعلق به دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به استثنای موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را، از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون پرداخت کند.»

آقای رهپیک - در مورد اصلاح این بند، کاری نکرده‌اند؛ در واقع اصلاحی نکرده‌اند. قسمت اول آن که مصارف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را از طریق جدول شماره (۱۳) این قانون گفته است، بیان یک حکم کلی است. جدول شماره

→

۱- ...

۲- مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری:

وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:

۱- ایجاد خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی

۲- اختصاص (۳۰٪) از درآمدهای حاصل از واگذاری به تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی

۳-۲ ایجاد زیربنای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه‌یافته

۴-۲ اعطای تسهیلات (وجوه اداره‌شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیر دولتی با اولویت بنگاه‌های واگذارشده و نیز برای سرمایه‌گذاری بخش‌های غیر دولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته

۵-۲ مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف (۴۹٪) به منظور توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه‌یافته

۶-۲ تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام شرکت‌های دولتی با رعایت بند (الف) این سیاست‌ها.»

۱. جدول شماره (۱۳) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور، با عنوان «اعتبارات موضوع ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی».

(۱۳) مربوط به همان مصارف ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است؛ ولی قسمت دوم این بند که می‌گوید دولت بدهی خود را به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی از محل واگذاری سهام و سهم‌الشرکه متعلق به دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی از طریق جدول شماره (۱۸) بدهد، قبلاً هم محل اشکال بوده است.

آقای عزیززاده - بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را بیاورید تا ببینیم چیست.

آقای رهپیک - آن بند مربوط به همان مصارف منابع حاصل از واگذاری‌ها است.

آقای عزیززاده - بله، حدود (۶) تا محل مصرف دارد. ببینیم موارد مذکور در بند (د) چیست.

آقای اسماعیلی - البته خودش گفته است: «به استثنای آن موارد».

آقای رهپیک - اشکال مرحله‌ی قبل ما این بود که بدهی دولت به بخش‌های خصوصی را، نمی‌شود از محل منابع حاصل از واگذاری پرداخت کرد. الان گفته‌اند بدهی‌ها را از محل واگذاری سهام و سهم‌الشرکه متعلق به دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به استثنای موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) آن سیاست‌ها پرداخت کنند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای رهپیک - آنجا محل مصارف معین شده است. اصلاً ربطی به این بدهی‌ها ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - آنجا صحبتی از «موارد» نیست؛ بحث «مصارف» است. می‌گوید کل منابع حاصل از واگذاری را در اینجاها صرف کن.

آقای رهپیک - بله، به علاوه که ما به موارد مندرج در جدول شماره (۱۸) هم ایراد گرفته بودیم؛ ولی الان جدول (۱۸) بدون تغییر سر جای خودش است.

آقای عزیززاده - بند (د) سیاست‌های کلی را بیاورید. آنجا اصلاً گفته شده است از محل فروش سهام شرکت‌ها، بدهی‌ها را بدهید یا نه؟

آقای رهپیک - نه، آنجا اصلاً صحبتی از پرداخت بدهی با استفاده از درآمدهای حاصل از واگذاری وجود ندارد. ایراد ما همین بود دیگر؛ گفتیم نمی‌شود بدهی را از محل فروش و واگذاری سهام شرکت‌های دولتی داد.

آقای علیزاده - قبلاً هم از این ایرادات، گرفته‌ایم.^(۱)

آقای رهپیک - بله، قبلاً به این موضوع مکرر ایراد گرفته‌ایم.

آقای جنتی - بله.

آقای علیزاده - می‌گفتیم محل مصرف، همان مواردی است که در خود سیاست‌های کلی اصل (۴۴) آمده است. غیر از آن موارد، نمی‌توانند این درآمدها را در جای

۱. شورای نگهبان تاکنون در موارد متعدد، مصارف وجوه حاصله از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی در غیر مصارف مشخص شده در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را مغایر اصل (۱۱۰) قانون اساسی دانسته است. به عنوان نمونه، در بند (۳) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۳- نظر به اینکه جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصارف وجوه حاصله را مشخص نموده است، لذا اطلاق بند (ج) تبصره (۳)، مغایر بند مذکور و بالتیجه مغایر بند یک اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.» بند (ج) تبصره (۳) لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «تبصره ۳-

الف- ...

ج- به دولت اجازه داده می‌شود بدهی‌های خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و پیمانکاران، شهرداری‌ها، صندوق‌های بیمه‌ای، صنایع دفاعی و مصارف جدول (۱۸) را با اولویت پرداخت رد دیون و تعهدات و بدهی وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان، آزادگان، خانواده شهدا و مطالبات شاغلان و بازنشستگان ارتش جمهوری اسلامی ایران از محل منابع حاصل از واگذاری سهام، سهم‌الشرکه، حق بهره‌برداری و بهره مالکانه موضوع این تبصره و ردیف شماره ۹-۱۰۱۰۰۰ جدول شماره (۸) این قانون پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با اعلام سازمان حسابرسی و یا ذی‌حساب دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط حسب مورد بدون الزام به رعایت ماده (۲۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی پرداخت و یا تسویه و سپس تهاتر کند.

واگذاری تهاتری باید با رعایت اصل پنجاه و سوم (۵۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (گردش خزانه) انجام شود و قیمت سهام تهاتر شده نباید از قیمت پایه بورس و یا پایه مزایده کمتر باشد. پرداخت مطالبات و دیون ایثارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده معظم شهدا مشمول تأیید سازمان حسابرسی نمی‌شود و با تأیید ذی‌حساب و رئیس دستگاه اجرایی و تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور انجام می‌پذیرد.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتوحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)؛ اصول ۷۶ تا ۱۱۲ قانون اساسی (جلد سوم)»، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵، ذیل اصل یکصد و دهم، صص ۷۵۵-۸۴۶.

دیگری مصرف نکنند.

آقای هاشمی شاهرودی - استثنایی هم که در بند (الف) آمده است، معنا ندارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر مصارف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی فقط چند تا

مورد بود، می‌گفتیم به استثنای آنها، بقیه را از این طریق بدهند.

آقای رهپیک - اصلاً استثنای مذکور در بند (الف) تبصره (۲)، معنا ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، معنا ندارد.

آقای علیزاده - اگر می‌توانستند شرکت‌های دولتی دیگری را همین‌طوری [و بدون

رعایت سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] بفروشند، خب ایرادی نداشت؛ اما نمی‌توانند

چنین کاری بکنند. باید شرکت‌های دولتی را طبق سیاست‌های کلی اصل (۴۴)

بفروشند. به نظر من اشکال رفع نشده است.

آقای یزدی - الان متن اصلاحی می‌گوید: «... و بدهی خود به بخش‌های خصوصی و

تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی را از محل واگذاری سهام و سهم‌الشرکه متعلق به

دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به استثنای موارد مندرج در جزء (۲) بند (د)

سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را از طریق جدول شماره

(۱۸) این قانون پرداخت کند.» مشخصاً اشکال چیست؟

آقای رهپیک - اشکال در محل‌های تعیین‌شده برای مصارف منابع حاصل از

واگذاری‌ها است.

آقای علیزاده - سیاست‌های کلی گفته است: «۲- مصارف درآمدهای حاصل از

واگذاری:

وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری

کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب» برای کارهایی مثل

تعاونی‌ها، ایجاد زیربناهای اقتصادی، اعطای تسهیلات (وجوه اداره‌شده) برای تقویت

تعاونی‌ها استفاده شود.

آقای یزدی - در این اصلاحیه همه‌ی این موارد مربوط به بند (د) سیاست‌های کلی

اصل (۴۴) هست.

آقای رهپیک - نه، این مصوبه را که قبلاً خوانده‌ایم. جدول (۱۸) کلاً مربوط به

پرداخت بدهی‌های دولت است. مربوط به مصارف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) نبود. اینها رفته‌اند، متن را درست کنند؛ ولی عبارت «به استثنای موارد فلان» را که ربطی به موضوع نداشته است، به آن اضافه کرده‌اند.

آقای سوادکوهی - حالا به نظرم باید این استثنا را بردارند.

آقای رهپیک - اگر این استثنا را بردارند که تبدیل به همان متن قبلی می‌شود. آن وقت همان اشکال سابق وارد است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - اصلاً نیازی به ذکر این استثنا وجود ندارد.

آقای سوادکوهی - نه، اگر این قسمت دوم را بردارند کافی است؛ چون جدول شماره (۱۳) را گذاشته‌اند دیگر.

آقای رهپیک - نه، جدول شماره (۱۳) که ربطی به ایراد ما ندارد. جدول شماره (۱۳) درست است.

آقای سوادکوهی - خب، من هم می‌گویم درست است دیگر.

آقای رهپیک - اشکال ما به این قسمت است که الآن می‌گوید: «... و بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی را از محل واگذاری سهام و سهم‌الشرکه متعلق به دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی به استثنای موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را، از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون پرداخت کند.» ما نسبت به این قسمت اشکال داشتیم و گفتیم که نمی‌شود از محل منابع حاصل از واگذاری‌ها بدهی‌های ذکر شده در جدول شماره (۱۸) را دارد. حالا دوباره آمده‌اند و همان موضوع را تکرار کرده‌اند.

آقای اسماعیلی - خب، الآن که [موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را] استثنا کرده است. من متوجه اشکال شما نمی‌شوم.

آقای هاشمی شاهرودی - آخر این استثنایی که گفته‌اند، معنی ندارد.

آقای سوادکوهی - این قسمت آخر را نباید می‌گذاشتند.

آقای رهپیک - اصلاً استثنا معنا ندارد.

آقای اسماعیلی - چرا؟

آقای هاشمی شاهرودی - به خاطر اینکه سیاست‌های کلی، همه‌ی مصارف منابع

حاصل از واگذاری‌ها را برشمرده است و چیز دیگری نباید به آن اضافه بشود.

آقای اسماعیلی - نه، اشکال ما چه بود؟

آقای هاشمی شاهرودی - اشکالمان همین بود دیگر.

آقای سوادکوهی - تا اینجا که جدول (۱۳) را در بند (الف) آورده‌اند، درست است.

آقای اسماعیلی - نه، اشکال ما این بود که گفتیم در آن مصوبه، جدول شماره (۱۸)...

آقای هاشمی شاهرودی - ... خلاف سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است.

آقای اسماعیلی - احسبتم. گفتیم چون بحث مصارف درآمد ناشی از واگذاری شرکت‌های دولتی است، نمی‌شود این درآمد را از این محلی که در سیاست‌ها معین شده است، به جای دیگری انتقال داد. خب، الان هم که در بند (الف) اصلاحی، دارد می‌گوید به جز آنها؛ یعنی به جز دولتی‌ها، در مورد بقیه، این حکم اجرا می‌شود.

آقای رهپیک - نه، این استثنا ناظر به مصارف است.

آقای اسماعیلی - خب بله، منظور همان است دیگر.

آقای رهپیک - ببینید؛ مصارف منابع حاصل از واگذاری برای خودکفایی و امثال آن است. حالا این استثنا یعنی چه؟

آقای سوادکوهی - در جدول شماره (۱۳) مصارف این وجوه آمده است.

آقای مؤمن - این استثنا مغایر با مصارف مذکور در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است دیگر. بعد الان مجلس آن مصارف را حذف کرده است؛ در حالی که این مصارف، مربوط به آن جزء است.

آقای سوادکوهی - البته می‌توانیم بگوییم مصارف ناشی از واگذاری از این طریق باشد. در خود سیاست‌ها هم که محل مصرف را کمک به خوداتکایی و اختصاص سی درصد (۳۰٪) برای تعاونی‌ها و امثال آن گفته است.

آقای رهپیک - کل جدول (۱۸) مربوط به پرداخت بدهی‌های دولت به دستگاه‌ها است.

آقای مؤمن - این بند (الف) اصلاحی این مصارف را استثنا کرده و گفته است: «... به استثنای موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی ...»

آقای سوادکوهی - بله دیگر، یعنی می‌گوید این مصارفی که در سیاست‌های کلی آمده است را، خود دولت انجام بدهد.

آقای مؤمن - نه، می‌گویند این درآمدها را برای این کار اختصاص ندهید.

آقای ابراهیمیان - خب، وقتی آن استثناها را کم کنیم، چیزی می‌ماند؟

آقای اسماعیلی - حالا چیزی نماند.

آقای مؤمن - می‌گویند این درآمدها را برای این کار اختصاص ندهید.

آقای رهپیک - اصلاً جدول شماره (۱۸) ربطی به درآمدهای جزء (۲) سیاست‌های کلی بند (د) ندارد.

آقای اسماعیلی - چرا؟

آقای رهپیک - ببینید؛ جدول شماره (۱۸) مربوط به بدهی دولت است و در آن مصارف را گفته است [در حالی که جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی،] اصلاً ناظر به بدهی‌های دولت نیست.

آقای مؤمن - خب، الان هم گفته‌اند از آن درآمدها، موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) را ندهید.

آقای سوادکوهی - بله دیگر، الان گفته‌اند آن کارها را انجام بدهید؛ اگر چیزی از درآمدها باقی ماند، بدهی‌ها را پرداخت بکنید.

آقای مؤمن - آقای دکتر، ببینید؛ وقتی می‌گویند «به استثنای موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم»، یعنی این موارد از آن محل داده نمی‌شود.

آقای رهپیک - اصلاً اینها [= بدهی‌های مذکور در جدول (۱۸)] جزء آنها [= مصارف مذکور در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] نیست.

آقای مؤمن - پس بیخود گفته است که به استثنای آن موارد.

آقای رهپیک - بله خب، حرف ما این است که این استثنا بی‌ربط است.

آقای مؤمن - شما قبلاً گفتید که بند (الف)، مغایر مصارف مذکور در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی است.

آقای رهپیک - حاج‌آقا، شما جدول شماره (۱۸) را که ما به آن ایراد گرفتیم، ببینید. ما گفتیم منابع حاصل از واگذاری‌ها، یک مصارفی مثل کمک به خوداتکایی و امثال آن دارد که در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) آمده است؛ ولی موارد مذکور در جدول شماره (۱۸) جزء مصارف آن بند (۲) نیست. بعضی از مواردی که این

مصارف شامل آنها نمی‌شود مثل دیون نهاد ریاست جمهوری، دیون صندوق بازنشستگی و غیره را هم، اجمالاً گفتیم. الان گفته‌اند دولت بدهی‌های خود را از محل درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها بدهد.

آقای علیزاده - در جدول شماره (۱۸)، مواردی مثل مطالبات خانواده‌ی معظم شهدا، پاداش پایان خدمت و سایر مطالبات و دیون را آورده است. پرداخت این موارد از درآمدهای حاصل از واگذاری اشکال دارد.

آقای رهپیک - بله دیگر، ما به همین موضوع اشکال گرفتیم. حالا عبارت را به این صورت نوشته‌اند: «به استثنای موارد مندرج در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی»؛ در حالی که این استثنا اصلاً معنا ندارد.

آقای مدرسی یزدی - حالا این استثنا شامل چه چیزهایی است؟

آقای رهپیک - جزء (۲)، شامل خودکفایی و امثال آن مصارفی می‌شود که الان خواندیم. ربطی به بدهی‌های مذکور در جدول شماره (۱۸) ندارد. ناظر به همان مصارفی است که الان آوردند و خواندید دیگر.

آقای علیزاده - جزء (۲) مربوط به مصارف واگذاری است؛ مصارف را تعیین کرده است.

آقای مدرسی یزدی - بله، ناظر به خوداتکایی و امثال آن است.

آقای هاشمی شاهرودی - پس بند (الف)، خلاف سیاست‌های کلی است دیگر.

آقای رهپیک - اصلاً جدول شماره (۱۸)، جدول پرداخت بدهی است.

آقای مدرسی یزدی - همه‌اش که این‌طور نیست.

آقای رهپیک - کل جدول، مربوط به پرداخت بدهی است.

آقای علیزاده - ببینید؛ جزء (۲) را بخوانیم. گفته است: «۲- مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری:

وجوه حاصل از واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز و در قالب برنامه‌ها و بودجه‌های مصوب به ترتیب زیر مصرف می‌شود:» بعد در ادامه آمده و موارد مصرف را تعیین کرده است. «۱-۲- ایجاد

خوداتکایی برای خانواده‌های مستضعف و محروم و تقویت تأمین اجتماعی»

آقای مدرسی یزدی - بسیار خوب، این یکی از آن مصارف است. آیا در جدول شماره

(۱۸) هم، موردی هست که به این موارد بخورد؟

آقای علیزاده - بسیار خب، باید همین را بررسی کنیم.

آقای علیزاده - «۲-۲-۲- اختصااص (۳۰٪) از درآمدهای حاصل از واگذاری به

تعاونی‌های فراگیر ملی به منظور فقرزدایی

۲-۳- ایجاد زیربناهای اقتصادی با اولویت مناطق کمتر توسعه یافته

۲-۴- اعطای تسهیلات (وجوه اداره شده) برای تقویت تعاونی‌ها و نوسازی و

بهسازی بنگاه‌های اقتصادی غیر دولتی با اولویت بنگاه‌های واگذار شده و نیز برای

سرمایه‌گذاری بخش‌های غیر دولتی در توسعه مناطق کمتر توسعه یافته

۲-۵- مشارکت شرکت‌های دولتی با بخش‌های غیردولتی تا سقف (۴۹٪) به منظور

توسعه اقتصادی مناطق کمتر توسعه یافته

۲-۶- تکمیل طرح‌های نیمه تمام شرکت‌های دولتی با رعایت بند (الف) این

سیاست‌ها.» حالا این جدول (۱۸) را بیاوریم و ببینیم چه چیزهایی از این موارد را

دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - باز هم آن استثنایی که در بند (الف) آمده است، درست

نیست.

آقای علیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً شکل استثنا غلط است. باید این طوری می‌گفتند که اگر

موارد مذکور در جدول شماره (۱۸) در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی هست،

می‌توانید آنها را از محل واگذاری سهام شرکت‌های دولتی بدهید.

آقای رهپیک - بله، اگر هم می‌خواستند چیزی بگویند، باید برعکس می‌گفتند. الآن

گفته است بدهی‌های جدول (۱۸) را از محل واگذاری بدهید، به جز آن کارهایی که

قانوناً باید از درآمدهای حاصل از محل واگذاری انجام بدهید.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این استثنا معنی ندارد.

آقای رهپیک - باید برعکس می‌گفت؛ باید می‌گفت اگر در جدول (۱۸)، آن مصارف

مذکور در سیاست‌های کلی وجود دارد، آنها را از محل درآمد حاصل از واگذاری

بدهید، ولی الآن می‌گوید بدهی‌ها را از محل واگذاری بدهید، مگر آن مواردی که طبق

سیاست‌ها باید بدهید.

آقای عزیزاده - بله، نمی‌توانند این منابع را، مگر برای مواردی که در سیاست‌ها آمده است، اختصاص بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای سوادکوهی - ظاهراً اشکالی که ما گرفته بودیم، این بود که منابع حاصل از واگذاری، یک محل مصرف دارد. محل مصرف منابع حاصل از واگذاری در مواردی است که در جدول (۱۳) آمده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، ولی در آن جدول، پرداخت بدهی نیامده است.

آقای سوادکوهی - بله، در آن جدول، پرداخت بدهی نیامده است. ما در رابطه با بحثی که در مجلس در ارتباط با همین قضیه مطرح کردیم، گفتیم شما برای واگذاری فقط یک محل مصرف دارید که در سیاست‌های کلی این‌طور آمده است و گفته است که محل مصرف درآمدهای حاصل از واگذاری‌ها باید این‌طور باشد. آنها پذیرفتند که جدول را اشتباه نوشته‌اند. حالا گفتند جدول را چه کار کنیم؛ گفتند که آن مصارف را روی جدول (۱۳) می‌آوریم؛ مصارف را روی جدول (۱۳) بردند؛ اما یک چیزی هم تحت عنوان بدهی به بند (الف) اضافه کردند؛ بعد بدهی خودشان را دو قسمت کردند. در مورد این بدهی، که اینجا تحت عنوان کلی بدهی اسم‌گذاری کرده‌اند، گفتند محل مصرف یک قسمت از آن، جدول (۱۳) می‌شود که باید طبق همان روال صدر این بند (الف) عمل بشود؛ در مورد یک قسمت از آن گفتند که تحت عنوان بدهی است و باید بر اساس جدول (۱۸) عمل بشود.

آقای عزیزاده - جدول (۱۳) را هم بیاورید تا ببینیم چیست.

آقای سوادکوهی - این اصلاحیه، یک مقدار موضوع را پیچیده کرده است.

آقای عزیزاده - الآن این اصلاحیه، مطلب را خراب کرده است.

آقای سوادکوهی - یعنی بهتر بود که اینها این قسمت جدول (۱۸) را کلاً از این قسمت حذف می‌کردند.

آقای هاشمی شاهرودی - باید حذف می‌کردند.

آقای سوادکوهی - یعنی ما یک چیز را می‌خواهیم و آن تعیین مصرف منابع حاصل از واگذاری است. مصرف منابع حاصل از واگذاری کلاً باید طبق این جدول (۱۳) عمل بشود. جای دیگری در این مصوبه برای این کار، وجود ندارد؛ مگر اینکه بگوییم منابع

حاصل از واگذاری برای این مسئله [= مصارف معین شده برای آن] اضافه دارد؛ ولی این منابع هم اضافه نیامده است.

آقای عزیزاده - اصلاً در آن جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی، پرداخت بدهی جزء مصارف واگذاری نیامده است.

آقای رهپیک - بله، اصلاً پرداخت بدهی جزء آن مصارف نیست.

آقای سوادکوهی - می‌خواهم همین را عرض کنم. اینها پرداخت بدهی را اضافه کرده‌اند.

آقای عزیزاده - اینها باید بگویند دولت بدهی را از هر جای دیگر که می‌خواهد بدهد، بدهد. اصلاً نباید پرداخت بدهی را در بند (الف) بیاورد.

آقای سوادکوهی - بله، نباید می‌آوردند. حالا من هم نمی‌دانم چطوری این کار را کرده‌اند.

آقای عزیزاده - مطابق جدول (۱۳)، مصارف مختلف، مثل ایجاد خودکفایی خانواده‌های مستضعف و محروم و ... [برای منابع حاصل از این واگذاری‌ها است].

آقای رهپیک - جدول (۱۳) درست است. ما که به جدول (۱۳) ایراد نگرفتیم. جدول (۱۳) اتفاقاً درست است. عنوان آن هم مربوط به محل مصرف منابع حاصل از واگذاری‌ها است. آن جدول درست است و عین عبارت سیاست‌ها است. اصلاً این مطلب در اشکال ما نبوده است. آنچه که در نظر قبلی ما بوده است، اشکال پرداخت بدهی دولت از منابع حاصل از واگذاری‌ها بوده است.

آقای سوادکوهی - حالا به نظر شما، اگر بر اساس این اصلاحیه عمل شود، مشکلی پیش نمی‌آید؟ اگر این بند این‌طور باشد، چه اشکال دارد؟

آقای رهپیک - نه، اینکه اشکال دارد. این اشکال، همان اشکال اولمان است دیگر.

آقای عزیزاده - بنویسید: «علی‌رغم تغییری که در این بند (الف) تبصره (۲) داده شده است، اشکال کماکان به قوت خود باقی است. بنابراین اشکال این شورا رفع نشده است.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اشکال کماکان باقی است.

آقای مدرسی یزدی - تقریباً این اصلاحیه، لغو است. یک طوری بیان کرده است که لغو است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این استثنا غلط است. این استثنا معنا ندارد.

آقای رهپیک - اصلاً این اصلاحیه، غلط است. آن را غلط نوشته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - می‌شود معنای این اصلاحیه را فهمید.

آقای مؤمن - خب، حالا اگر استثنا را بردارند، اشکال درست می‌شود یا نه؟

آقای رهپیک - نه، اشکال باقی است.

آقای علیزاده - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - باز باید جدول (۱۸) را از بند (الف) حذف کنند. باید جدول

شماره (۱۸) را حذف کنند. همان مصارفی را که در جدول شماره (۱۳) ذکر کرده

است، کافی است.

آقای علیزاده - مجلس باید بگوید در مورد مصارف منابع حاصل از واگذاری‌ها،

مطابق جدول شماره (۱۳) عمل می‌شود.

آقای سوادکوهی - یعنی حکم این بند، تأسیس جدیدی [غیر از مصارف مذکور در

جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴)] است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای علیزاده - نمی‌توانند بدهی را از این محل پرداخت کنند. نمی‌توانند بدهی را از

این محل بدهند. دولت نباید بدهیش را به اشخاص مختلف، از درآمدهایی که برای

مصارف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی است، بدهد. باید این منابع را مطابق

جدول شماره (۱۳) به مصرف برساند.

آقای مؤمن - همین درست است.

آقای علیزاده - بله.

آقای سوادکوهی - جدول (۱۸) مواردی دارد که ما نمی‌توانیم بگوییم کل آن موارد،

با مصارف مذکور در جدول (۱۳) تناسب ندارد؛ ولی مجلس باید تعیین کند که

منظورش کدام قسمت از جدول (۱۸) است.

آقای مدرسی یزدی - بند (الف) می‌گوید اگر این بدهی در آن جدول (۱۸) هست،

دولت می‌تواند از آن منابع بدهی را پرداخت کند؛ ولی اگر مطابق این جدول نیست،

پرداخت نکند. حالا عبارت دقیق آن، در این بند چیست؟

آقای علیزاده - بفرمایید «اصلاح به عمل آمده رافع اشکال نیست؛ زیرا موارد مصرف

واگذاری همان است که در جدول شماره (۱۳) آمده است و دادن بدهی از این محل طبق آن، اشکال دارد.»

منشی جلسه - «به رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال باقی است؛ زیرا موارد مصرف، همانی است که در جدول شماره (۱۳) آمده است.»

آقای علیزاده - مصارف واگذاری در جدول شماره (۱۳) آمده است و مصرف آن در موارد مربوط به جدول شماره (۱۸) درست نیست.

آقای مدرسی یزدی - حالا صبر کنید. من نکته‌ای عرض کنم. ببینید؛ این بند می‌گوید دولت بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی را، از طریق جدول (۱۸) پرداخت کند. نگوئید استثنا کرده‌اند؛ اینجا دارد می‌گوید دولت بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی را، از طریق جدول شماره (۱۸) پرداخت کند.

آقای مؤمن - همین مطلب را می‌گوییم که درست نیست.

آقای علیزاده - بله، همین حرف درست نیست دیگر.

آقای مدرسی یزدی - حالا اجازه بدهید؛ اگر این بند گفته بود که بدهی دولت را از طریق جدول (۱۸) پرداخت کنید، به این مطلب اشکال می‌گرفتید؟
آقای علیزاده - نه.

آقای رهپیک - بله، به آن اشکال گرفتیم. اشکال قبلیمان همین بود.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - حکم بند (الف) در مرحله‌ی اول همین بود. این بند، اول گفته بود که بدهی دولت از طریق جدول شماره (۱۸) پرداخت شود. قبلاً همین عبارت بود که به آن اشکال گرفتیم. ایراد ما قبلاً همین بود.

آقای رهپیک - قبلاً ایرادمان همین بود دیگر.

آقای مؤمن - اشکال همین بود.

آقای مدرسی یزدی - بند (الف) قبلی، برخی نهادها را تعیین کرده بود و گفته بود از طریق واگذاری‌ها این بدهی‌ها داده شود.

آقای هاشمی شاهرودی - نه.

آقای مؤمن - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - عبارت قبلی را بخوانید. قبلاً گفته بود که پرداخت بدهی‌های دولت از طریق جدول (۱۸) است. اشکال ما به خود جدول شماره (۱۸) هم بود. خودمان به این مطلب اشکال گرفته بودیم.

آقای رهپیک - اشکال قبلی ما همین بوده است دیگر. این بند گفته بود دولت بدهی‌های خود را از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون پرداخت کند. ما هم به آن اشکال گرفتیم.

آقای علیزاده - آن بند نگفته بود که بدهی دولت از غیر آن مصارف پرداخت شود. محل پرداخت بدهی را هم ذکر نکرده بود.

آقای مدرسی یزدی - قبلاً بند (الف) تبصره (۲) گفته بود: «الف- به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۵ بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیردولتی با اولویت سازمان تأمین اجتماعی را با رعایت بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون پرداخت کند.»

آقای هاشمی شاهرودی - ما به این بند اشکال وارد کردیم.

آقای رهپیک - ما گفتیم جدول (۱۸) مربوط به پرداخت بدهی دولت است [و پرداخت این بدهی‌ها با منابع حاصل از واگذاری‌ها خلاف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است]. لذا به آن اشکال وارد کردیم.

آقای مدرسی یزدی - خب، واقعاً اشکال به آن بند بیخود است.

آقای هاشمی شاهرودی - پس شما از اشکال برگشته‌اید.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر اشکال اول وارد بوده است، هنوز هم وارد است. حالا شما از آن اشکال برنگردید.

آقای مؤمن - آن بند گفته بود دولت بدهی خود به بخش‌های خصوصی و دولتی و غیر از آن جدول بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره اشکال سابق کماکان باقی است. رفع نشده است.

آقای رهپیک - بله.

آقای اسماعیلی - به نظرم این بند قانوناً مشکلی ندارد؛ ولی در عمل می‌توانند از آن سوء استفاده کنند.

آقای مدرسی یزدی - ایشان می‌فرمایند من در مرحله‌ی قبلی هم به این ایراد رأی ندادم.

آقای مؤمن - حالا که مجلس در این اصلاحیه، مقصودش را تصریح کرده‌اند.

آقای علیزاده - اشکال این بند رفع نشده است. حالا با این اصلاحیه که بند (الف) را بدتر کرده‌اند.

آقای رهپیک - بله، الآن این بند، بدتر شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بدتر شده است.

آقای علیزاده - بله، با این اصلاح، اشکال سابق ما مسجل‌تر شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - حالا رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که این اشکال را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای رهپیک - شما ببینید؛ قبلاً گفته‌اید جدول شماره (۱۸) مشتمل بر مواردی است که با مصارف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) مغایرت دارد.

آقای علیزاده - بله.

آقای رهپیک - یعنی اجمالاً گفته‌اید بعضی از موارد جدول (۱۸)، ممکن است با آن سیاست‌های کلی مغایرت داشته باشد. این ایراد هنوز هم باقی است.

آقای مدرسی یزدی - واقعاً این بند اشکال ندارد.

آقای علیزاده - چند تا رأی شد؟

آقای مدرسی یزدی - تعداد رأی‌ها، کم است.

آقای علیزاده - شما رأی نمی‌دهید؟

آقای جنتی - چرا.

آقای هاشمی شاهرودی - چرا؛ حاج آقای جنتی هم رأی می‌دهند.

منشی جلسه - (۷) رأی شد.

آقای اسماعیلی - من هم رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - (۸) تا شد.

آقای اسماعیلی - اشکال ندارد؛ ولی باید بروند و اصلاح کنند.

آقای عزیزاده - می‌گوییم: «تغییر به عمل آمده، علاوه بر اینکه رافع اشکال نیست، بلکه اشکال را بیشتر می‌کند، زیرا جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) پرداخت منابع حاصل از واگذاری‌ها را، برای این موارد، جایز نمی‌داند.»

آقای هاشمی شاهرودی - بله، این اصلاح ابهام را بیشتر می‌کند.

منشی جلسه - «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال باقی است؛ زیرا موارد مصرف، همان است که در جدول شماره (۱۳) آمده است.»

آقای اسماعیلی - حالا چه کار کنیم؟

آقای مؤمن - خب، همین را بنویسید. از کلمه‌ی بعد از عبارت «شماره (۱۳) این قانون» تا آخر، باید حذف شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، باید حذف شود.

آقای عزیزاده - بله، زیرا در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی [مصارف منابع حاصل از واگذاری‌ها مشخص شده است].

آقای مؤمن - از عبارت «و بدهی خود به بخش‌های خصوصی و تعاونی» تا آخر ذیل این بند باید حذف شود.

آقای عزیزاده - بنویسید: پرداخت بدهی‌ها در مواردی که در این تبصره آمده است...

آقای هاشمی شاهرودی - ... بگویید: جدول شماره (۱۳)، شامل پرداخت بدهی‌های دولت به اشخاص نمی‌گردد.

آقای مؤمن - همچنین باید ذیل این بند، بعد از عبارت «و بدهی» تا آخر حذف شود.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، باید حذف شود. از عبارت «و بدهی» تا آخر بند، باید حذف شود.

آقای عزیزاده - ... بنابراین باید عبارت «و بدهی خود» تا آنجا که گفته است «از طریق جدول شماره (۱۸) این قانون پرداخت کند» حذف شود.

آقای اسماعیلی - ما در «هیئت تطبیق مصوبات دولت با قانون»^(۱) در مجلس می‌بینیم

۱. بر اساس اصول (۸۵) و (۱۳۸) قانون اساسی، مصوبات هیئت دولت باید ضمن ابلاغ برای اجرا، به اطلاع رئیس مجلس برسد تا چنانچه رئیس مجلس آنها را برخلاف قوانین بیابد، با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیئت وزیران بفرستد. «هیئت تطبیق مصوبات دولت با قوانین» نهادی است زیر نظر رئیس مجلس شورای اسلامی که پس از بررسی مصوبات هیئت وزیران، نظر خود را مبنی بر مغایرت یا

که در آیین‌نامه‌ها اصلاً یک چیز دیگر دارد [اجرائی می‌شود]. آن وقت ما خیلی راحت همین‌طوری تبصره‌های لایحه‌ی بودجه را می‌خوانیم و از آن رد می‌شویم؛ در حالی که این جدول‌ها مهم است. در طول سال، اصلاً کسی به این تبصره‌ها توجه نمی‌کند. جدول‌ها را می‌آورند و بر اساس آن عمل می‌کنند.

آقای ره‌پیک - بله، اصل بحث بودجه، همین جدول‌ها است. الآن ببینید که در بقیه‌ی تبصره‌ها چه کار کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - بند (۲-۲) نظر شورا را بخوانید.

منشی جلسه - «۲-۲- در بند (د)،^(۱) از آنجا که افزایش سرمایه بانک‌های دولتی و پست بانک ایران مغایر مصارف مذکور در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی است، لذا مغایر بند یک اصل (۱۱۰) قانون اساسی شناخته شد.» در مصوبه‌ی اصلاحی گفته‌اند: «بند (د) تبصره (۲) حذف و منابع و مصارف موضوع این بند در ردیف درآمدی ۳۱۰۸۰۱ جدول شماره (۵)^(۲) و ردیف هزینه‌ای ۱۰۱۰۰۰-۱۰ جدول شماره (۸)^(۳) این قانون لحاظ گردیده است.»

آقای علیزاده - این اصلاحیه اشکال ندارد؟

آقای ره‌پیک - چرا؛ ببینید؛ بند (د) را حذف کرده‌اند؛ ولی وجوه حاصل از واگذاری

→

عدم مغایرت آنها با قوانین به رئیس مجلس اعلام می‌کند و آقای دکتر اسماعیلی از سال ۱۳۹۲ تاکنون ریاست این هیئت را بر عهده دارد.

۱. بند (د) تبصره (۲) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۲- ...»

د- در راستای اجرای تبصره (۲) ماده (۱۶) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، به دولت اجازه داده می‌شود وجوه حاصل از واگذاری باقی‌مانده سهام دولت در بانک‌ها و بیمه‌های مشمول واگذاری را که به تصویب وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران می‌رسد، به افزایش سرمایه بانک‌های دولتی و پست بانک ایران اختصاص دهد.»

۲. جدول شماره (۵) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور، با عنوان «درآمدها، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و واگذاری دارایی‌های مالی بر حسب قسمت، بخش، بند و اجزا.»

۳. جدول شماره (۸) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور، با عنوان «برآورد اعتبارات تملک دارایی‌های دولت.»

سهام دولت را به جای دیگری منتقل کرده‌اند] که عین همان متن قبلی است؛ در واقع متن قبلی را دوباره به شکل دیگری نوشته‌اند؛ چون ردیف درآمدی ۳۱۰۸۰۱ جدول شماره (۵) عنوانش «واگذاری باقیمانده سهام دولت در بانک‌ها و بیمه‌ها» و ردیف هزینه‌ای ۱۰-۱۰۱۰۰۰۰ در جدول شماره (۸) عنوانش «افزایش سرمایه بانک‌های دولتی از محل واگذاری باقیمانده سهام دولت در بانک‌ها و بیمه‌ها» است. عین عبارت آن دو تا جدول را، دوستان ذکر کرده‌اند.

آقای هاشمی شاهرودی - یعنی همان متن قبلی را به شکل دیگری دوباره نوشته‌اند.

آقای رهپیک - بله، الآن بند (د) را حذف کرده‌اند و می‌گویند درآمد این موضوع به ردیف فلان واریز شود و هزینه‌اش هم برای در ردیف فلان هزینه شود. درآمدش ناشی از همان واگذاری باقی‌مانده‌ی سهام بانک‌هاست. هزینه‌اش هم برای افزایش سرمایه‌ی بانک‌های دولتی است. عین همان متن قبلی است.

آقای مدرسی یزدی - چه واگذاری خوبی!

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال ما این بوده است که این مصارف ردیف نداشته است؟

آقای رهپیک - نه، ردیف بوده است. عین همان درآمد و هزینه را با ردیف گفته‌اند که به ما بگویند ما ردیف زده‌ایم.

آقای عزیزاده - بله.

آقای هاشمی شاهرودی - پس اشکال باقی است.

آقای عزیزاده - بگویند اشکال سابق کماکان به قوت خودش باقی است.^(۱)

منشی جلسه - «۳- در تبصره (۳)،^(۲) از آنجا که اطلاق استفاده از تسهیلات خارجی

۱. بند (۲) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۶ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ شورای نگهبان: «۲- در بند (الف) تبصره (۲)، علی‌رغم تغییر به‌عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است... همچنین در بند (د) این تبصره، علی‌رغم اصلاح به‌عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.»

۲. تبصره (۳) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۳- در سال ۱۳۹۵ سقف تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس) علاوه بر باقی‌مانده سهمیه سال‌های قبل، معادل ریالی پنجاه میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار تعیین می‌شود.

دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و بخش‌های خصوصی و تعاونی و نهادهای عمومی غیر دولتی با سپردن تضمین‌های لازم به بانک‌های عامل می‌توانند از تسهیلات

در طول برنامه پنجم توسعه از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام برای پنج سال به تصویب رسیده بود،^(۱) تمدید آن برای یک سال دیگر اشکال دارد. همچنین، بند الحاقی این تبصره از حیث نامشخص بودن محدوده جابه‌جایی اعتبارات ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» در اصلاحیه گفته‌اند: «به ابتدای تبصره (۳)، عبارت «با توجه به تمدید مدت اجرای قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و با رعایت مصوبه شماره ۶۶۶۳۱/۰۱۰۱ مورخ

→

مذکور استفاده کنند. شورای اقتصاد بر اساس مفاد ماده (۸۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵، این تسهیلات را به طرح‌های دارای توجیه فنی، اقتصادی، مالی و زیست‌محیطی با اولویت بخش‌های خصوصی و تعاونی اختصاص می‌دهد. کلیه طرح‌های مصوب که منابع آنها از محل تسهیلات تأمین مالی خارجی (فاینانس) تأمین می‌شود، باید با تأیید دستگاه اجرایی ذی‌ربط، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور دارای توجیه فوق‌الذکر باشد و بازپرداخت اصل و سود منابع هر یک از طرح‌ها صرفاً از محل عایدات طرح در دوران بهره‌برداری و یا منابع پیش‌بینی‌شده طرح در قانون بودجه زمان تصویب طرح و در صورت عدم کفایت از سهم اعتبارات آتی استان محل اجرای طرح قابل پرداخت می‌باشد.

برداشت و پرداخت از محل منابع موجود جمهوری اسلامی ایران نزد کشور تأمین‌کننده تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) ممنوع است. دولت مکلف است تضمین‌های کافی را برای اطمینان از بازپرداخت بخش غیر دولتی اخذ نماید.

ده درصد (۱۰٪) از اعتبارات این تبصره جهت طرح‌های دفاعی شامل صنایع دفاعی و بنیه دفاعی هزینه می‌گردد.

بند الحاقی - به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اجازه داده می‌شود به منظور تأمین پیش‌پرداخت طرح‌هایی که از منابع تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) استفاده می‌کنند، نسبت به جابه‌جایی اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در همان فصل اقدام کند.»

۱. بند الف) ماده (۸۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده ۸۲ -

الف- استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است. سهمیه‌های باقی‌مانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه‌های سوم و چهارم (با رعایت ضوابط اسلامی از جمله تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام) در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.

ب- ...»

۱۳۸۹/۱۰/۲۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام» اضافه شد.»

آقای هاشمی شاهرودی - حالا یک چنین مصوبه‌ای که گفته‌اند، هست؟

آقای رهپیک - نه، این مصوبه برای همان برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم است. اشکال ما این بود که در مورد تمدیدش [= تمدید استفاده از تسهیلات خارجی] هم، مجمع تشخیص مصلحت نظام باید نظر بدهد.

آقای مدرسی یزدی - آخر، تمدید قانون برنامه پنجم، یک مصوبه‌ی دیگر است.

آقای رهپیک - نه، این همان مصوبه‌ی برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم است.

آقای مدرسی یزدی - اسم مصوبه‌ی مجمع تشخیص را که آورده‌اند، ایراد حل شده است؟

آقای رهپیک - اسم آن را آورده‌اند که ایراد حل بشود؛ ولی خب این اصلاح هم رافع اشکال نیست.

منشی جلسه - به جابه‌جایی اعتبار هم، در بند الحاقی ابهام گرفته بودیم.

آقای رهپیک - در متن اصلاحی، چیزی در مورد جابه‌جایی اعتبار نیاورده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - آن بند را حذف کرده‌اند.

آقای رهپیک - نه، معلوم نیست آخر. نوشته‌اند که بند الحاقی حذف شد. این موضوع را نیاورده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ بند الحاقی حذف شده است. در اصلاحیه گفته‌اند: «بند الحاقی تبصره (۳) حذف می‌شود.»

منشی جلسه - بله، گفته‌اند: «بند الحاقی تبصره (۳) حذف می‌شود.»

آقای رهپیک - بله، درست است. بند الحاقی حذف شده است.

آقای سوادکوهی - شورای نگهبان تمدید این قانون برنامه پنجم را تا یک سال^(۱)

۱. قانون اصلاح ماده (۲۳۵) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۱۸ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- ماده (۲۳۵) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده ۲۳۵- قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵ حداکثر تا پایان سال ۱۳۹۵ هجری شمسی تمدید و با تصویب برنامه ششم توسعه و ابلاغ آن، ملغی‌الایر می‌شود.»

تأیید کرد.^(۱)

آقای اسماعیلی - خب بله.

آقای سوادکوهی - مصوبه‌ی مجمع تشخیص گفته است استفاده از تسهیلات خارجی در طول اجرای برنامه‌ی پنجم جایز است.^(۲) ما هم که تمدید قانون برنامه‌ی پنجم را تأیید کردیم.

آقای علیزاده - ما تمدید قانون برنامه را تأیید کردیم. ما مصوبه‌ی مجلس در خصوص تمدید قانون برنامه را تأیید کردیم. این مطلب که اشکال ندارد.

آقای مدرسی یزدی - در طول برنامه‌ی پنجم؛ یعنی وضع قانون اولی برنامه‌ی پنجم.

آقای علیزاده - نه، آن قانون برنامه تمدید شده است. ما هم گفتیم که تمدید آن قانون اشکال ندارد. همان مفاد قانون برنامه را دارند اجرا می‌کنند.

آقای سوادکوهی - بله، ما گفتیم تمدید قانون برنامه اشکال ندارد. الآن هم، همین برنامه لازم‌الاجرا است.

آقای علیزاده - این مطلب اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - خب خود من هم که [در جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت] بودم و به اجازه‌ی استفاده از تسهیلات خارجی رأی دادم، مقصودم اجازه‌ی پنج‌ساله بود.

آقای سوادکوهی - نه، آخر شورای نگهبان به تمدید یک‌ساله‌ی قانون برنامه‌ی پنجم

۱. نظر شماره ۹۴/۱۰۲/۵۹۷۲ مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ شورای نگهبان: «طرح دوفوریتی اصلاح ماده (۲۳۵) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب جلسه مورخ هجدهم اسفندماه یک‌هزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی، در جلسه مورخ ۱۳۹۴/۱۲/۲۴ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت که مغایر با موازین شرع و قانون اساسی شناخته نشد.»

۲. بند (۱) مصوبه‌ی مورخ ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام در خصوص لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴): «۱- ماده (۷۷) مکرر لایحه با اصلاحاتی به شرح ذیل، به عنوان بند (الف) ماده (۷۳) تصویب گردید:

بند الف- استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است. سهمیه‌های باقی‌مانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه‌های سوم و چهارم (با رعایت ضوابط اسلامی از جمله تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام) در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.»

رای داده است.

آقای هاشمی شاهرودی - مجلس قانون برنامه را تمدید کرد؛ در شورای نگهبان هم تأیید شد.

آقای مدرسی یزدی - خب این مسئله چه ربطی به مجمع تشخیص دارد؟

آقای هاشمی شاهرودی - ما تمدید این قانون را تأیید کردیم دیگر.

آقای مدرسی یزدی - مجمع تشخیص گفته است گرفتن تسهیلات مالی خارجی تا آخر برنامه‌ی پنجم؛ یعنی تا پنج سال، مجاز است.

آقای علیزاده - نه، قید «تا پنج سال» نگفته است.

آقای سوادکوهی - بله، گفته است «در طول برنامه‌ی پنجم» این کار مجاز است.

آقای علیزاده - [ماده (۸۲) قانون برنامه‌ی پنجم که به تصویب مجمع رسیده است] گفته است استفاده از تسهیلات خارجی تا آخر برنامه‌ی پنجم مجاز است. برنامه‌ی پنجم هم که یک سال دیگر تمدید شده است.

آقای مدرسی یزدی - متن مصوبه‌ی مجمع را بیاورید.

آقای سوادکوهی - متن این قانون را من گرفتم.

آقای رهپیک - اجازه‌ی استفاده از این تسهیلات، پنج‌ساله است.

آقای سوادکوهی - نه، این قانون گفته است استفاده از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه‌ی پنجم مجاز است.

آقای علیزاده - نه، حالا بگذارید خودشان متن قانون را ببینند تا دوباره اشکال وارد نکنند.

آقای رهپیک - عرض من این است که این تسهیلات پنج‌ساله است.

آقای سوادکوهی - نه، ما تمدید قانون برنامه‌ی پنجم را تأیید کرده‌ایم.

آقای هاشمی شاهرودی - اگر مجلس در مصوبه‌ی خود، قانون برنامه را تمدید کرده است، ما هم آن را تأیید کردیم؛ خب، برنامه‌ی پنجم هم که در حال اجرا است؛ پس اصلاحی که الآن کرده‌اند، درست است.

آقای علیزاده - ببینید؛ آن زمان مجلس آمد و به دولت استفاده از تسهیلات مالی خارجی را اجازه داد. آن ماده نگفته است استفاده از تسهیلات مالی خارجی برای پنج سال مجاز است، بلکه گفته است استفاده از این تسهیلات تا آخر برنامه‌ی پنجم مجاز است.

آقای مؤمن - درست است.

آقای هاشمی شاهرودی - قبول دارم.

آقای علیزاده - این بند به قانون برنامه‌ی پنجم استناد کرده است. قانون برنامه‌ی پنجم، به جای پنج سال، شش ساله شده است. حالا فرض کنید تا پنج سال دیگر هم این قانون تمدید شود. این موضوع، اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، واقع این مسئله این است که اگر برای استفاده از تسهیلات خارجی مجوز نباشد، خوب درست نیست.

آقای رهپیک - ببینید؛ این بحث فاینانس، مشکل شرعی داشت. به استفاده از تسهیلات خارجی، اشکال شرعی گرفته بودیم.^(۱)

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - اشکال شرعی داشت.

آقای مؤمن - خوب، مجمع تشخیص مصلحت گفت که استفاده از این تسهیلات عیبی ندارد.

آقای رهپیک - نه حاج آقا، مجمع در این مورد مجوز خاص داده است.

آقای مؤمن - مجوز خاص برای چه؟

آقای رهپیک - مجمع گفته است استفاده از تسهیلات خارجی تا پایان قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه مجاز است.

آقای علیزاده - آن اجازه، برای ایام اجرای قانون برنامه‌ی پنجم بود.

آقای هاشمی شاهرودی - مجمع تشخیص مصلحت نظام، این اجازه را تا پایان برنامه

۱. بند (۱۷) نظر شماره ۸۹/۳۰/۴۰۷۳۳ مورخ ۱۳۸۹/۹/۱۳ شورای نگهبان در خصوص ماده (۷۷) مکرر لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۹/۲۹ مجلس شورای اسلامی: «۱۷- در ماده (۷۷) مکرر* اطلاق استفاده از سهمیه‌های باقی‌مانده تسهیلات مالی «فاینانس» چون شامل معاملات ربوی نیز می‌شود، خلاف موازین شرع شناخته شد.»

* ماده (۷۷) مکرر لایحه برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰) مصوب ۱۳۸۹/۹/۲۹ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۷ مکرر-

استفاده از تسهیلات مالی خارجی توسط دستگاه‌های اجرایی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است. سهمیه‌های باقی‌مانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه‌های سوم و چهارم در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.»

مجوز داده است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - یعنی این اجازه پنج ساله است.

آقای رهپیک - بله، این مجوز پنج ساله است.

آقای سوادکوهی - نه، ماده (۸۲) قانون برنامه‌ی پنجم گفته است استفاده از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه‌ی پنجم مجاز است.

آقای مدرسی یزدی - خود من در آن جلسه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام بودم و یادم هست که مصوبه‌ی مجمع چه بود.

آقای سوادکوهی - آخر مصوبه‌ی مجمع تشخیص این طور گفته است: «الف - استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است ...»

آقای مدرسی یزدی - یعنی این اجازه تا پنج سال است.

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - نه، این اجازه محدودیت استفاده تا پنج سال را ندارد.

آقای سوادکوهی - آخر شما تمدید قانون برنامه را تأیید کردید و این قانون یک سال دیگر ادامه پیدا کرد.

آقای مدرسی یزدی - خود من در آن جلسه‌ی مجمع تشخیص بودم و در جریان مصوبه‌ی مجمع هستم.

آقای علیزاده - نظر شما در جلسه‌ی مجمع چه چیزی بوده است؟

آقای رهپیک - ماده (۸۲) گفته است این اجازه تا پایان برنامه‌ی پنج ساله‌ی پنجم وجود دارد.

آقای سوادکوهی - آن ماده نگفته است که آن اجازه پنج ساله است؛ گفته است استفاده از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه مجاز است. نگفته است این اجازه پنج ساله است. قطعاً ما هم با ملاحظه‌ی این ماده، تمدید قانون برنامه را تأیید کردیم.

آقای علیزاده - بله، گفته بود این اجازه در طول برنامه‌ی پنجم است. شاید برنامه‌ی پنجم ده سال طول بکشد.

آقای مؤمن - بسیار خوب.

آقای مدرسی یزدی - آن اجازه‌ی تمدید قانون برنامه، ناظر به یک «قضیه‌ی شخصی»^(۱) بوده است.

آقای علیزاده - ببینید؛ ما اینجا دو تا مطلب را رأی می‌گیریم. الآن هر کسی که تبصره (۳) لایحه‌ی بودجه را، خلاف اصل (۱۱۲) می‌داند، رأی بدهد. یک رأی شد. آقایانی که با این وضع، این تبصره را مثل نظر سابق [شورای نگهبان نسبت به ماده (۷۷ مکرر) قانون برنامه‌ی پنجم مصوب ۱۳۸۹/۹/۲۹ مجلس شورای اسلامی] خلاف شرع می‌دانند، رأی بدهند.

آقای مؤمن - بله دیگر.

آقای مدرسی یزدی - اطلاق این بند، خلاف شرع است.

آقای هاشمی شاهرودی - مجمع تشخیص استفاده از تسهیلات مالی خارجی را تأیید کرده است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - نه، تأیید نکرده است.

آقای علیزاده - پس این ایراد رأی نیاورد. جلوتر برویم. تمدید قانون برنامه؛ یعنی اگر این برنامه‌ی پنج‌ساله، (۲۲) ساله هم شد، همان تأیید مجمع، همچنان برقرار است.

آقای مدرسی یزدی - مجمع تشخیص این را نگفته است. مجلس این را گفته است.

آقای علیزاده - خب گفته باشد.

آقای مدرسی یزدی - این تمدید را، مجلس گفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - بالاخره مجلس، قانون برنامه را از نظر زمانی توسعه داده است؛ شورای نگهبان هم آن را، تأیید کرده است.

آقای مدرسی یزدی - تمدید قانون برنامه یک قضیه‌ی شخصی بوده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بحث، این است که ما تمدید آن قانون را تأیید کرده‌ایم. چرا آن را تأیید کرده‌اید؟

آقای مدرسی یزدی - فاینانس در آن قانون تمدید قانون برنامه‌ی پنجم نبوده است.

آقای سوادکوهی - چرا؛ بوده است.

۱. «قضیه‌ای است که موضوع آن جزئی (غیر قابل صدق بر امور متعدد) باشد. مثل: زید کاتب.» (سبزواری، ملاحادی، الشرح المنظومه، تهران، نشر ناب، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۲۴۳)

آقای هاشمی شاهرودی - اصلاً کل برنامه‌ی پنجم تمدید شده است.

آقای علیزاده - آقایان گفتند چون در این (۵) سال، این برنامه اجرا نشده است، یک سال دیگر تمدید شود.

آقای مدرسی یزدی - اشتباه کرده‌اند.

آقای علیزاده - اگر شما می‌خواستید ایراد بگیرید، باید آن موقع ایراد می‌گرفتید و می‌گفتید دارید [یک سال به این مجوز خلاف شرع] اضافه می‌کنید.

آقای سوادکوهی - آخر اجازه‌ی استفاده از تسهیلات مالی خارجی ادامه دارد. به اعتبار تمدید این قانون، آن اجازه ادامه پیدا کرده است.

آقای مدرسی یزدی - آنها که اشتباه کرده‌اند. حالا شما چرا در مرحله‌ی قبل به تبصره (۳) اشکال گرفتید؟

آقای هاشمی شاهرودی - نمی‌دانستیم که این قانون تمدید شده است.

آقای رهپیک - تمدید شدن قانون برنامه را که می‌دانستیم. اشکال همین بود که با اینکه قانون برنامه تمدید شده است؛ ولی آن مجوز استفاده از تسهیلات خارجی خاص است. اشکال این بود؛ لذا اشکال گرفتیم.

منشی جلسه - از اول ایراد ما غلط بوده است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که به هر علت این تبصره را خلاف شرع می‌دانند، بفرمایند.

آقای مدرسی یزدی - بفرمایید.

آقای علیزاده - بسیار خب، حضرات آقایانی که این بند را خلاف قانون اساسی می‌دانند، بگویند. این ایراد رأی نیاورد.

آقای رهپیک - در مرحله‌ی قبل به این بند، ایراد خلاف شرع بودن گرفته بودیم.

آقای مدرسی یزدی - چرا رأی نیاورد؟ من رأی دادم.

آقای علیزاده - رأی کافی نیاورد.

منشی جلسه - [بند (۴) نظر شماره ۹۵/۱۰۰/۴۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۱۲/۱۲ شورای نگهبان: «۴- در بند الحاقی (۲) به تبصره (۵)،^(۱) از آنجا که روشن نیست مقصود از

۱. بند الحاقی (۲) تبصره (۵) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای

دارایی‌ها و اموال دولت چه نوع اموالی است و آیا شامل اموالی مانند انفال نیز می‌گردد یا خیر و همچنین آیا دستگاه‌های اجرایی مورد نظر، شامل نهادهای زیر نظر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی و نیز دستگاه‌های غیر قوه مجریه می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ علاوه بر اینکه مشخص نیست این اموال در آثار انتشار صکوک اسلامی چه نقشی دارند. به علاوه، باید روشن شود آیا وزارت اقتصاد و دارایی به تنهایی اختیار نقل و انتقال و تغییر بهره‌بردار را دارد یا خیر. پس از رفع ابهامات مذکور، اظهار نظر خواهد شد.» در اصلاحیه گفته‌اند: «در بند الحاقی (۲) تبصره (۵)، عبارت «به استثنای انفال و اموال دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری» قبل از عبارت «به منظور انتشار صکوک اسلامی» اضافه می‌شود.»

آقای عزیزاده - ما گفتیم این بند نسبت به قوای دیگر هم ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - ابهام این بند، به صورت کامل رفع نشده است.

آقای رهپیک - بله.

→

اسلامی: «تبصره ۵ - ...

بند الحاقی ۲- به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود به منظور استفاده از دارایی‌های دولت، برای انتشار صکوک اسلامی پیش‌بینی شده در این قانون و ساماندهی و مدیریت دارایی‌ها و اموال در مالکیت دولت و تمرکز اختیارات مربوط به نحوه نقل و انتقال اموال منقول و غیر منقول و سایر دارایی‌های دولت، ضمن اجرای سامانه جامع اطلاعات اموال غیر منقول دستگاه‌های اجرایی (سادا) حسب مورد نسبت به انجام اقدامات مورد نیاز برای مدیریت و استفاده از دارایی‌ها و اموال دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به منظور انتشار صکوک اسلامی نظیر ارزیابی توسط کارشناسان رسمی، شناسایی، تعیین و تغییر بهره‌بردار، واگذاری و هر گونه نقل و انتقال یا فروش اموال مذکور اقدام نماید. کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ در اجرای ماده (۱۳۷) قانون محاسبات عمومی کشور و تبصره (۱۰) ماده (۶۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت، مکلفند ضمن همکاری لازم، حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، نسبت به ثبت کلیه اموال غیر منقول اعم از اراضی، املاک، ساختمان‌ها و فضاهای اداری در اختیار یا تصرف، اعم از اینکه دارای سند مالکیت بوده یا فاقد سند مالکیت باشند، اجاره‌ای یا وقفی یا ملکی و ... در سامانه اقدام نمایند. صدور هر گونه مجوز برای واگذاری حق استفاده، تغییر بهره‌بردار، فروش اموال غیر منقول دولتی بدون ثبت اطلاعات در سامانه مذکور و اخذ کد رهگیری ممنوع می‌باشد.»

آقای هاشمی شاهرودی - نه ابهام به صورت کامل رفع شده است؛ شمول این بند نسبت به قوای دیگر معلوم شده است.

آقای علیزاده - بله، یعنی ابهام در آن هست. بنویسید علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، ابهام سابق همچنان باقی است.

آقای هاشمی شاهرودی - فقط بخش [مربوط به انفال و اموال دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری را اصلاح کرده‌اند] ولی ابهام نسبت به دستگاه‌های دیگر رفع نشده است.

آقای علیزاده - یعنی کل ابهام این بند رفع نشده است.

آقای سوادکوهی - بله، بنا بود که مجلس دستگاه‌های دیگر را هم در استثنا اضافه کند. احتمالاً اشتباه کرده‌اند که نیاورده‌اند.

آقای علیزاده - خب، می‌دانم همه‌ی ابهامات رفع نشده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این بند نسبت به دستگاه‌های دیگر غیر از قوه‌ی مجریه ابهام دارد. دستگاه‌های غیر از قوه‌ی مجریه، مثل قوه‌ی قضائیه است.

آقای سوادکوهی - در این مورد اشتباه کرده‌اند.

آقای علیزاده - بله، بگویید با این اصلاح به عمل آمده، ابهام به طور کلی رفع نشده است.

آقای سوادکوهی - ابهام رفع نشده است.

منشی جلسه - به طور کلی ابهام هست.

آقای مؤمن - نه، ابهام در دستگاه‌های غیر قوه‌ی مجریه رفع نشده است.

آقای علیزاده - بله، تکلیف دستگاه‌های غیر قوه مجریه روشن نشده است. نکته‌ی دوم این است که ابهام قسمت اخیر این بند هم در مورد اینکه خود وزارت اقتصاد و دارایی می‌تواند آن اموال را نقل و انتقال دهد، هنوز باقی است.

آقای مؤمن - بگویید نکته‌ی یک این است که ابهام دستگاه‌های اجرایی رفع نشده است. همچنین ابهام اخیر آن بند در آن قسمت که گفته بودیم «به علاوه، باید روشن شود...»، روشن نشده است.

آقای علیزاده - ابهام مربوط به آثار انتشار صکوک چه شده است؟ به واسطه‌ی همین که این بند گفته است [به وزارت امور اقتصادی و دارایی اجازه داده می‌شود که انجام

اقدامات مورد نیاز را به منظور [انتشار صکوک انجام بدهد، ابهام رفع شده است؟ ما در ایرادمان گفته بودیم که نقش این اموال در آثار انتشار صکوک اسلامی چیست؟ آیا آثارش این است که اگر دولت، سود اوراق را نداد، مردم این اموال را به جای طلبشان بگیرند و به عنوان وثیقه ببرند؟

آقای هاشمی شاهرودی - تکلیف این مسائل را دیگر نگفته‌اند.

آقای علیزاده - بله، ابهام این آثار را هم رفع نکرده است. آخر هیچ چیزی از ابهام این بند رفع نشده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بخشی از ابهام را رفع کرده‌اند.

آقای رهپیک - دو تا از معاون‌های وزارت امور اقتصادی و دارایی برای یک کار دیگری در بودجه و لایحه‌ی احکام دائمی برنامه‌های توسعه پیش ما آمده بودند. من پیش آنها به این موضوع اشاره کردم. گفتم معنای این بند چیست؟ بالاخره صحبتی که اینها کردند، معنایش همین بود که می‌خواهند این اموال را در یک جا جمع کنند و پشتوانه‌ی صکوک بکنند. اگر احیاناً یک موقع لازم شد، از آن اموال استفاده کنند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، اصلاً هدف آنها مشخص است.

آقای سوادکوهی - بله، ما هم در مجلس همین را گفتیم. به خاطر همین، بنا شد دستگاه‌های غیر قوه‌ی مجریه را هم در استثنا اضافه کنند. احتمالاً اشتباهی دستگاه‌های دیگر را نیاورده‌اند؟ چون بنا بود دستگاه‌های تحت نظر قوه‌ی قضائیه و دستگاه‌های غیر قوه‌ی مجریه را هم در استثنا ذکر کنند. اشتباه کرده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - به هر حال، ابهام این بند رفع نشده است.

آقای سوادکوهی - بله، ابهام دارد.

آقای مدرسی یزدی - ابهام به طور کامل رفع نشده است.

آقای علیزاده - فقط ابهام در خصوص انفال و اموال دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری رفع شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، فقط همان ابهام رفع شده است.

آقای علیزاده - در بقیه‌ی موارد، ابهام باقی مانده است.

آقای رهپیک - بقیه‌ی ابهام‌ها باقی مانده است.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای سوادکوهی - این بند، ابهام ندارد دیگر. وقتی این دستگاه‌ها را استثنا می‌کند؛ یعنی بقیه‌ی دستگاه‌ها را شامل می‌شود. اشکال این بند، ابهام این نیست. اشکالش، اشکال است. اشکال باقی است.

آقای هاشمی شاهرودی - خب، اشکال دارد.

منشی جلسه - بله، درست است. اشکال بگیرید. این بند، اشکال دارد.

آقای رهپیک - خب، بقیه‌ی ابهامات هم باقی مانده است. این ابهام، یکی از آن ابهام‌ها بود.

آقای عزیزاده - از اول، همه‌ی موارد ابهام بوده است. یکی از این ابهام‌ها را رفع کرده‌اند؛ ولی بقیه‌ی ابهامات را که روشن نکرده‌اند. با اینکه این دستگاه‌ها را استثنا کرده‌اند؛ ولی آن ابهامات که رفع نشده است.

منشی جلسه - رفع ابهام نشده است.

آقای عزیزاده - حضرات آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، بفرمایند.

آقای سوادکوهی - اشکال این بند، باقی است.

آقای رهپیک - بله، اشکال باقی مانده است.

آقای عزیزاده - پس این ایراد، رأی آورد. از این عبور کنیم.

منشی جلسه - پس این‌طور می‌نویسیم که «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، به جز در خصوص دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری...»

آقای عزیزاده - نه، این‌طور بنویسید: «علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، به استثنای انفال و اموال و دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری، ابهامات کماکان به قوت خودش باقی است.»

آقای مؤمن - بله، ابهامات دیگر باقی است.

منشی جلسه - سایر ابهامات به قوت خودش باقی است.^(۱)

آقای عزیزاده - «۶- در تبصره (۱۴)، اطلاق بند الحاقی (۵)^(۲) نسبت به خانوارهای

۱. بند (۳) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۶ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ شورای نگهبان: «۳- علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در بند الحاقی (۲) به تبصره (۵)، به جز در خصوص انفال و اموال دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، سایر ابهامات مرتفع نگردیده و کماکان به قوت خود باقی است.»

۲. بند الحاقی (۵) تبصره (۱۴) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای

با هر درآمد، تبعیض ناروا و مغایر بند (۹) اصل (۳) قانون اساسی شناخته شد.» در اصلاحیه گفته‌اند: «فراز اول بند الحاقی (۵) تبصره (۴) حذف می‌شود.»

منشی جلسه - «۵- در تبصره (۱۸)،^(۱) از آنجا که اطلاق فروش اموال غیرمنقول، شامل موارد واگذاری اموال دستگاه‌های دولتی می‌شود، از حیث مصرف منابع حاصل از واگذاری، مغایر جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی شناخته شد. همچنین در این تبصره، عبارت «اموال غیرمنقول در اختیار وزارت راه و شهرسازی»، از این جهت که مشخص نیست آیا شامل مواردی غیر از مالکیت اموال مذکور می‌شود یا خیر، ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.» تبصره (۱۸) را به این ترتیب اصلاح کرده‌اند: «تبصره ۱۸- به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۵، اموال غیر منقول دولتی که بهره‌بردار آن وزارت راه و شهرسازی است، به استثنای مصادیق جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را، با رعایت قوانین موضوعه کشور تا سقف معادل پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به فروش رسانده و درآمد حاصله را جهت افزایش سرمایه بانک مسکن اختصاص دهد.»

→

اسلامی: «تبصره ۱۴- در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۵ منابع مالی حاصل از اصلاح قیمت کالاها و خدمات موضوع قانون مذکور تا مبلغ چهارصد و هشتاد هزار میلیارد (۴۸۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و ردیف‌های یارانه‌ای این قانون با استفاده از انواع روش‌های پرداخت نقدی و غیرنقدی به خانوارهای هدف و نیازمند، توزیع و همچنین برای ارائه خدمات حمایتی و کمک به بخش تولید اقدام نماید.

بند الحاقی ۱- ...

بند الحاقی ۵- خانوارهایی که تعداد فرزندان تحت تکفل آنها پنج نفر و بیشتر باشند، از شمول این تبصره خارج بوده و با هر درآمدی با تقاضای آنها از یارانه برخوردار هستند.

دولت موظف است در تشخیص خانوارهای سه دهک اول درآمدی، تعداد جمعیت خانوار را مورد توجه قرار دهد.»

۱. تبصره (۱۸) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۱۸- به دولت اجازه داده می‌شود نسبت به فروش اموال غیر منقول در اختیار وزارت راه و شهرسازی تا سقف معادل پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در سال ۱۳۹۵ اقدام کند و درآمد حاصله را جهت افزایش سرمایه بانک مسکن اختصاص دهد.»

آقای رهپیک - باز دوباره این استثنا [مثل استثنای مذکور در بند (الف) تبصره (۲)] غلط است.

آقای علیزاده - بله، اینجا باید بگویند این اموال را به فروش برساند و آنچه را که جزء مصارف جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی است، به همانجا اختصاص بدهد؛ ولی این عبارت که الآن می‌گوید «به استثنای مصادیق جزء (۲) بند (د)» غلط است.

آقای رهپیک - دوباره مثل همان مورد قبلی است که جای استثنا و مستثنایم عوض شده بود.

آقای علیزاده - عبارت اصلاحی را ببینید. «تبصره ۱۸- به دولت اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۵، اموال غیر منقول دولتی که بهره‌بردار آن وزارت راه و شهرسازی است، به استثنای... به فروش رسانده...» نباید بگوید «به فروش رسانده»، باید بگوید: به فروش برساند.

آقای رهپیک - ... و در همان جهتی که در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی گفته شده است، مصرف کند.

آقای سلیمی - این عبارت که درست است. چه عیبی دارد؟

آقای رهپیک - این استثنا، عین همان استثنای قبلی است دیگر.

آقای سلیمی - گفته است دولت می‌تواند مواردی غیر از آنهایی که دارای مصرف خاص است را، به فروش برساند. اینکه اشکالی ندارد. می‌گوید درآمدهایی که مشمول جزء (۲) است را، به این مصرف نرسان، نه اینکه اصلاً چیزی را نفروشند.

آقای علیزاده - آخر جزء (۲) در مورد...

آقای رهپیک - ...مصارف مربوط به واگذاری سهام شرکت‌های دولتی است.

آقای سلیمی - عیبی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - خب، اینجا به جای اینکه منابع را استثنا کند، مصارف را استثنا کرده است.

آقای علیزاده - بله، اینجا مصارف را استثنا کرده است.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای رهپیک - نه، اصلاً شما عبارت اصلاحی را بخوانید.

آقای علیزاده - عبارت غلط است دیگر.

آقای مدرسی یزدی - بله، با این عبارت، معافیت [مصارف منابع حاصل از واگذاری سهام شرکت‌های دولتی] مقصودتان نیست.

آقای مؤمن - اینجا منابع را استثنا کرده است.

آقای علیزاده - جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی، مربوط به مصارف منابع حاصل از واگذاری است.

آقای رهپیک - حاج آقا ببینید؛ این متن عیناً مثل آن جدول (۱۸) [موضوع بند (الف) تبصره (۲) این مصوبه] می‌ماند.

آقای مدرسی یزدی - نه، این فرق دارد. این بند، غلط‌تر است.

آقای رهپیک - اینجا دوباره دارد می‌گوید اموال غیرمنقول دولتی را بفروشید و منابع حاصل از آن را برای افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن اختصاص بدهید.

آقای سلیمی - نه، می‌گوید آنهایی که برای خودش محل مصرف دارد، در همان موارد مصرف کند؛ غیر از آنها را می‌گوید به افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن اختصاص بدهید.

آقای مدرسی یزدی - حالا می‌خواسته همین معنا را بگوید.

آقای علیزاده - نه، آخر عبارتش غلط است. پس باید بگوییم نیاز به اصلاح عبارتی دارد.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای علیزاده - باید بگوید که آن اموال را بفروشد و آنهایی را که مصرفش برای غیر از موارد مذکور در جزء (۲) بند (د) است، به افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن اختصاص بدهد. باید این‌طوری بگوید.

آقای رهپیک - ببینید؛ اصلاً مجلس همین را می‌خواسته بگوید که این درآمدها را به افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن اختصاص بدهند. دوباره همین حرف را در این اصلاحیه آورده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - عیبی ندارد.

آقای رهپیک - ولی نمی‌توانند منابع حاصل از واگذاری را به بانک مسکن بدهند.

آقای مدرسی یزدی - نه، اموال غیر از [جزء (۲) بند (د) را گفته است].

آقای علیزاده - ببینید؛ نظرم را این‌طور بنویسیم: «عبارت این تبصره به نحوی که اصلاح شده است، اشکال دارد. باید به این صورت اصلاح شود که وزارت راه و

شهرسازی اموال مذکور را به فروش برساند. بعد آنهایی را که مصارف در جزء (۲) بند (د) آمده است، به آن مصرف برساند. غیر از آنها را برای افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن بگذارد.»

آقای رهپیک - ببینید؛ اشکال ما این بود که افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن جزء مصارف این درآمدها نیست. دوباره همان مطلب را در این اصلاحیه آورده‌اند. ما گفته بودیم که اطلاق فروش اموال غیرمنقول دولتی، شامل «واگذاری» اموال دولتی هم می‌شود. متن اصلاحی هم دارد حرف ما را تأیید می‌کند.

آقای یزدی - درست است.

آقای رهپیک - غلط است.

آقای مدرسی یزدی - من به این ایراد رأی می‌دهم که عبارت فعلی ایراد دارد؛ ولی ظاهراً مقصودشان معلوم است.

آقای علیزاده - نه.

آقای رهپیک - اصلاً این تبصره غلط است. حکم آن برعکس است. اینجا مطلب را برعکس گفته است.

آقای اسماعیلی - آقایان به اشکال رأی می‌دهند؟

آقای ابراهیمیان - در سیاست‌های کلی فقط درآمدهای ناشی از واگذاری بنگاه‌ها را گفته بود یا منابع حاصل از فروش اموال دولتی را هم گفته است؟ هر دو تا را گفته است یا نه؟ اگر فقط منابع حاصل از واگذاری بنگاه‌ها را بگوئید، نسبتش با منابع حاصل از واگذاری اموال غیرمنقول فرق می‌کند؛ چون یک وقتی ممکن است بخواهند یک مال غیرمنقولی را بفروشند و در عین حال آن مال، یک بنگاه اقتصادی نباشد.

آقای مدرسی یزدی - بله، من از این جهت عرض می‌کنم [که معلوم نیست این متن ایراد داشته باشد].

آقای رهپیک - نه، در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴)، هم اموال هست، هم سهم‌الشرکه است. همه‌ی اینها گفته شده است.

آقای ابراهیمیان - خب، این موارد با هم فرق می‌کند.

آقای مدرسی یزدی - حالا عیبی ندارد. به هر حال، عبارت فعلی، غلط است.

آقای علیزاده - ببینید؛ اگر آن سیاست‌های کلی را در این بند نمی‌آوردند، ما می‌گفتیم

منظورشان بنگاه‌ها نیست؛ ولی حالا که آن را آورده‌اند، معلوم است که مقصودشان بنگاه‌ها هم هست.

آقای رهپیک - اصلاً اموال مشمول واگذاری، باید به آن مصارف برسد.

آقای علیزاده - بله، حضرات آقایان، ببینید؛ این تبصره اشکال عبارتی دارد. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند.

آقای رهپیک - اشکال ماهوی هم دارد.

آقای علیزاده - بله، ایراد ماهوی دارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر آن طوری که شما می‌گویید، معنا بکنیم، بله، اشکال ماهوی هم دارد.

آقای رهپیک - حاج آقا، این تبصره دارد می‌گوید از محل فروش آن اموال، سرمایه‌ی بانک مسکن را افزایش بدهیم. اصلاً اشکال ما همین بود.

آقای علیزاده - بنابراین عبارت باید به نحوی اصلاح شود که از درآمد حاصل از اموالی که به فروش می‌رسد، آنچه که جزء مصادیق جزء (۲) بند (د) است، باید به همان مصارف برسد و بقیه را برای این کار در نظر بگیرند.

آقای اسماعیلی - باید روشن بشود که اموال مشمول واگذاری، برای بانک مسکن نیست.

آقای رهپیک - باید افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن را از اینجا بردارند و آن را حذف کنند.

آقای اسماعیلی - بله.

آقای مدرسی یزدی - اگر از مصادیق مصارف اصل (۴۴) باشد که، نمی‌فروشند.

آقای ابراهیمیان - البته این طوری هم درست درمی‌آید؛ چون جزء (۲) بند (د) سیاست‌ها کلی، هم‌اکنون بحث واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی است.

آقای علیزاده - آقایانی که رأی دادند چه کسانی بودند؟ یک بار دیگر رأی بدهید. بسیار خوب، این ایراد رأی آورد.

آقای سوادکوهی - ما به ایراد متنی عبارت این تبصره رأی دادیم.

آقای علیزاده - بله، رأی‌گیری برای همین ایراد بود دیگر.

آقای اسماعیلی - عیبی ندارد. مشکلی نیست؛ حالا متن آن را درست می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - حالا عیبی ندارد. وقتی مقصود درست بشود، ایرادی نیست. برویم.

آقای علیزاده - بله، درست است. این تبصره، به این نحو، اشکال دارد دیگر.

آقای رهپیک - اشکال دوم هم باقی است. دو تا اشکال به این تبصره وارد بود. اشکال دوم این بود که گفته بودیم آیا عبارت «اموال غیرمنقول در اختیار وزارت راه و شهرسازی» شامل مواردی غیر از مالکیت اموال مذکور می‌شود یا نه؟

آقای علیزاده - شامل غیر از اموال مذکور می‌شود؛ یعنی چه؟

آقای سلیمی - یعنی آنهایی را که دولت در اختیار خود وزارتخانه گذاشته است.

آقای مؤمن - اینجا مالکیت را گفته است دیگر.

آقای رهپیک - نه، اتفاقاً الآن متن را بدتر کرده‌اند. این طوری که شده است، بیشتر اشکال وارد می‌شود.

آقای شب‌زنده‌دار - نه، اگر وزارت راه مالک اموال نباشد، نمی‌تواند کاری کند؛ چون این تبصره گفته است قوانین موضوعه‌ی کشور رعایت شود.

آقای رهپیک - نه، موضوع این تبصره، اموال غیرمنقول دولتی است که بهره‌بردار آن وزارت راه و شهرسازی است.

آقای سلیمی - یعنی هم آن اموال، اموال دولتی باشد و هم بهره‌بردار آن وزارت راه و شهرسازی باشد. آن بند قید کرده است که آن اموال، دولتی باشد؛ یعنی آن اموال، اموال مردم نیست و اموال دولتی صرف است. یک شرط دیگر آن هم این است که وزارت راه، بهره‌بردار آن اموال باشد.

آقای رهپیک - نه، این اموال قطعاً دولتی است. آن مسئله که روشن است. اشکال به این نبود که ممکن است این اموال، اموال مردم باشد. اشکال این بود که آیا این اموال شامل مواردی می‌شود که در ملکیت خود وزارتخانه نیست و تنها به آن وزارتخانه اجازه‌ی بهره‌برداری از آن اموال را داده‌اند یا نه.

آقای ابراهیمیان - وزارتخانه که مالک نیست. مالک، دولت جمهوری اسلامی است. عیبی ندارد.

آقای شب‌زنده‌دار - خوب قید رعایت قوانین موضوعه را که آورده‌اند.

آقای علیزاده - نه، بگذارید من یک توضیح بدهم. همه‌ی اموال دولتی، برای دولت

جمهوری اسلامی، به معنای حکومت جمهوری اسلامی است. بعد، وزارتخانه‌ها را به عنوان بهره‌بردار تعیین می‌کنند؛ یعنی مثلاً به وزارت راه و شهرسازی می‌گویند این ساختمان برای دولت است؛ ولی شما استفاده‌کننده از آن هستی.

آقای اسماعیلی - بله، وزارتخانه‌ها بهره‌بردار آن اموال هستند.

آقای سوادکوهی - در سند آن ملک، این نکته را ذکر می‌کنند.

آقای علیزاده - بله، در سند ملک این را ذکر می‌کنند. این به معنای این است که این ملک، برای وزارت راه و شهرسازی است؛ نه اینکه مثلاً از آنچه که اوقاف است یا مثل آن است، به این وزارتخانه بدهند. ما در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بوده‌ایم و این موارد را دیده‌ایم دیگر. اصل سند را به یک جایی در وزارت امور اقتصادی و دارایی می‌برند و آن را به نام دولت جمهوری اسلامی صادر می‌کنند؛ ولی دستگاه بهره‌بردار را فلان وزارتخانه قرار می‌دهند.

آقای شبزنده‌دار - مثلاً وزارت راه و شهرسازی.

آقای رهپیک - الان بعضی دستگاه‌ها مثل شورای نگهبان قانون خاص دارند که اگر از محل بودجه‌ی خودشان چیزی خریدند، سند به نام خودشان بخورد.^(۱)

آقای علیزاده - خب، به نام خودشان بزنند.

آقای رهپیک - در این صورت، [وزارتخانه‌ها نسبت به آن اموال] بهره‌بردار نیستند دیگر.

آقای علیزاده - موضوع این تبصره که آن قبیل اموال نیست. موضوع آن، این اموال غیرمنقول دولتی است.

آقای رهپیک - بله، معلوم است که آن اموال، دولتی است.

آقای سلیمی - یعنی آن اموال، اموال دولتی است؛ اما بهره‌بردار از آنها این وزارتخانه‌ها هستند.

آقای علیزاده - بهره‌بردار از این اموال این وزارتخانه است. ما که اموال شورای نگهبان را نمی‌دهیم تا وزارت راه و شهرسازی از آن استفاده کند یا از آن بهره‌برداری کند. در

۱. ماده (۸) قانون مقررات مالی شورای نگهبان مصوب ۱۳۶۲/۷/۱۰ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۸- کلیه اموال و تأسیساتی که از محل اعتبارات موضوع این قانون خریداری و یا ایجاد می‌شود، جزو اموال شورای نگهبان محسوب می‌گردد.»

سند اموال شورای نگهبان نوشته شده است که هم مالک آن شورای نگهبان است و هم بهره‌بردار آن.

آقای سلیمی - متن اصلاحی، قید قوانین موضوعه‌ی کشور را هم آورده است.

آقای مدرسی یزدی - خب، اگر مقصود این تبصره، دولت به معنای اخص آن باشد، عیبی ندارد؛ ولی اگر به معنای اعم باشد، دوباره مشکل دارد.

آقای علیزاده - نه، اینها را برای یک هیئتی در وزارت اقتصاد و امور دارایی می‌برند، وقتی برای آنها ثابت شد که این اموال برای دولت است، می‌گویند سند این ملک به نام دولت است؛ ولی بهره‌بردارش مثلاً وزارت دادگستری است. این تبصره شامل آن اموالی که هم سند به نام آن دستگاه است و هم بهره‌بردار خود آن دستگاه است، نمی‌شود. این تبصره مربوط به موردی است که مالی برای دولت است و بهره‌برداری از آن را هم، به آن نهاد داده‌اند. اشکال حل شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال حل شده است؛ چون قید «بهره‌بردار» را هم آورده است.

آقای رهپیک - نه، اشکال اصلی این تبصره که باقی بود. ما به این تبصره دو اشکال گرفته بودیم.

آقای علیزاده - آن مورد اول را که اشکال گرفتیم.

آقای رهپیک - این اشکالی که می‌گویید حل شده است، اشکال دوم بود؛ ولی باز این تبصره، اشکال مغایرت با سیاست‌های کلی را دارد.

آقای علیزاده - ایراد اول به این تبصره مثل همان متن سابق، وارد است؛ اما این قسمت از تبصره دیگر اشکال ندارد. حضرات آقایانی که می‌گویند این قسمت مربوط به اموال دولتی که وزارت راه و شهرسازی بهره‌بردار آن است اشکال دارد، بفرمایند. اگر اشکال دارد، آقایان رأی بدهند.

آقای مؤمن - این بند اشکال ندارد.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال ندارد.

آقای علیزاده - اشکال ندارد؛ برویم.

آقای علیزاده - آن ایراد قسمت اول تبصره (۱۸) را نوشتید؟

منشی جلسه - بله، این‌طور نوشتیم: «عبارت این تبصره به نحوی که اصلاح شده است،

اشکال دارد. باید به نحوی اصلاح گردد که اموالی که به فروش می‌رود، چنانچه از مصادیق جزء (۲) بند (د) است، مصرف آنها باید مطابق با جزء (۲) بند (د) در محل خود باشد و بقیه در این محل هزینه شود.»

آقای علیزاده - بله، حالا متن ایراد را درست می‌کنیم. محل مصرف اموال مشمول و اگذاری، مصارف مذکور در جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) است. بقیه‌ی درآمد‌ها را می‌توانند به افزایش سرمایه‌ی بانک مسکن اختصاص بدهند.

منشی جلسه - [بند (۷) نظر شماره ۹۵/۱۰۰/۴۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۲ شورای نگهبان: «۷- تبصره‌های الحاقی (۹)، (۱۲)، (۱۵) و (۱۷)^(۱) از حیث نامشخص بودن سقف و ردیف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شدند.»

آقای مؤمن - این ایراد، از آنهایی است که نمی‌شود آن را درست کرد.

۱. تبصره‌های الحاقی (۹)، (۱۲)، (۱۵) و (۱۷) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره الحاقی ۹- کلیه افراد شصت و پنج سال سن و بالاتر عضو صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر که حداقل ده سال سهم بیمه اجتماعی خود را پرداخت نموده‌اند، می‌توانند باقی‌مانده آن، تا سقف پانزده سال را به نرخ روز و یکجا پرداخت نموده و مشمول بازنشستگی شوند. تبصره الحاقی ۱۲- به منظور تأمین بار مالی طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۸) و پرداخت مابه‌التفاوت حقوق سنوات ارفاقی در برقراری مستمری بازنشستگان پیش از موعد (مصوب ۱۳۸۶/۶/۵) مشمولان سازمان تأمین اجتماعی، طبق میانگین حقوق مبنای تعیین حق بیمه پرداختی دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی، دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیر دولتی مکلفند اعتبار مورد نیاز را از محل اعتبارات هزینه‌ای مصوب دستگاه‌ها و یا با استفاده از منابع مالی خود برای تأمین هزینه مابه‌التفاوت حقوق سنوات ارفاقی به سازمان تأمین اجتماعی منظور و پرداخت نمایند.

تبصره الحاقی ۱۵- دولت مکلف است از محل اعتبارات بنیاد شهید و امور ایثارگران به جانبازان و آزادگان غیر حالت اشتغال معسر فاقد درآمد که بر اساس قوانین نیروهای مسلح مشمول دریافت حقوق و وظیفه نمی‌باشند تا زمانی که فاقد شغل و درآمد باشند، ماهانه کمک معیشت معادل حقوق کارکنان دولت پرداخت کند.

تبصره الحاقی ۱۷- بنیاد شهید و امور ایثارگران مکلف است از محل اعتبارات خود با تشخیص کمیسیون پزشکی بنیاد و یا مراجع قانونی ذی‌ربط، حسب مورد به والدین و همسران شهدا که به دلیل کهولت سن و یا بیماری صعب‌العلاج نیاز به نگهداری دارند، در صورتی که در میان خانواده، فرد یا افرادی از آنها نگهداری کنند، نسبت به پرداخت حق نگهداری به میزان سی درصد (۳۰٪) حداقل حقوق کارکنان دولت اقدام کند.»

آقای علیزاده - تبصره‌ی الحاقی (۹) را این‌طور اصلاح کرده‌اند: «تبصره الحاقی ۹- کلیه افراد شصت و پنج سال سن و بالاتر عضو صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر که حداقل ده سال سهم بیمه اجتماعی خود را پرداخت نموده‌اند، می‌توانند باقی‌مانده کل پرداخت‌ها را تا سقف پانزده سال، به نرخ روز و یک‌جا پرداخت نموده و مشمول بازنشستگی شوند.»

منشی جلسه - انتهای متن اصلاحی توضیح داده‌اند و گفته‌اند: «توضیح: (چون منابع و مصارف این صندوق در بودجه عمومی دولت منعکس نمی‌شود، نمی‌توان سقفی برای آن در نظر گرفت.)»

آقای ره‌پیک - پس برای چه این تبصره را در بودجه آورده‌اند؟

آقای سلیمی - نباید آن را در بودجه می‌آوردند.

آقای مدرسی یزدی - نه، حالا مانعی ندارد که آن را در بودجه آورده‌اند. این تبصره، اشکال دیگری دارد.

آقای علیزاده - متن اصلاحی می‌گوید: «تبصره الحاقی ۹- کلیه افراد شصت و پنج سال سن و بالاتر عضو صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر که حداقل ده سال سهم بیمه اجتماعی خود را پرداخت نموده‌اند، می‌توانند باقی‌مانده کل پرداخت‌ها را تا سقف پانزده سال به نرخ روز و یک‌جا پرداخت نموده و مشمول بازنشستگی شوند.» این، یک حکم غیربودجه‌ای است.

آقای مدرسی یزدی - مغایر اصل (۷۵) هم می‌شود.

آقای علیزاده - نسبت به مصوبه‌ی بودجه که ایراد اصل (۷۵) نمی‌گیریم.

آقای مدرسی یزدی - بله؛ ولی وقتی یک حکم غیربودجه‌ای در بودجه آمد، ایراد اصل (۷۵) دارد دیگر.

آقای ره‌پیک - ببینید؛ اشکال تبصره‌های الحاقی (۹) و (۱۲) چه بود؟ مفاد این دو تبصره قبلاً طرح یا لایحه بوده است.^(۱)

۱. طرح بازنشسته کردن کسانی که در سن بازنشستگی بوده و هنوز حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر پرداخت نمی‌نمایند مصوب ۱۳۹۳/۴/۱۵ مجلس شورای اسلامی: «ماده واحده- دولت مکلف است کلیه روستاییان و عشایری را که در سن بازنشستگی بوده و تحت پوشش بیمه صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر می‌باشند در صورت تقاضای آنان و داشتن سابقه پرداخت حق بیمه

آقای علیزاده - ببینید؛ الآن باید این ایراد را به این تبصره بگیریم که این تبصره ماهیت بودجه‌ای ندارد. بنابراین، خلاف اصل (۵۲) است.

آقای ابراهیمیان - این ایراد بهتر است.

آقای سلیمی - الآن که دیگر در بودجه آمده است.

آقای رهپیک - اشکال قبلی ما که مغایرت با اصل (۵۳) بود؛ ولی با این توضیحی که الآن در انتهای متن اصلاحی گذاشته‌اند...

آقای علیزاده - ...با این توضیحی که الآن داده‌اند، معلوم شد که این حکم، ماهیت بودجه‌ای ندارد. با این توضیح، معلوم شد این تبصره دیگر ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای مدرسی یزدی - قبلاً این موضوع را تفسیر کرده‌ایم که احکام مندرج در قانون بودجه باید ماهیت بودجه‌ای داشته باشد یا نه؟

→

اجتماعی روستاییان و عشایر به مدت نه سال، بازنشسته نموده و متناسب با آن حقوق بازنشستگی آنان پرداخت نماید.

تبصره ۱- در صورتی که افراد مذکور کمتر از نه سال حق بیمه پرداخت کرده باشند، می‌توانند با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه سنوات به صورت یکجا و کامل (سهم خود و سهم دولت) و به قیمت روز، بازنشسته شوند.

تبصره ۲- شرط سنی برای بیمه‌گذاران جدید به حداکثر پنجاه سال تغییر می‌یابد.

تبصره ۳- فرزندان و همسر (همسران) بیمه‌شده متوفی که زیر نه سال سابقه دارد با پرداخت مابه‌التفاوت حق بیمه تا نه سال به نرخ سال جاری از مستری و امتیازات بازنشستگی برخوردار می‌شوند.

تبصره ۴- حقوق افراد بازنشسته از محل منابع صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر تامین خواهد شد.»

ماده واحده طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان مصوب ۱۳۹۳/۸/۱۸ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده واحده- سازمان تأمین اجتماعی موظف است نسبت به برقراری حقوق بازنشستگان پیش از موعد مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت (مصوب ۱۳۸۶/۶/۵) بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی، از تاریخ بازنشستگی آنان اقدام کند؛ به نحوی که در شرایط برابر، پرداختی به این اشخاص از بازنشستگانی که همزمان با آنان با سی سال سابقه بیمه‌پردازی بازنشسته شده‌اند، بیشتر نگردد.

بار مالی این قانون از محل وجوه دریافتی موضوع تبصره (۱) و (۲) قانون مذکور تأمین می‌شود.»

آقای عزیززاده - نه؛ ولی رویه‌ی ما همین است.^(۱)

آقای ره‌بیک - بله، رویه‌ی ما این است.

آقای مدرسی یزدی - بسیار خوب؛ ولی ما ده‌ها بار آمده‌ایم و در لوائح بودجه، تبصره‌هایی را که ماهیت غیر بودجه‌ای داشته است، تأیید کرده‌ایم. ده‌ها بار هم رویه‌ی عکس آنچه که شما می‌گویید را داشته‌ایم.^(۲)

۱. شورای نگهبان در موارد متعددی نسبت به درج احکام غیربودجه‌ای در قانون بودجه ایراد مغایرت با اصل (۵۲) وارد کرده است. به عنوان نمونه می‌توان به بند (۱۵) نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۳۸۵۰ مورخ ۱۳۹۳/۱۲/۱۹ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۴ کل کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۱۲ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که در آن آمده است: «۱۵- همان‌طور که هر ساله به استحضار عالی رسید، در بودجه کل کشور مواردی که فاقد ماهیت بودجه‌ای است، منظور می‌گردد که همواره از طرف این شورا مورد اشکال قرار گرفته است. اگرچه با تصویب قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مقداری از این اشکالات رفع گردیده؛ اما به لحاظ طرح بودن مصوبه مرقوم کل اشکال مربوطه مرتفع نشده است؛ شایسته است دولت و مجلس محترم ترتیبی اتخاذ نمایند تا موارد مذکور به صورت لایحه قانونی مورد بررسی و تصویب قرار گیرند.» برای آگاهی از سایر نظرات شورای نگهبان در این خصوص، بنگرید به: فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم، «اصول قانون اساسی در پرتو نظرات شورای نگهبان (۱۳۹۴-۱۳۵۹)»؛ جلد اول (اصول ۱ تا ۵۵ قانون اساسی)، تهران، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۴، ذیل اصل (۵۲)، صص ۶۳۰-۵۱۶.

۲. شورای نگهبان در مواردی، احکامی که ماهیت غیربودجه‌ای به مفهوم غیریکساله داشته است را در قوانین بودجه‌ی سال‌های مختلف تأیید کرده است. به عنوان نمونه می‌توان به بند (۱۲۴) قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۰/۲/۱۹ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد که به موجب آن مقرر شده است: «۱۲۴- در تبصره (۵) قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالانتر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ بعد از عبارت «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» عبارت «و مبناء و مبدأ پرداخت حقوق از کارافتادگی جانبازان حالت اشتغال، تاریخ صدور رأی از کارافتادگی کلی توسط کمیسیون پزشکی بنیاد» اضافه می‌شود.» همین مفاد در بند (۶۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰ مجلس شورای اسلامی نیز آمده و طی آن مقرر شده است: «۶۸- در تبصره (۵) قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالانتر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ بعد از عبارت «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» عبارت «و مبناء و مبدأ پرداخت حقوق از کارافتادگی جانبازان حالت اشتغال، تاریخ صدور رأی از کارافتادگی کلی توسط کمیسیون پزشکی بنیاد» اضافه می‌شود. حکم این بند به کلیه جانبازانی که در سنوات قبل نیز از کارافتاده تلقی شده‌اند، تسری می‌یابد.» با وجود این، باید توجه داشت که معمولاً این تبصره‌ها در قوانین بودجه، با یک ماده کلی که در قانون بودجه‌ی هر سال تکرار می‌شود و طی آن، اجرای تبصره‌ها را صرفاً در بازه‌ی یکساله‌ی اجرای قانون بودجه نافذ می‌داند، مقید شده است.

آقای ابراهیمیان - حاج آقا، به هر حال این کار مشکل دارد دیگر.

آقای مدرسی یزدی - بله.

آقای رهپیک - بله.

آقای علیزاده - با این وضعی که خودش گفته است من نمی‌توانم ردیف تعیین کنم، [معلوم است که این تبصره، بودجه‌ای نیست]. بعد هم اینکه این تبصره به صورت یک‌ساله برای دولت ایجاد تکلیف نمی‌کند؛ بلکه وقتی امسال تصویب شد، تا قیامت باید این امتیاز را به آنها پرداخت کند. حضرات آقایانی که این نظریه را قبول دارند، رأی بدهند.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید. واقعاً رویه‌ی ما این بوده است که تبصره‌های غیربودجه‌ای را هم در بودجه تأیید می‌کرده‌ایم.

آقای مؤمن - نه.

آقای هاشمی شاهرودی - حداقل شکلش را به صورت بودجه‌ای تبدیل می‌کردند.

آقای علیزاده - بله، حداقل شکل آن را بودجه‌ای می‌کردند.

آقای هاشمی شاهرودی - این کار را هم نکرده‌اند. ردیفی برای آن معین نکرده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - نه، اجازه بدهید؛ مثلاً در بودجه می‌گویند که مساجد از بعضی هزینه‌ها معافند.

آقای علیزاده - نه، در مصوبه‌ی بودجه می‌گویند مساجد امسال معافند.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، می‌گویند امسال معافند.

آقای مدرسی یزدی - بسیار خب؛ ولی آخر این مصوبه گفته است تمام آنچه که اینجا گفته شده، برای یک سال است.

آقای هاشمی شاهرودی - این‌طور نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - چرا؛ این مصوبه این مطلب را گفته است دیگر.

آقای علیزاده - بر اساس این تبصره، فرد می‌رود و مشمول بازنشستگی می‌شود دیگر و تا قیامت حقوق بازنشستگی می‌گیرد. این با آن مثال مسجد فرق دارد. اینکه گاهی می‌گویند برخی هزینه‌ها را امسال از مسجد نگیرید، با این چیزی که اینجا گفته‌اند، فرق دارد.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید. بعضی چیزهای دیگر هم در سال‌های قبل بوده

است. به هر حال، ما نظیر این موارد را قبلاً هم داشته‌ایم؛ مثلاً قانون بودجه گفته بود که عشایر را بیمه بکنید یا به این افراد مبلغی پرداخت بکنید.^(۱)

آقای عزیزاده - نه، ما همیشه به آن مسائل ایراد می‌گیریم.

آقای مدرسی یزدی - نخیر، چنین مواردی بوده است. این موارد سال قبل بوده است. بیشتر از این هم بوده است؛ ولی این تبصره‌ها ایراد دیگری دارد. آن ایراد این است که وقتی تبصره‌های غیر بودجه‌ای را داخل بودجه بیاورند، اگر هزینه‌ای ایجاد بکند، باید منبع آن را هم مشخص کنند. پس باید اصل (۷۵) در این موارد رعایت شود. اینجا نمی‌شود بگویند چون این حکم در قانون بودجه آمده است، [دیگر نمی‌شود ایراد اصل (۷۵) به آن گرفت].

آقای عزیزاده - ما می‌گوییم اصلاً نمی‌توانند تبصره‌ی غیر بودجه‌ای را در بودجه بیاورند. چرا بیاییم و ایراد مغایرت با اصل (۷۵) بگیریم و به آنها بگوییم منبع تعیین کنید؟! آن ایراد را بگیریم، مسئله تمام می‌شود دیگر. حالا ما برای هر دو نظر رأی می‌گیریم.

آقای هاشمی شاهرودی - هر دو را رأی بگیرید.

آقای مدرسی یزدی - اجازه بدهید توضیح بدهیم تا معلوم بشود.

آقای عزیزاده - برای ما روشن است.

آقای ابراهیمیان - اگر ایراد اولی [که اساساً نمی‌شود چنین مواردی را در بودجه آورد]، رأی آورد، نوبت به ایراد دومی [که منبعی برای این کار تعیین نکرده‌اند]، نمی‌رسد.

آقای هاشمی شاهرودی - بله.

آقای عزیزاده - چون که (۱۰۰) آمد، (۹۰) هم پیش ماست. حضرات آقایانی که با این توضیحی که مجلس داده است و با همین وضع، ماهیت این تبصره را غیر بودجه‌ای و

۱. بند (ط) تبصره (۹) قانون بودجه سال ۱۳۹۴ مصوب ۱۳۹۳/۱۲/۲۴ مجلس شورای اسلامی: «تبصره ۹ - ...»

ط - کلیه افرادی که حق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر را پرداخت نموده‌اند، در صورتی که در روستا و شهر دیگری نیز ساکن باشند، می‌توانند از مزایای این قانون در سال ۱۳۹۴ استفاده نمایند. این حکم شامل افرادی است که در طول ایام اجرای قانون، حق بیمه پرداخت کرده‌اند.»

خلاف اصل (۵۲) می‌دانند، رأی بدهند.

آقای سلیمی - البته این تبصره قید اینکه این حکم برای امسال است را هم، دارد.

آقای علیزاده - چند تا رأی شد؟

آقای مؤمن - من هم ایراد مغایرت با اصل (۵۲) را قبول دارم.

منشی جلسه - (۷) تا رأی دارد.

آقای سلیمی - اینجا، قید برای امسال بودن را هم، دارد.

آقای یزدی - خلاف اصل (۵۳) است.

آقای هاشمی شاهرودی - خلاف اصل (۵۲) است.

آقای مدرسی یزدی - چه خلاف اصلی؟!

آقای ابراهیمیان - این تبصره اشکال غیر بودجه‌ای بودن دارد. این تبصره، غیر بودجه‌ای است. مغایر قانون اساسی است.

آقای علیزاده - بنویسید: «با توجه به توضیحی که داده شده است، این تبصره‌ی الحاقی ماهیت بودجه‌ای ندارد و خلاف اصل (۵۲) است.» تمام شد.

منشی جلسه - «تبصره‌ی الحاقی (۹) با توضیح ارائه‌شده، غیر بودجه‌ای و مغایر اصل (۵۲) می‌باشد.»^(۱)

آقای مؤمن - تبصره (۱۲) هم همین‌طور است. تبصره‌های (۹) و (۱۲) از این جهت مثل هم هستند.

آقای ره‌پیک - تبصره (۱۲) هم همین‌طور است.

آقای علیزاده - تبصره (۱۲) هم این‌طور است.

آقای سوادکوهی - انتهای این تبصره (۱۲)، یک‌طور دیگر گفته است.

آقای علیزاده - بنویسید تبصره (۱۲) هم ایراد دارد. تبصره (۱۲) هم همین‌طور است.

منشی جلسه - ایراد تبصره‌های (۹) و (۱۲) را با هم می‌نویسیم.

آقای سوادکوهی - تبصره (۱۲) را بخوانید. اجازه بدهید این تبصره را بخوانند. توضیح این تبصره فرق می‌کند.

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۶ مورخ ۲۲/۰۲/۹۵ شورای نگهبان: «۵- تبصره‌های الحاقی (۹) و (۱۲)، با توضیح ارائه‌شده، غیر بودجه‌ای و مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

آقای علیزاده - بخوانید.

آقای مؤمن - آن تبصره هم این ایراد را دارد.

منشی جلسه - «تبصره ۱۲ الحاقی - به منظور تأمین بار مالی طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۸) و پرداخت مابه‌التفاوت حقوق سنوات ارفاقی در برقراری مستمری بازنشستگان پیش از موعد (مصوب ۱۳۸۶/۶/۵) مشمولان سازمان تأمین اجتماعی، طبق میانگین حقوق منبای تعیین حق بیمه پرداختی دو سال آخر بیمه پردازی سنوات ارفاقی، دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی مکلفند در صورت عدم پرداخت سنوات ارفاقی توسط دستگاه‌های اجرایی مربوطه، اعتبار مورد نیاز را از محل اعتبارات هزینه‌ای مصوب دستگاه‌ها و یا با استفاده از منابع مالی خود برای هزینه مابه‌التفاوت حقوق سنوات ارفاقی به سازمان تأمین اجتماعی تأمین و پرداخت نمایند.

توضیح: (چون اعتبار مورد نظر از محل منابع داخلی دستگاه‌های اجرایی پرداخت می‌شود، نمی‌توان برای آن سقفی در نظر گرفت.)»

آقای علیزاده - آقایان نمایندگان، این موضوع را یک بار به صورت تفسیر قانون آوردند،^(۱) ما ایراد گرفتیم؛^(۲) بعد، به صورت تقنین آوردند، باز هم ما ایراد گرفتیم و

۱. طرح استفساریه تبصره ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴ مجلس شورای اسلامی: (موضوع استفساریه -

با اینکه حقوق و حق بیمه سنوات ارفاقی بازنشستگان پیش از موعد مذکور به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شده است، آیا مستمری بازنشستگان موضوع ذیل ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی* باید بر اساس میانگین بیمه‌پردازی دو سال آخر (سال ۲۹ و ۳۰) محاسبه گردد یا خیر؟ نظر مجلس:

بلی، بر اساس میانگین دو سال آخر محاسبه شود.»

* ماده (۷۷) قانون تأمین اجتماعی اصلاحی ۱۳۷۱/۱۲/۱۶ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۷۷ - میزان مستمری بازنشستگی عبارت است از یک سی‌ام متوسط مزد یا حقوق بیمه‌شده ضربدر سنوات پرداخت حق بیمه، مشروط بر آنکه از سی و پنج، سی‌ام (۳۵/۳۰) متوسط مزد یا حقوق تجاوز ننماید. تبصره - متوسط مزد یا حقوق برای محاسبه مستمری بازنشستگی عبارت است از مجموع مزد یا حقوق بیمه‌شده که بر اساس آن حق بیمه پرداخت گردیده ظرف آخرین دو سال پرداخت حق بیمه تقسیم بر بیست و چهار.»

۲. نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۰۹۵ مورخ ۱۳۹۲/۸/۵ شورای نگهبان در خصوص طرح استفساریه تبصره ماده

گفتیم این کار، بار مالی دارد.^(۱) الآن آمده‌اند در بودجه آورده‌اند. این پرداخت هم که الآن گفته‌اند، یک پرداخت یک ساله نیست؛ چون نسبت به همه آنهایی است که به صورت پیش از موعد بازنشسته شده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - آخر چطور یک ساله پرداخت بکنند؟

آقای سوادکوهی - این تبصره اشکال ندارد.

آقای علیزاده - حکم این تبصره یک ساله نیست. اصلاً نمی‌توانند [یک ساله این کار را بکنند].

آقای مدرسی یزدی - من هم می‌گویم نمی‌توانند این کار را بکنند؛ ولی این موضوع اشکال دیگری دارد.

آقای رهپیک - پس این تبصره دو تا اشکال دارد.

آقای هاشمی شاهرودی - همان توضیح ذیل متن اصلاحی که می‌گوید نمی‌توان برای این موضوع سقفی در نظر گرفت، نشان می‌دهد که این حکم، بودجه‌ای نیست.

آقای علیزاده - بله، چون بودجه این طوری نیست.

آقای رهپیک - این تبصره هر دو تا اشکال را دارد. هم بودجه‌ای نیست، هم بار مالی دارد.

→

(۷۷) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۹۲/۷/۱۴ مجلس شورای اسلامی: «با توجه به نظریه تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان از اصل (۷۳) قانون اساسی،* طرح فوق‌الذکر تفسیر نیست، بلکه قانون‌گذاری است؛ لذا مغایر اصل مذکور شناخته شد.»

* نظر تفسیری شماره ۷۶/۲۱/۵۸۳ مورخ ۱۳۷۶/۳/۱۰ شورای نگهبان: «۱- مقصود از تفسیر، بیان مراد مقنن است. بنابراین تضییق و توسعه قانون در مواردی که رفع ابهام قانون نیست، تفسیر، تلقی نمی‌شود. ۲- تفسیر از زمان بیان مراد مقنن در کلیه موارد لازم الاجرا است. بنابراین در مواردی که مربوط به گذشته است و مجریان برداشت دیگری از قانون داشته‌اند و آن را به مرحله اجراء گذاشته‌اند، تفسیر قانون به موارد مختومه مذکور، تسری نمی‌یابد.»

۱. نظر شماره ۹۳/۱۰۲/۲۵۸۵ مورخ ۱۳۹۳/۸/۲۸ شورای نگهبان در خصوص طرح الزام سازمان تأمین اجتماعی به برقراری مستمری بازنشستگان مشمول قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت مصوب ۱۳۸۶ بر اساس دو سال آخر بیمه‌پردازی سنوات ارفاقی آنان مصوب ۱۳۹۳/۸/۱۸ مجلس شورای اسلامی: «نظر به اینکه ماده واحده منجر به افزایش هزینه عمومی می‌گردد و منبعی که در آن پیش‌بینی شده منبع جدیدی نیست تا بار مالی مصوبه را تأمین نماید، بنابراین مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای علیزاده - ببینید؛ این تبصره، ایراد سابق؛ یعنی مغایرت با اصل (۵۳) را که، کماکان دارد.

آقای سوادکوهی - خب، الآن گفته‌اند که دولت بار آن را تحمل می‌کند دیگر.

آقای رهپیک - نه، گفته‌اند که دستگاه‌ها این اعتبارات را از محل اعتبارات خودشان بدهند.

آقای علیزاده - مگر مجلس می‌تواند بگوید که دولت بار مالی آن را تحمل کند؟! اگر دولت می‌خواهد بار مالی آن را تحمل کند، باید این موضوع را در قالب لایحه بیاورد. این مطلب، اشکال دارد دیگر. حضرات آقایانی که این تبصره را خلاف قانون اساسی می‌دانند، اعلام کنند. آقایانی که به این ایراد رأی می‌دهند، رأی بدهند.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره، اشکال قبلی را دارد. ما همان اشکال قبلی را به این تبصره داریم.

آقای مدرسی یزدی - اشکال مغایرت با اصل (۷۵) را که دارد؛ چون واقعاً بودجه‌ای نیست.

آقای سوادکوهی - (۶) تا رأی شد.

آقای رهپیک - نه، حاج آقا هم جزء رأی دهندگان است.

آقای علیزاده - آقای ابراهیمیان هم که رأی دادند.

آقای سوادکوهی - نه، گفت رأی نمی‌دهم.

آقای اسماعیلی - این ایراد، رأی آورد.

آقای علیزاده - آقای اسماعیلی هم رأی می‌دهد.

منشی جلسه - آقای دکتر اسماعیلی رأی داد.

آقای هاشمی شاهرودی - حاج آقای یزدی جزء رأی دهندگان است یا نه؟

آقای علیزاده - بله، حاج آقای یزدی هم رأی داد. (۸) تا رأی شد.

آقای اسماعیلی - ایراد این تبصره، عین ایراد تبصره‌ی قبلی است دیگر.

آقای علیزاده - بله، ایراد آن عین قبلی است دیگر. بلکه بدتر است.

منشی جلسه - حاج آقا، می‌شود برای این تبصره هم، همان متن ایراد تبصره‌ی الحاقی

(۹) را بنویسیم؟ برای هر دو تا تبصره همان ایراد را می‌نویسم.

آقای هاشمی شاهرودی - اشکال هر دو تبصره، عین هم است.

آقای علیزاده - این طور بنویسید که «با توجه به توضیحاتی که در تبصره داده شده است...»

آقای مدرسی یزدی - نه، ما که به اشکال این تبصره رأی دادیم، به خاطر مغایرت با اصل (۷۵) است.

آقای رهپیک - حالا اشکال به هر دلیلی باشد؛ دو تا تبصره مثل هم هستند.

آقای مدرسی یزدی - حالا نظر من به مغایرت با اصل (۷۵) است. شما صاحب اختیار هستید.

آقای رهپیک - ما هم به مغایرت با اصل (۷۵) رأی می دهیم.

آقای هاشمی شاهرودی - باید مجلس [منبع مالی آن را] صریح بیاورد.

آقای یزدی - معلوم است که این تبصره خلاف قانون اساسی است.

آقای علیزاده - الآن رأی به این ایراد چند تا شد؟

آقای رهپیک - (۷) تا شد.

آقای مدرسی یزدی - این تبصره خلاف کدام اصل از قانون اساسی است؟ کدام اصل را رعایت نکرده اند؟

آقای یزدی - ایراد ما، همین [آوردن موضوع غیر بودجه‌ای] در بودجه‌ی سالیانه است.

آقای اسماعیلی - به این ایراد رأی می دهیم.

منشی جلسه - حاج آقای شب‌زنده‌دار رأی دادند؟

آقای [علیزاده] - نه.

منشی جلسه - به جز آقای مدرسی، (۷) تا رأی شد.

آقای علیزاده - بدون حاج آقای مدرسی هم، (۷) نفر مخالف این تبصره هستیم.^(۱)

منشی جلسه - [ادامه‌ی مصوبه‌ی اصلاحی:] «تبصره الحاقی (۱۵)^(۲) به شرح زیر

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۶ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ شورای نگهبان: «۵- تبصره‌های الحاقی (۹) و

(۱۲)، با توضیح ارائه‌شده، غیر بودجه‌ای و مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

۲. تبصره‌ی الحاقی (۱۵) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای

اسلامی: «تبصره الحاقی ۱۵- دولت مکلف است از محل اعتبارات بنیاد شهید و امور ایثارگران به جانبازان و آزادگان غیر حالت اشتغال معسر فاقد درآمد که بر اساس قوانین نیروهای مسلح مشمول دریافت حقوق وظیفه نمی‌باشند، تا زمانی که فاقد شغل و درآمد باشند، ماهانه کمک معیشت معادل

اصلاح می‌شود:

تبصره الحاقی ۱۵- دولت مکلف است از محل اعتبارات بنیاد شهید و امور ایثارگران، موضوع ردیف (۱۳۱۶۰۰) جدول شماره (۷) این قانون، به جانبازان و آزادگان غیر حالت اشتغال معسر فاقد درآمد که بر اساس قوانین نیروهای مسلح مشمول دریافت حقوق وظیفه نمی‌باشند، تا زمانی که فاقد شغل و درآمد باشند، ماهانه کمک معیشت معادل حداقل حقوق کارکنان دولت پرداخت کند.»

آقای عزیزاده - آقای جعفرزاده ایمن آبادی^(۱) پیگیر این مسئله است. ما هم همیشه گفته‌ایم^(۲) که این موضوع ایراد دارد. حالا هم که در بودجه آورده‌اند، همین ایراد را گرفتیم.^(۳)

آقای مؤمن - خوب است. چه عیبی دارد؟

آقای رهپیک - ردیف بودجه‌ای شماره (۱۳۱۶۰۰)، ردیف اصلی بنیاد شهید است.

→

حقوق کارکنان دولت پرداخت کند.»

۱. غلامعلی جعفرزاده ایمن‌آبادی، نماینده‌ی حوزه‌ی انتخابیه‌ی رشت در دوره‌ی نهم مجلس شورای اسلامی.

۲. به عنوان نمونه، در بند (۱۷) نظر شماره ۹۳/۱۰۰/۳۲۸۴ مورخ ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ شورای نگهبان در خصوص طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی آمده است: «۱۷- ... به علاوه فراز دوم و سوم بند (ف) این ماده، دارای ابهام فراوان بوده و نیازمند اصلاح عبارتی است و نیز مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی می باشد ...» بند (ف) ماده (۳۷) طرح الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۹۳/۹/۱۹ مجلس شورای اسلامی بدین شرح بود: «ماده ۳۷-

الف- ...

ف- ... دولت مکلف است نسبت به پرداخت حداقل مستمری به افراد بازمانده تحت تکفل والدین شهید فوت‌شده (نامادری) خواهران مجرد، خواهران و برادران معلول (محجور) توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران اقدام نماید.

دولت مکلف است به جانبازان و آزادگان غیر حالت اشتغال معسر، فاقد درآمد که براساس قوانین نیروهای مسلح مشمول دریافت حقوق وظیفه نمی‌باشند تا زمانی که فاقد شغل و درآمد باشند ماهانه کمک معیشت معادل حداقل حقوق کارکنان دولت پرداخت کند. اعتبار مورد نیاز هه‌ساله در قوانین بودجه پیش‌بینی می‌شود.»

۳. بند (۷) نظر شماره ۹۵/۱۰۰/۴۲۳ مورخ ۹۵/۲/۱۲ شورای نگهبان: «۷- تبصره‌های الحاقی ...، (۱۵) و ... از حیث نامشخص بودن سقف و ردیف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

آقای هاشمی شاهرودی - حالا دیگر دولت باید از این ردیف به این جانبازان و آزادگان کمک هزینه بدهد.

آقای علیزاده - بله، بدهد. چه اشکالی دارد؟ مجلس که ردیف آن را تعیین کرده است. حکم آن هم که، یک ساله است.

آقای یزدی - این تبصره، همان اشکال غیر بودجه‌ای بودن را دارد.

آقای اسماعیلی - نه، اشکال ما به این تبصره، در نظر قبلی به عدم تعیین سقف و ردیف آن بود.

آقای علیزاده - نه، این تبصره برای یک سال است. اشکال سابق ما در مورد نداشتن سقف و ردیف رفع شده است.

آقای هاشمی شاهرودی - الآن سقف و ردیف دارد دیگر.

منشی جلسه - «در تبصره الحاقی (۱۷)،^(۱) بعد از عبارت «از محل اعتبارات خود» عبارت «موضوع ردیف (۱۳۱۶۰۰) جدول شماره (۷) این قانون» اضافه می‌شود. باز هم مجلس برای رفع ایراد ما،^(۲) همان ردیف بودجه‌ی بنیاد شهید را تعیین کرده است.

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره هم ردیف دارد.

منشی جلسه - باز هم ردیف بودجه‌ی بنیاد شهید و امور ایثارگران را گفته است.

آقای هاشمی شاهرودی - بله، همان ردیف تبصره‌ی قبلی است.

منشی جلسه - بله، باز همان ردیف است.

آقای علیزاده - بله، چه اشکالی دارد؟ این اصلاحیه گفته است این اعتبارت را از این ردیف بدهید. چه اشکالی دارد؟ وقتی ردیف تعیین کرده است و حکم آن یک ساله

۱. تبصره‌ی الحاقی (۱۷) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره الحاقی ۱۷- بنیاد شهید و امور ایثارگران مکلف است از محل اعتبارات خود، با تشخیص کمیسیون پزشکی بنیاد و یا مراجع قانونی ذی‌ربط، حسب مورد به والدین و همسران شهدا که به دلیل کهولت سن و یا بیماری صعب‌العلاج نیاز به نگهداری دارند، در صورتی که در میان خانواده، فرد یا افرادی از آنها نگهداری کنند، نسبت به پرداخت حق نگهداری به میزان سی درصد (۳۰٪) حداقل حقوق کارکنان دولت اقدام کند.»

۲. بند (۷) نظر شماره ۹۵/۱۰۰۴۲۳ مورخ ۹۵/۲/۱۲ شورای نگهبان: «۷- تبصره‌های الحاقی... و (۱۷) از حیث نامشخص بودن سقف و ردیف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

است، ما بگوییم اشکال دارد؟!

آقای مدرسی یزدی - ردیف تعیین کرده است، ولی باید ردیف خاص داشته باشد.

آقای عزیزاده - چرا ردیف خاص؟

آقای مدرسی یزدی - خب ردیف مربوط به بنیاد شهید و امور ایثارگران را تعیین کرده است. الآن این مسئله مثل این است که مجلس بگوید بنیاد شهید این اعتبارات را بدهد.

آقای هاشمی شاهرودی - خب مجلس این هزینه را هم به آن هزینه‌ی تبصره‌ی قبلی اضافه کرده است.

آقای عزیزاده - الآن گفته‌اند این هزینه را از این ردیف بده؛ اگر اضافه آمد، صرف مصارف دیگر بکن. چه اشکالی دارد!؟

آقای هاشمی شاهرودی - بله، تبصره‌ی الحاقی (۱۷) اشکالی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - اگر این چیزی را که شما می‌گویید، گفته بود، عیبی نداشت.

آقای عزیزاده - خب، منظور این تبصره همین است. معنایش همین است.

آقای هاشمی شاهرودی - لازمه‌اش همین مطلب است.

آقای عزیزاده - بله، لازمه‌اش همین است.

آقای مدرسی یزدی - نه، در تبصره‌ی قبل گفتند که در آنجا از این ردیف هزینه کنند.

آقای رهپیک - چون در وظایف بنیاد شهید رسیدگی به خانواده‌ی شهدا هم هست، گفته‌اند بودجه‌ی بنیاد شهید شامل هزینه‌های خانواده‌ی شهدا هم می‌شود.

آقای عزیزاده - این تبصره در مورد خانواده‌ی شهدا است دیگر. اصلاً بنیاد شهید و امور ایثارگران برای چه به وجود آمده است؟

منشی جلسه - [بند (۸) نظر شماره ۶۴۶/۵۷۵۸ مورخ ۱۳۹۵/۲/۵ شورای نگهبان: «۸-

تبصره الحاقی (۱۶)،^(۱) از این حیث که مشخص نیست اصلاح قانون مذکور دائمی

۱. تبصره الحاقی (۱۶) لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور مصوب ۱۳۹۵/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی: «تبصره الحاقی ۱۶- ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۲۰- دولت موظف است نسبت به تعیین تکلیف فرآیند تسویه بدهکاران ارزی از محل حساب ذخیره ارزی به دولت، اعم از موارد تهاترشده با بانک‌های ملت، تجارت، رفاه کارگران و صادرات ایران

است یا یک ساله، ابهام دارد. پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. این تبصره را هم حذف کرده‌اند.^(۱)

آقای هاشمی شاهرودی - تبصره‌ی الحاقی (۱۶) حذف شده است.

آقای مؤمن - تبصره‌ی الحاقی (۱۶) هم که حذف شده است.

منشی جلسه - در آن تبصره، ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید و رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور^(۲) را اصلاح کرده بودند که الآن گفته‌اند حذف شد.

→

و موارد تهاثر نشده برای کل بانک‌های کشور، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این اصلاحیه اقدام کند.

تبصره ۱- گیرندگان تسهیلات موضوع این ماده از تاریخ ابلاغ این قانون تا شش ماه فرصت دارند تا بدهی خود به قیمت روز گشایش را با بانک عامل تأدیه و یا تعیین تکلیف کنند. بدهکارانی که مطابق این تبصره اقدام به تعیین تکلیف بدهی خود نموده باشند، مشمول تسهیلات این ماده هستند. تطابق شرایط این ماده با بدهکاران مزبور با تصویب کارگروه ملی و بر حسب ضرورت استانی می‌باشد. کلیه اقدامات اجرایی توسط بانک‌های عامل تا ابلاغ آیین‌نامه اجرایی اصلاحیه این ماده متوقف می‌شود.

تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده که در آن ترکیب کارگروه مذکور در تبصره (۱) تعیین می‌شود، به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون با همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه پوشش نوسانات نرخ ارز را تهیه کند و به تصویب هیئت وزیران برساند.

تبصره ۴- مشمولین جزء (د) بند (۶) قانون بودجه سال ۱۳۸۸ نیز مشمول استفاده از تسهیلات این ماده می‌شوند.»

۱. اصلاحیه‌ی مورخ ۱۹/۲/۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی در خصوص تبصره الحاقی (۱۶) لایحه‌ی بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور: «تبصره الحاقی (۱۶) حذف می‌شود.»

۲. ماده (۲۰) قانون رفع موانع تولید و رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب ۱/۲/۱۳۹۴ مجلس شورای اسلامی: «ماده ۲۰- دولت موظف است نسبت به تعیین تکلیف نرخ و فرآیند تسویه بدهکاران ارزی از محل حساب ذخیره ارزی به دولت به نحوی که زمان دریافت ارز، زمان فروش محصول یا زمان تکمیل طرح (حسب مورد)، نوع کالا (نهایی، واسطه‌ای یا سرمایه‌ای) وجود یا نبود محدودیت‌های قیمت‌گذاری توسط دولت و رعایت ضوابط قیمت‌گذاری و عرضه توسط دریافت‌کننده تسهیلات، وجود یا نبود منابع ارزی در زمان درخواست متقاضی لحاظ شده باشد، ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون اقدام کند.

تبصره ۱- گیرندگان تسهیلات موضوع این ماده از تاریخ ابلاغ این قانون تا سه ماه فرصت دارند تا

←

آقای هاشمی شاهرودی - این تبصره را حذف کرده‌اند.

آقای علیزاده - بسیار خوب، دیگر چه می‌خواهیم؟^(۱)

→

بدهی خود به قیمت روز گشایش را با بانک عامل تأدیه و یا تعیین تکلیف کنند. بدهکارانی که مطابق این تبصره اقدام به تعیین تکلیف بدهی خود نموده باشند، مشمول تسهیلات این ماده هستند. تطابق شرایط این ماده با بدهکاران مزبور با تصویب کارگروه ملی و بر حسب ضرورت استانی می‌باشد. کلیه اقدامات قانونی و اجرایی توسط بانک‌های عامل تا ابلاغ آیین‌نامه اجرایی این ماده متوقف می‌شود. تبصره ۲- آیین‌نامه اجرایی این ماده که در آن ترکیب کارگروه مذکور در تبصره (۱) تعیین می‌شود، به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره ۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون با همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار و بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه پوشش نوسانات نرخ ارز را تهیه کند و به تصویب هیئت وزیران برساند.»

۱. نظر شماره ۹۵/۱۰۲/۵۲۶ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ شورای نگهبان: «عطف به نامه شماره ۶۴۶/۹۷۹۲ مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۱ و پیرو نامه شماره ۹۵/۱۰۴/۴۲۳ مورخ ۱۳۹۵/۲/۱۲، لایحه بودجه سال ۱۳۹۵ کل کشور که با اصلاحاتی در جلسه مورخ نوزدهم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و پنج به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، در جلسه مورخ ۱۳۹۵/۲/۲۲ شورای نگهبان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و با توجه به اصلاحات به عمل آمده، نظر شورا به شرح زیر اعلام می‌گردد:

۱- در بند (ب) تبصره (۱)، علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال (۱-۳) این شورا در خصوص فرآورده‌های نفتی کماکان به قوت خود باقی است. لازم به توضیح می‌باشد که بند (۱۸) سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی نسخ بند (۱-۲۲) سیاست‌های کلی برنامه پنجم توسعه، در خصوص مورد نیست.

۲- در بند (الف) تبصره (۲)، علی‌رغم تغییر به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است؛ زیرا جزء (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، پرداخت بدهی‌ها در مواردی که در تبصره آمده است را شامل نمی‌شود. بنابراین، باید عبارت «و بدهی خود ... جدول شماره (۱۸) این قانون» حذف شود. همچنین، در بند (د) این تبصره علی‌رغم اصلاح به عمل آمده، اشکال سابق این شورا کماکان به قوت خود باقی است.

۳- علی‌رغم اصلاح به عمل آمده در بند الحاقی (۲) به تبصره (۵)، به جز در خصوص انفال و اموال دستگاه‌های زیر نظر مقام معظم رهبری مدظله‌العالی، سایر اتهامات مرتفع نگردیده و کماکان به قوت خود باقی است.

۴- عبارت تبصره (۱۸)، به صورتی که اصلاح شده، اشکال دارد و باید به نحوی اصلاح گردد که چنانچه اموالی را که به فروش می‌رسد، از مصادیق واگذاری سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی باشد، به مصارف جزء بند (۲) بند (د) سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی برسد.

۵- تبصره‌های الحاقی (۹) و (۱۲)، با توضیح ارائه‌شده، غیر بودجه‌ای و مغایر اصل (۵۲) قانون اساسی شناخته شدند.»

مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای مد ظله العالی

در دیدار با اعضای شورای نگهبان (۱۳۹۲/۸/۸)

«یکی از چیزهایی که شاید بنده قبلاً هم عرض کرده‌ام... انتشاره‌اکرات شوراست. این خیلی چیز خوبی است... فرض
بفرمایید در قانون مجازات ماده چندم این قانون، ممکن است دو نظر مخالف یا سه نظر مخالف وجود داشته باشد. خیلی خوب
است که در انتشاره‌اکرات، این نظرات مخالف ذکر شود... یعنی این می‌شود یک مستندی، این یک سابقه‌ای است.
این سوابق مهم است. اینکه مثلاً شورای نگهبان بتواند در سال هزار و چهارصد و فلان بگوید که این حکم و این بنا مثلاً در نگاه سال
پیش در شورای نگهبان بحث شد و این حرف‌ها گفته شد و این نظر از بحث‌ها در آمد، خود این یک مستند و یک پشتوانه تقویت
علمی است برای آرای شورا. بنابراین انتشاره‌اکرات هم به نظر من خیلی خوب است.»



پژوهشکده شورای نگهبان

آدرس: تهران، خیابان شهید سپهبد قمرنی،

کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

صندوق پستی: ۱۴۶۳ - ۱۳۱۴۵

تلفکس: ۰۲۱ - ۸۸۳۲۵۰۴۵

info@shora-rc.ir

www.shora-rc.ir